

امام زمان (عليه السلام)



محمد تقی صرفی پور

مقدمه

سپاس بیکران خداوند حکیم و صلوات فراوان بر سرور انبیاء حضرت محمد مصطفی و اهل بیت طاهرینش

وجود بابرکت امام زمان علیه السلام از نعمت های بسیار بزرگ الهی است. از مهربانی و رحمت خدا هست که حجت خود را در زمین قرار داده تا انسان ها از برکات وجود او بهره مند شوند.

در طول عمر بابرکت امام زمان که بیش از هزار و صد و هشتاد و خورده ای سال می گذرد هزاران انسان گرفتار توانستند با توسل به حضرت، نجات پیدا کنند چه کسانی که زندانی و اسیر ظالمین بودند چه کسانی دچار قرض و بدهکاری سختی شدند. چه کسانی که دچار بیماری های مهلک شدند. چه کسانی که بچه دار نمی شدند و...

بر همه لازم است هم به حضرت معرفت و شناخت پیدا کنند هم محبت خود را به حضرت ابراز نمایند هم همه روزه یاد حضرت را در دل های خود تازه کنند. که یاد حضرت باعث شادابی و نشاط روح و روان می باشد.

در این کتاب درباره مسائل مختلف حضرت مطالبی گردآوری شده است.

رمضان سال 1402 شمسی. کرمانشاه

«بَقِيَّتُ اللَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنتُمْ مُؤْمِنِينَ»⁽¹⁾

تولد حضرت در نیمه شعبان سال دویست و پنجاه و پنج هجری در سامراء بوده است. مادرش نرگس خاتون و پدرش امام عسگری علیه السلام می باشد.

نام حضرت، محمد صلی الله علیه و آله است ولی در کتاب «فرهنگ مهدی «عج» آمده که در کتب مختلف نامهای مختلفی برای حضرت وجود دارد از جمله: فرخنده «در کتاب اشعیای نبی»، ایستاده «در کتاب شاکمونی»، بنده یزدان «در کتاب ایستا»، بهرام «در کتاب مجوس»، پرویز به معنای پیروز و مظفر «در کتاب برزین آزر فارسیاب»، حاشر «در صحف ابراهیم علیه السلام»، سروش ایزد⁽²⁾

القاب

القاب آن حضرت بشرح زیر است:

فجر، قائم، مهدی، هادی، امیرالامراء، بقیة الانبیاء، جابر، حامد، حجة، حق، حمد، خجسته، خداشناس، خسرو «سلطان عظیم الشأن»، خلیل، دابة الارض، داعی، سناء «روشنائی»، سید، صاحب، صراط، ضیاء، عالم، عدل، عصر، غوث، غیب، فتح.

اما کنیه های حضرت: ابو تراب، ابو جعفر، ابا صالح، ابو عبدالله و ابو محمد.

امام در سن پنج سالگی به مقام امامت رسید و از همان موقع غیبت صغری که 74 سال طول کشید آغاز شد و در این مدت بوسیله نایبان خاصش به ترتیب، عثمان بن سعید، محمد بن عثمان، حسین بن روح و علی بن محمد سمری با مردم در ارتباط بود.

1. سوره هود، آیه 86.

2. «در کتاب زمزم زردشت»

چند روز پیش از وفات علی بن محمد سمیری (سمری) چهارمین و آخرین نیب آن حضرت، توقیعی از ناحیه امام به این مضمون خطاب به وی صادر شد: ای علی بن محمد سمری! خداوند در سوک فقدان تو پاداشی بزرگ به برادرانت عطا کند. تو تا شش روز دیگر از دنیا خواهی رفت. کارهایت را مرتب کن و هیچ کس را به جانشینی خویش مگمار. دوران غیبت کامل فرا رسیده است و من جز با اجازه خداوند متعال ظهور نخواهم کرد و ظهور من پس از گذشت مدتی طولانی و قساوت دلها و پر شدن زمین از ستم خواهد بود. افرادی نزد شیعیان من مدّعی مشاهده من خواهند شد. آگاه باشید که هر کس پیش از خروج «سفیانی» و «صیحه آسمانی» چنین ادعایی بکند، دروغگو و افترا زننده است و هیچ حرکت و نیرویی جز به خداوند عظیم نیست.

در ششمین روز پس از صدور توقیع، ابو الحسن سمیری از دنیا رفت. پیش از مرگش از وی پرسیدند: نایب بعد از تو کیست؟ پاسخ داد: اجازه ندارم کسی را معرفی کنم.

پس از رحلت علی بن محمد سمیری در سال 329 غیبت کبری آغاز شد که در این مدت نایبان عام امام عصر(ع) که فقها و مجتهدین شیعه هستند، رهبری مردم را در دست دارند. که امام در سخنی آنها را نمایندگان خود معرفی نمود.

□ امام عصر(ع) در آینه قرآن

- 1- «امام صادق(ع) فرمود: در موقع قیام قائم(ع)، اهل ایمان از یاری خدا خوشحال می شوند.
- 2- «یعنی خدا نعمتهای ظاهری و باطنی خود را بر شما روزی کرد. «امام کاظم(ع): نعمت ظاهری امام ظاهر و نعمت باطنی امام غایب است که از دیدگان مردم مخفی است و گنجهای زمین در هنگام ظهورش آشکار می شود و هر چیز دوری برایش نزدیک می گردد.
- 3- «امام باقر(ع): مراد از روز، قائم ما اهل بیت است که هرگاه ظهور کند، بر دولت باطل پیروز می شود.
- 4- «امام صادق(ع): مراد امام زمان است که در زمان او همه راهها ایمن است.
- 5- «علی بن ابراهیم در تفسیر آن گفته است که: در زمان قیام قائم، او از جباران و طاغوتها انتقام می گیرد.
- 6- «علی(ع): او قائم ما اهل بیت است.
- 7- والفجر «امام صادق(ع): فجر لقب قائم ما است.
- 8- قل جاء الحق وزهق الباطل {اسراء 9}

□ امام عصر(عج) از نگاه روایات

امام عسکری (ع) چند روز پیش از وفات، بین دوستان خود در مجلسی که چهل تن از یاران وفادارش حضور داشتند و از جمله آنان محمد بن عثمان و معاویه بن حکیم و محمد بن ایوب... بودند به بزرگترین اعلان و افشاگری درباره ولادت فرزندش اقدام کرد و به آنان چنین گفت: «او بعد از من صاحب شما و

1 . سوره روم ، آیه 4 .
2 . سوره لقمان ، آیه 20 .
3 . سوره لیل ، آیه 2 .
4 . سوره سبا ، آیه 18 .
5 . سوره طارق ، آیه 17 .
6 . سوره نور ، آیه 35 .

خلیفه شماسست. او قائمی است که گردنها در انتظار، به سوی او کشیده شده است. پس وقتی زمین از ستم و ناروایی پر شد، خروج می کند و زمین را از قسط و عدل سرشار میسازد.^۷

حضرت صادق (علیه السلام) فرمود: به درستی که چون حسین - صلوات الله علیه - شهید شد، آسمانها و زمینها و هر کس که در آنها بود به ناله در آمدند، پس عرض کردند: ای پروردگار ما ! ما را در هلاک نمودن این خلق اذن فرما، تا آنکه آنها را از اطراف زمین از بین ببریم، به سبب آنکه حرمت تو را ضایع کردند و برگزیده تو را کشتند.

پس خداوند بسوی آنها وحی فرمود که: ای ملائکه من و ای آسمان و زمین من ! آرام باشید، پس پرده ای از حجابها را برای آنها کشف فرمود، در این حال از عقب آن حجابها وجود مبارک محمد و دوازده نفر اوصیاء او صلوات الله علیهم اجمعین آشکار شد، و اشاره فرمود به یکی از آنها که ما بین آنها ایستاده بود، پس فرمود: ای ملائکه من ! و ای آسمانها و زمین من ! با این قائم و ایستاده؛ برای این مظلوم انتقام می گیرم، و این فرمایش را تا سه مرتبه تکرار فرمود. حضرت رسول (صلی الله علیه و آله) فرمود: چون مرا بسوی آسمان بردند، - پس بعد از وحی های چند - خداوند عزوجل فرمود: سر خود را بلند نما، چون بلند نمودم در این حال؛ انوار علی و فاطمه و حسن و حسین و علی بن الحسین و محمد بن علی و جعفر بن محمد و موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمد بن علی و علی بن محمد و حسن بن علی و «م ح م د» بن حسن نمایان شد، آنکه ایستاده بود - یعنی آخرین آنها - در ما بین آنها همچون ستاره درخشان بود.

عرض کردم : پروردگارا ! اینها چه کسانیند؟

فرمود: اینها امامانند، و اینکه ایستاده حلال مرا حلال؛ و حرام مرا حرام خواهد کرد، و به او از دشمنان خود انتقام خواهم کشید، و او سبب راحتی اولیاء من می باشد. و او است آن کسی که به سبب او دلهای شیعیان

۷. زندگانی تحلیلی پیشوایان ما - عادل ادیب

تو از شرّ ظالمین و جاحدین و کافرین شفا می یابد، پس لات و عزى را در حالتیکه بدن آنها تازه باشد بیرون می آورد، پس او آنها را می سوزاند، و هر آینه امتحان شدن مردم به سبب آنها در این روز شدیدتر از امتحان به امر گوساله سامری است.

در « کافی » روایت کرده از حضرت امام محمد تقی صلوات الله علیه که فرمود : حضرت امیر المؤمنین (علیه السلام) به مسجد الحرام تشریف فرما شدند، و با ایشان بودند حضرت امام حسن (علیه السلام) در حالتیکه تکیه فرموده بودند به سلمان (رضی الله عنه) ، پس نشستند و در این حال مردی با هیئت و لباس نیکو وارد شد، پس به امیرالمؤمنین (علیه السلام) سلام کرد، و ایشان جواب سلام دادند، بعد سه مسئله سؤال کرد .

حضرت امام محمد تقی (علیه السلام) بعد از بیان آن مسائل و جواب آنها را از فرمایش حضرت مجتبی (علیه السلام) - بر حسب محوّل فرمودن حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) بیان جوابها را به ایشان - فرمود:

پس آن مرد گفت : شهادت می دهم به کلمه توحید، و همیشه شهادت به آن می دهم، و شهادت می دهم به آنکه وجود مبارک محمد (صلی الله علیه وآله) رسول الله می باشند، و همیشه شهادت به آن می دهم، و شهادت می دهم به آنکه شما - اشاره به امیرالمؤمنین (علیه السلام) کرد - وصی او هستید و قیام به حجّت او می فرمائید، و همیشه شهادت به آن می دهم، و شهادت می دهم به آنکه تو - اشاره به حضرت امام حسن (علیه السلام) کرد - وصی او می باشی ، و قیام به حجّت او می فرمائی ، و شهادت می دهم به آنکه بعد از او حسین بن علی صلوات الله علیه وصی برادرش می باشد و قیام به حجّت او می فرماید.

و شهادت می دهم به آنکه بعد از ایشان علی بن الحسین (علیه السلام) قیام به امر حسین (علیه السلام) می نماید، و شهادت می دهم به آنکه محمد بن علی (علیه السلام) قائم بامر علی بن الحسین (علیه السلام) می باشد، و شهادت می دهم برای جعفر بن محمد (علیه السلام) که او قائم به امر محمد است .

و شهادت می دهم برای موسی بن جعفر (علیه السلام) که او قائم به امر جعفر بن محمد (علیهما السلام) است، و شهادت می دهم برای علی بن موسی (علیه السلام) که او قائم به امر موسی بن جعفر (علیهما السلام) است، و شهادت می دهم برای محمد بن علی (علیهما السلام) که او قائم به امر علی بن موسی (علیهما السلام) است، و شهادت می دهم برای علی بن محمد (علیه السلام) که او قائم به امر محمد بن علی (علیهما السلام) است، و شهادت می دهم برای حسن بن علی (علیه السلام) که او قائم به امر علی بن محمد (علیهما السلام) است، و شهادت می دهم برای حسین بن علی (علیه السلام) که او قائم به امر علی بن محمد (علیهما السلام) است.

و شهادت می دهم برای مردی از اولاد حسین صلوات الله علیه که تا زمانی که امر او ظاهر شود؛ با کنیه نام برده نمی شود، زمین را از عدل پر نماید چنانچه از جور پر شده باشد، و سلام و رحمت و برکات الهی بر تو باد، یا امیرالمؤمنین .

پس آن مرد برخاست و رفت، پس امیرالمؤمنین صلوات الله علیه فرمود : یا ابا محمد در عقب او بروید ببینید به کدام طرف می رود ؟

پس امام حسن (علیه السلام) بیرون رفتند و بعد فرمود : طولی نکشید مگر آنکه پای خود را بیرون مسجد گذاردم دیگر ندیدم به کدام سو رفت، پس نزد امیرالمؤمنین (علیه السلام) برگشتم و ایشان را به این امر خبر دادم.

پس آن حضرت فرمود : آیا او را می شناسید ؟

گفتم : خدا و رسول او (صلی الله علیه و آله) و امیرالمؤمنین (علیه السلام) دانا ترند.

فرمود : او خضر (علیه السلام) می باشد.⁸

در «کمال الدین» از احمد بن اسحاق قمی روایت شده که گفت : خدمت حضرت امام حسن عسکری (علیه السلام) رفتم و می خواستم که درباره خلف و حجت بعد از ایشان سؤال کنم، - بعد از ذکر فرمایشاتی از ایشان می گوید - پس ایشان برخاستند و به عجله وارد منزل شدند، و در حالتی که بر سر شانه ایشان پسری که صورت او چون ماه شب چهارده بود به سن سه سالگی بیرون آمدند.

پس فرمود : ای احمد بن اسحاق اگر کرامت تو نزد خداوند و حجتهای او نبود، برای تو این فرزند خود را ظاهر نمی کردم، همانا او هم اسم و هم کنیه رسول الله (صلی الله علیه و آله) می باشد، و آن کسی است که زمین را از عدل و قسط پر می نماید ، چنانچه از ظلم و جور پر شده باشد .

ای احمد بن اسحاق ! مثل او در این امت مثل خضر (علیه السلام) و مثل ذی القرنین است، به خدا قسم غائب شود غیبتی که در آن کسی از هلاکت و فتنه ها نجات نیابد، مگر کسی که خداوند او را بر اقرار و اعتراف به امامت او ثابت گردانیده باشد، و او را بر دعا در تعجیل فرج موفق فرموده باشد .

پس عرض کردم : ای مولای من ! آیا از برای امر ایشان علامتی هست که بواسطه آن اطمینان خاطر برای من حاصل شود ؟

پس آن پسر - صلوات الله علیه - به لسان عربی فصیح فرمود :

منم بقیه الله در زمین او ، و منم انتقام گیرنده از دشمنان او ، و ای احمد بن اسحاق ! علامتی را بعد از مشاهده نمودن حق به چشم خود طلب نکن.⁹

حضرت رسول فرمودند (صلی الله علیه و آله): ای گروه مردمان! آگاه باشید؛ همانا من انذار کننده ام و علی هدایت کننده است .

ای گروه مردمان! آگاه باشید؛ بدرستیکه من نیّم و علی وصیّ من است .

آگاه باشید؛ همانا خاتم ائمّه از ما قائم مهدی خواهد بود .

آگاه باشید؛ همانا او در امر دین بر دیگران غالب است و در آن سلطنت دارد .

آگاه باشید؛ همانا او گشاینده و فتح کننده شهرها و خراب کننده آنها است .

آگاه باشید ؛ همانا او کشنده تمام قبائل اهل شرک است .

آگاه باشید؛ همانا او خون خواه همه خونهای اولیاء الهی است .

آگاه باشید؛ همانا او یاری کننده دین خدا است .^{۱۰}

از فضل بن ابی قره نقل شده ، که گفت : از حضرت صادق (علیه السلام) شنیدم که می فرمود: حقّ

تعالی به حضرت ابراهیم (علیه السلام) وحی فرمود که : بزودی برای تو از ساره پسری متوکّد می شود .

ساره گفت : که من پیره زن و عجوزه ام .

حقّ تعالی فرمود : بزودی فرزندی آورد و فرزندان آن پسر تا چهارصد سال در دست دشمن من معذب

می گردند، به سبب آنکه کلام مرا ردّ نمود . چون بنی اسرائیل در دست فرعون مبتلا شدند تا چهل روز در

درگاه خداوند ناله و گریه نمودند. حقّ تعالی به حضرت موسی و هارون (علیهما السلام) وحی فرمود که: ایشان

را از دست فرعون خلاص گردانند، و صد و هفتاد سال از آن چهار صد سال باقی مانده بود که آن را از ایشان

برداشت .

پس حضرت صادق (علیه السلام) فرمود : که اگر شما نیز چنین تضرع و زاری می کردید ، حقّ تعالی فرج ما را مقدّر می کرد، و چون چنین نکنید پس به درستی که این امر به نهایت خود خواهد رسید.^{۱۱}

حضرت صادق (علیه السلام) فرمود : چون قائم (علیه السلام) خروج کند کسی بر سر قبر مؤمن می آید و به او می گوید: ای فلان ! بدرستی که صاحب تو ظاهر شده ، پس اگر می خواهی که ملحق شوی پس ملحق شو ، و اگر می خواهی که اقامت کنی در نعمت پروردگار خود پس اقامت داشته باش!^{۱۲}

عمّار ساباطی گوید: به خدمت حضرت صادق (علیه السلام) عرض کردم: عبادت کردن با امامی از شما که ظاهر نبوده و در زمان دولت باطل باشد افضل است، یا عبادت کردن در زمان ظهور دولت حقّ با امام ظاهر از شما ؟

حضرت فرمودند: ای عمّار ! (به خدا قسم) صدقه در پنهانی افضل است از صدقه در آشکار و علانیه، و (به خدا قسم) چنین است؛ عبادت شما در پنهان با امام غیر ظاهر در دولت باطل افضل – بخاطر ترسیدن شما از دشمنان در زمان دولت باطل – و بهتر است از اینکه خدا را در زمان ظهور حقّ با امام ظاهر عبادت کنید ، (و عبادت با خوف در دولت باطل مثل عبادت در حال رضا در دولت حقّ نیست).^{۱۳}

- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله بشارت بادا تو را ای فاطمه که مهدی از توست.^{۱۴}
- شما را بشارت بادا به مهدی، مردی قرشی از خاندان من در روزگاری که مردم گرفتار اختلاف و تزلزل هستند سر بر می دارد و زمین را همچنان که پر از جور و ستم شده، از عدل و داد آکنده می سازد.^{۱۵}
- مهدی مردی از فرزندان من است که چهره اش چون ستاره تابان است.^{۱۶}

۱۱ . شیوه های یاری قائم آل محمد---میرزا نجّباقر فقیه ایمانی

۱۲ . همان

۱۳ . همان

۱۴ . همان

۱۵ . همان

۱۶ . شیوه های یاری قائم آل محمد---میرزا نجّباقر فقیه ایمانی

- امام علی علیه السلام مهدی مردی است از ما از نسل فاطمه می شود او پایان بخش امامان و نجات بخش امت و منتهای نور است.^{۱۷}

- امام مهدی علیه السلام من بقیه الله (باقیمانده خدا) در زمینم و از دشمنان او انتقام می گیرم.^{۱۸}

- امام باقر (ع) لیه السلام هرگاه قیام کند به کعبه تکیه دهد و سیصد و سیزده مرد بر گردش حلقه زنند نخستین سخنی که می گوید این آیه است «بقیه الله (باقیمانده خدا) برای شما بهتر است اگر ایمان داشته باشید» آن گاه می فرماید: من بقیه الله (باقیمانده خدا) هستم و حجت و جانشین او برای شما هیچ مسلمانی به او درود نگوید مگر چنین: درود بر تو ای باقیمانده خدا در زمین خدا.^{۱۹}

- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله قیامت برپا نمی شود تا زمانی که زمین از ستم و دشمنی آکنده شود، آن گاه مردی از خاندان من قیام کند و زمین را، همچنان که از ظلم و جور آکنده شده، از عدل و داد پر کند؟^{۲۰}

- قیامت برپا نمی شود، تا زمانی که مردی از خاندان من که همنام من است، حکومت را به دست گیرد.^{۲۱}

- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله اگر از عمر دنیا فقط یک روز باقی مانده باشد خداوند مردی از خاندان مرا برمی انگیزد که دنیا را پر از داد می کند همچنان که پر از ستم شده باشد.^{۲۲}

- بعد از من خلفایی خواهند بود و بعد از خلفا امیرانی و بعد از امیران شاهانی و بعد از شاهان عده ای جبار (و خود کامه) سپس مردی از خاندان من سر بر می دارد و زمین را از عدالت می آکند همچنان که از ستم آکنده شده است.^{۲۳}

- اگر از عمر دنیا جز یک شب نمانده باشد، در همان یک شب مردی از خاندان من حکومت خواهد کرد.^{۲۴}

- امام صادق (ع) لیه السلام قائم را دو غیبت است: یکی طولانی و دیگری کوتاه در غیبت نخستین (کوتاه)، جایگاه آن حضرت را شیعیان خاص او می دانند و در غیبت دوم (طولانی) از جایگاه او کسی خبر ندارد به جز خواص از یاران دینی او.^{۲۵}
- امام باقر (ع) لیه السلام همانا قائم را دو غیبت است: در یکی از آنها (از بس طولانی است) گفته می شود که مرده است و معلوم نیست در کجا به سر می برد.^{۲۶}
- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله - به اصحابش :- شما اصحاب من هستید و برادران من مردمانی هستید در اخرالزمان که مرا ندیده اند اما ایمان آورده اند برای هر کدامشان، پایداری در دین از به دست خرد کردن خار مغیلان در شب تیره سخت تر است یا همچون کسی است که اخگر شوره گز را در کف نگه دارد اینان چراغهای تابان در دل تاریکی اند خداوند آنان را از هر فتنه غبارآلود و شبگون نجات می بخشد.^{۲۷}
- پس از شما مردمی خواهند آمد که یکی از آنان اجر و پاداش پنجاه نفر از شما را دارد عرض کردند: ای پیامبر خدا! ما در بدر واحد و حنین با شما بودیم و قرآن در میان ما نازل شد؟! فرمود: اگر آنچه بر سر ایشان می آید به سر شما بیاید، مانند آن صبر و شکیبایی نمی کنید.^{۲۸}
- امام سجاد علیه السلام هر که در روزگار غیبت قائم ما، بر ولایت ما استوار ماند خداوند پاداش هزار شهید به مانند شهیدان بدر و احد وی را عطا فرماید.^{۲۹}
- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله سوگند به آن که به حق مرا نوید دهنده برانگیخت، آنان که در روزگار غیبت او بر اعتقاد به او استوار مانند از کبریت احمر کمیابترند.^{۳۰}

24 . همان

25 . همان

26 . ارشاد

27 . همان

28 . ارشاد

29 . شیوه های یاری قائم آل محمد---میرزا محمدباقر فقیه ایمانی

30 . همان

دعا در زمان غیبت امام علیه السلام

- عبدالله بن سنان: من و پدرم به حضور ابوعبدالله علیه السلام رسیدیم، آن حضرت فرمود: چگونه اید شما اگر به روزی درافتید که نه امامی رهنما ببینید و نه نشانه ای نمایان؟! از آن سرگشتگی کسی رهایی نیابد مگر آن که دعای غریق را بخواند پدرم گفت: به خدا سوگند که این بلاست فدایت شوم، در آن هنگام چه کنیم؟ فرمود: هرگاه چنین روزگاری ادد و امام زمان را ندیدی به آن چه در دست دارید (دین) چنگ آویزید تا امر برایتان آشکار شود.^{۳۱}
- امام علی علیه السلام: در انتظار فرج و گشایش باشید و از رحمت خدا نومید مشوید، زیرا محبوبترین کارها نزد خداوند عزوجل انتظار فرج است؟^{۳۲}
- امام سجاد علیه السلام: انتظار فرج خود از بزرگترین گشایش هاست.^{۳۳}
- امام صادق (ع) لیه السلام کسی که منتظر و چشم به راه دوازدهمین (امام) باشد مانند کسی است که با شمشیر آخته از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله دفاع می کند.^{۳۴}
- هر که در حال انتظار این امر (ظهور قائم) بمیرد همچون کسی است که با قائم در خیمه او باشد، نه، بلکه به مانند کسی است که در کنار پیامبر خدا صلی الله علیه و آله شمشیر زند.^{۳۵}
- امام باقر (ع) لیه السلام - در پاسخ به این پرسش فضیل که آیا زمان ظهور تعیین شده است؟ وقت گذاران دروغ گفته اند، وقت گذاران دروغگویند ما در گذشته زمان تعیین نکرده ایم و در آینده نیز زمان تعیین نمی کنیم.^{۳۶}
- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله - در پاسخ به این سؤال که: آیا شیعه در زمان غیبت قائم علیه السلام از وجود او بهره مند می شود؟ :- آری، سوگند به آن که مرا به پیامبری برانگیخت از وجود او بهره مند

31 . همان

32 . همان

33 . همان

34 . ارشاد

35 . شیوه های یاری قائم آل محمد---میرزا محمدباقر فقیه ایمانی

36 . همان

می شوند و در روزگار غیبتش از نور ولایت او پرتو می گیرند همچنان که مردم از خورشید نهان در
پس ابر، بهره مند می شوند.^{۳۷}

- امام مهدی علیه السلام چگونه بهره مند شدن از من در روزگار غیبتم همچون بهره مند شدن از
خورشید است، آن گاه که در پس ابر از دیدگان پنهان شود من مایه امنیت زمینیانم همچنان که
ستارگان مایه امنیت آسمانیان هستند.^{۳۸}

□ بقیه الله

یکی از القاب امام زمان (عج)، بقیه الله است. در قرآن کریم میخوانیم: ^{۳۹} و در دعای ندبه این بقیه الله الی

لاتخلو من العتره الهادیه؟ {دعای ندبه}

در این نوشتار به توضیح لقب بقیه الله می پردازیم.

بقیه الله یعنی امام عصر شخصیتی است که باقیمانده از هزاران حجت الهی است. حجت‌های الهی شامل پیامبران و جانشینان آنها یکی یکی آمدند و رفتند. پیامبر اسلام نیز بعد از 63 سال رحلت کردند. امیرمؤمنان هم بعد از 63 سال زندگی پربرکت به شهادت رسیدند و رفتند. و همینجور امامان دیگر .

مستحفظا بعد مستحفظ من مده الی مده اقامه لدینک و حجه علی (ع) بادک...

صالح بعد صالح و صادق بعد صادق...

بقیه الله یعنی اگر کسی میخواهد به آدم (ع) نگاه کند به امام زمان نظر کند. اگر کسی میخواهد به نوح و ابراهیم و موسی و عیسی (ع) نگاه کند به امام زمان نظر کند.

اگر کسی میخواهد به جمال حضرت محمد ص نگاه کند به امام زمان نظر کند.

اگر کسی می خواهد به صورت و سیرت فاطمه و علی نظر کند به امام عصر نظر بیاندازد. و خلاصه امام عصر آئینه تمام نمای هریک از امامان (ع) است.

این معنای بقیه الله است که امام عصر در صورت و سیرت پیامبرگونه و امام گونه است.

معنای دیگر بقیه الله این است که علوم و دانش همه انبیاء و امامان در امام عصر جمع شده است. البته امام عصر از زمان امامت تا زمان ظهور علوم همه پیامبران را دارد ولی بعد از ظهور علوم که بشر تا آن روز به آن نرسیده و حتی پیامبران به آن دست نیافته اند را به بشریت عرضه می نماید. که در حدیث است که علم بیست و هفت حرف است. آنچه همه پیامبران آوردند دو حرف بوده است و امام زمان در زمان ظهورش بیست و پنج حرف دیگر را می آورد.

او به همه کتابهای آسمانی آشناست. او به همه زبانها آگاهی دارد. او گذشته و آینده افراد را به اذن الهی می داند.

او از شیعیان حضرت بود و در زمان حسین بن روح زندگی می کرد و 117 سال عمر کرد 40 روز در ماجرای قاسم بن علا آمده که قبل از رحلتش، بواسطه حسین بن روح نامه ای از امام زمان دریافت کرد که حضرت نوشته بود که چهل روز دیگر رحلت می کنی. و برای او هفت تکه پارچه جهت تجهیز کفنش فرستاده بود.

قاسم نامه را به عبدالرحمن که از دوستانش بود ولی به وجود امام زمان اعتقاد نداشت نشان داد. او بعد از مطالعه نامه، آن را پرت کرد و انکار نمود و گفت: خدا فرموده: ^{۴۰}

و فرموده: ^{۴۱}

قاسم گفت: بقیه آیه را نخواندی که فرموده: الا من ارتضى من رسول

سپس قاسم گفت: تو منتظر بمان و ببین خبری که در این نامه بمن داده اند درست است یا نه.

چون چهل روز گذشت. همینکه فجر طلوع کرد، قاسم رحلت نمود. عبدالرحمن با این حادثه از معتقدان بوجود امام عصر شد و اموال خود را وقف آن حضرت نمود. ^{۴۲}

این که امام عصر از مرگ افراد خبر داشته باشد عجیب نیست زیرا خداوند به هر که بخواهد از این علوم عنایت می کند.

معنای دیگر بقیه الله این است که کلیه معجزاتی که پیامبران داشته اند، همه را امام عصر می تواند انجام دهد. که مقداری از معجزات و کرامات را از بعد از امامت تا ظهور به افرادی نشان می دهد. همانند شفا دادن آنها برطرف کردن حوائج مالی، شغلی، درسی، خانوادگی و غیره.

برادر شیخ عباس قمی از افراد عابد و با تقوا بود. دختری دم بخت داشت ولی نتوانسته بودند جهاز برایش فراهم کنند. تا اینکه یک روز پدر دختر به جمکران رفت و یک شبانه روز در آنجا ماند و به امام زمان (عج) متوسل گردید. وقتی برگشت چند روزی نگذشته بود که یکی از علماء قم (آیه الله صدر) به همراه طلبه سیدی به منزلش رفتند و آیه الله صدر گفت: ما برای خواستگاری دختری برای این طلبه آمده ایم و همه مخارج را خود من تقبل می کنم و دختر با عزت به خانه شوهر رفت. ^{۴۳}

قسمتی از معجزات امام زمان (عج) هم بعد از ظهور است. از جمله آمده است:

وقتی حضرت ظهور می کند و تشکیل حکومت می دهد، شخصی از اصفهان نزد امام آمده و از او معجزه می خواهد. امام دستور می دهد آتش بزرگی آماده کرده سپس وارد آتش می دهد و بعد از توقیفی چند، سالم از آتش بیرون می آید. ولی آن شخص انکار کرده و این معجزه را سحر و جادو می داند. امام به آتش دستور می دهد او را هلاک کند و آتش هم مرد را می سوزاند. امام می فرماید: این مجازات کسی است که صاحب الزمان و حجت الرحمن را انکار کند.

40 . سوره لقمان، آیه 34.

41 . سوره جن، آیه 26.

42 . غیبت طوسی، ص 310 - 315، التوقیعات الواردة؛ بحار الانوار، ج 51، ص 313 - 316

43 . داستانهای شگفتانگیز از مسجد مقدس جمکران، حیدر قنبری قزوینی، ص؟؟؟؟؟؟

شخصی از اهالی فارس نزد امام آمده و از او معجزه موسی را طلب می کند. امام عصا را می اندازد و اژدها می شود. ولی آن مرد انکار کرده و آنرا جادوگری می داند. امام به اژدها اشاره می کند و اژدها آن مرد را می بلعد.^{۴۴}

معنای دیگر بقیه الله آنست که امام باقی مانده تا حکومت عدل الهی را در سراسر جهان برپا کند. او باقی مانده تا احکامی را که در آنها تحریف ایجاد شده، به اصلش برگرداند. لذا امام عصر، نماز را، نماز جمعه و جماعت را، مساجد را، منابر را، ساختمانهای مسکونی را به آنطور که خدا راضی است برمی گرداند. زکات را با اجبار می گیرد و مانع زکات را گردن می زند. حدود الهی را همگی اجرا می نماید. در اثبات جرم، بدون شاهد همانند داود (ع)، قضاوت می نماید.

ابن ابی الحدید از علمای معروف اهل سنت، در این زمینه می نویسد: «تمامی فرق اسلامی، اتفاق نظر دارند که عمر دنیا و تکلیف (بشر به اجرا احکام الهی)، پایان نمی پذیرد مگر پس از ظهور مهدی»^{۴۵}.

در سال 1976 م شخصی به نام «ابو محمد» از کشور «کنیا» سؤالی درباره ظهور مهدی منتظر از «رابط العالم الاسلامی» کرده است. دبیر کل این مرکز در پاسخی که برای او فرستاده، ضمن یادآوری این نکته که «ابن تیمیه» (مؤسس مذهب و هابیت) نیز احادیث مربوط به مهدی را پذیرفته، متن رساله کوتاهی را که پنج تن از علمای معروف کنونی حجاز در این زمینه تهیه کرده اند، برای او ارسال داشته است. در این رسال پس از ذکر نام حضرت مهدی و محل ظهور او یعنی مکه چنین آمده است: به هنگام ظهور فساد در جهان و انتشار کفر و ستم، خداوند به وسیله او (مهدی) جهان را پر از عدل و داد می کند، همان گونه که از ظلم و ستم پر شده است. او آخرین خلفای راشدین دوازده گانه است که پیامبر در کتب صحاح از آنها خبر داده است. احادیث مربوط به مهدی را بسیاری از صحابه پیامبر نقل کرده اند^{۴۶}

⁴⁵ . شرح نهج البلاغه، قاهره، دار احیاء الکتب العربی، 1960 م، ج 10 ص 96

⁴⁶ . سیره پیشوایان-----مهدی پیشوائی

❑ علامت های ظهور امام زمان (عج)

اما در این جا به برخی از رویدادهای مهی که در زمان ظهور آن حضرت اتفاق خواهد افتاد و در روایات و منابع اسلامی به عهنوان علامات ظهور حضرت مهدی (ع) از آنها یاد شده است، اشاره می شود:

1. خروج دجال یک چشم و ادعای الوهیت و خون ریزی و فتنه های فراوان او در زمین و جنگ با حضرت مهدی (ع) و شکست و نابودی اش به دست امام زمان (ع) یا حضرت عیسی (ع).
2. ندای آسمانی برای معرفی حضرت مهدی (ع) و شنیدن همه مردم، آن را به زبان رایج خودشان و استقبال آنان از امام زمان (ع).
3. خروج سفیانی (عثمان بن عنبسه از اولاد یزید بن معاویه) از وادی یابس، در سرزمین میان مکه و شام، و تصرف بسیاری از شهرها و خون ریزی و فتنه در بین مردم، و نبرد او با لشکریان امام زمان (ع) و کشته شدنش در صخره بیت المقدس به دست یاران حضرت مهدی (ع).
4. خروج سید حسنی از شمال ایران (حدود دیلم و قزوین) و دعوت او به مذهب امامیه، و رفع ظلم از مردم و نبردهای پیروزمندانه او با ستمکاران و فاسقان و پیوستن او به حضرت مهدی (ع) در کوفه.
5. خروج شصت کذاب که به دروغ ادعای پیامبری می کنند.
6. ادعای دروغین مقام امامت توسط دوازده نفر از آل ابی طالب (ع).
7. کشته شدن نفس زکیه، پسری از آل محمد (ص)، در مسجد الحرام، مابین رکن و مقام.
8. ظاهر شدن صورت و سینه و یا کف دست، در چشمه خورشید.
9. وقوع کسوف در نیمه ماه رمضان و خسوف در آخر رمضان.
10. برخاستن ندهای متعدد از آسمان در ماه رجب و شنیدن همه مردم.
11. گسترش سیاهی کفر، فسق و معصیت در سراسر جهان.
12. ظهور حضرت مهدی (ع) (به هیات مردی سی سال) از کنار کعبه، در مکه معظمه.

❑ دوران انتظار

اولین کسی که موضوع مهدویت را طرح کرده شخص پیامبر اسلام است
حضرت فرمودند نهمین جانشین حسین پس از غیبت طولانی و سرگردانی گمراه کننده ظاهر خواهد
شد و امر خدا را آشکار و دین او را پیروز خواهد گرداند.
همچنین آمده که فاصله های طبقاتی را در سطح جوامع بشری بر هم خواهد زد. و هیچ انسان گرسنه ای
در سراسر زمین پیدا نخواهد شد.
امنیت و سلامتی این دو نعمتی که در اکثر کره زمین مفقود شده بصورت کامل به بشریت اهدا می
گردد.

امام مهدی یک چهره بین المللی است
حضرت از یک جهت ایرانی است زیرا ما در امام سجاد ایرانی بوده و نامش شهربانو.
از طرفی رومی است زیرا مادرش نرجس رومی بوده از یک طرف عرب است زیرا نسبش به هاشم می رسد.
از طرفی بنی اسرائیلی است زیرا بنی هاشم و بنی اسرائیل از نسل ابراهیم خلیل هستند.
هیچ کس باندازه شیعه راجع به جامعه اخر الزمان و انقلاب بزرگ شفاف صحبت نکرده است. شیعه نام و
مشخصات ظاهری و خصوصیات حضرت و شعارها و نحوه حکومتش صحبت کرده در حالی که در سایر ادیان
فقط بشارتهائی مطرح شده است.
وجود امام مهدی در پس پرده غیبت از عجایب خلقت است. زیرا نوع زندگی حضرت در این مدت طولانی و
اینکه هیچ کسی به اندازه او خدا را عبادت نکرده. هیچ کس به اندازه او زاهد نبوده. هیچ کسی به اندازه او بر
حسین (ع) گریه نکرده. مسکن و ازدواج و دیگر مسائل جزئی حضرت را کسی جز خدا نمی داند.
پیامبر که معمار اسلام بوده برای پر کردن خلا امام در زمان غیبت و آماده سازی و حفظ روحیه ولایت پذیری
مردم طرحی درافکنده و آن طرح «انتظار فرج» است که فرمود «انتظار الفرج عباد»

اینکه پیامبر این انتظار را عبادت می داند زیرا انتظار فرج حلقه رابط میان گذشته و آینده امامت است. زیرا مشعل هدایت در صراط مستقیم الهی است. زیرا تداوم بخش نهضت انبیاست. زیرا خط بطلان بر همه حکومت‌های طاغوتی است.

علامه طباطبایی می فرماید: امام باطنا مراقب شخص و با روح و جسم او در ارتباط است اگرچه از چشم وی غایب است. وجود او همواره ضروری است هرچند زمان ظهور و بازسازی جهانی به دست او فرا نرسیده است.^{۴۷} امام سجاد (ع) فرمود: مردم روزگار غیبت که به امامت آن حضرت اعتراف می کنند و ایمان می آورند از مردم هر عصر و زمانی برترند. زیرا خداوند آن گروه فرزانه را بدان پایه از خرد و دانش می رساند که غیبت را شهود می دانند.^{۴۸}

اینکه انتظار را عبادت و گاهی برترین عمل معرفی می کنند زیرا انتظار فرج یعنی ایمان به غیب

الذین یومنون بالغیب.

زیرا انتظار فرج یعنی مبارزه با ظلم. زیرا انتظار فرج یعنی امید به ظهور منجی. عامل مهدویت می تواند اسلام ناب را زنده نگه دارد همانطور که پرفسور کربن گفت همه ادیان مرده اند جز شیعه. زیرا همه می گویند پیامبر ما یا امام ما مرده است ولی شیعه می گوید امام ما زنده است و دارد زندگی می کند و بر کار ما نظارت دارد. در یک مجله تونس‌ی آمده است که:

پیامبر (ص) ایرانیان را جهت رهبری امت اسلامی بر می گزیند. در روایتی است هرگاه دیدید پرچم‌های سیاه از خراسان آمدند خود را به آن پرچم‌ها برسانید اگرچه خویشان را روی زمین بکشید زیرا مهدی (عج) خلیفه الله در میان آنان است^{۴۹}

⁴⁷ . المیزان ذیل آیه 20 لقمان

⁴⁸ . مکیال المکارم

⁴⁹ . عقد الدرر، ص 125

امام صادق (ع) فرمود مردم قم یاور قائم و خواهان حق ما هستند. آنگاه حضرت سر مبارک را بسوی آسمان بلند کرد و عرض کرد خدایا این مردم را از هر فتنه ای حفظ کن و از هر هلاکتی نجات بده. و فرمود پیش از ظهور مهدی (عج) قم مرکز علم و دانش می گردد و از آنجا به تمام شهرها از شرق و غرب علم منتشر می شود.^{۵۰}

مردم ایران بعد از اسلام آوردن بخاطر هوش و کیاست خود متوجه برتری اهل بیت (ع) شدند و راه آنان را انتخاب کردند و همیشه مورد عنایت اهل بیت بخصوص امام عصر بوده اند. لذا مسجد جمکران به فرمان حضرت ولی عصر در قم احداث می گردد.

لذا ارتباط معنوی اقشار مردم ایران با حضرت ولی عصر در دعاها و ندبه و زیارت مسجد جمکران و تشکیل صدها موسسه مهدویت و دهها همایش و سمینار و سخنرانی و امثال آن تجلی یافت. و با این شوق قدرت مردم ایران چند برابر شد. و این باعث شد که استقامت مردم در مقابل توطئه ها استکبار باعث شگفتی دشمنان گردد. مخصوصا با پیروزی ملت ایران در دفاع مقدس و حزب الله لبنان در جنگ سی و سه روزه توجه دشمنان به مسئله مهدویت جلب شد بطوری که در مراکز کفر جهانی موسسات مختلفی پیرامون تحقیق و پژوهش درباره اعتقاد به امام زمان تشکیل گردید. که نمونه آن مرکز شیعه شناسی در پایتخت رژیم صهیونیستی است.

❑ جهانی سازی و انتظار

مستکبرین مدتی است که جهانی سازی را مطرح کرده اند یعنی همه کشورهای دنیا تحت سیطره مستقیم یا غیر مستقیم آنها باشند مخصوصا در زمینه فرهنگی و دینی.

علامتهای جهانی سازی سازمان فائو- فیفا- یونسکو- تجارت جهانی -انرژی هسته ای- هواپیمائی جهانی - اینترنت - و غیره است.

در المپیک نزدیک به 3/5 میلیارد نفر فوتبال را تماشا می کنند و همه تابع یک قانون هستند مطابق قانون فیفا. اگر بازیکنی گل بزند و داور قبول نکند همه از داور تبعیت می کنند. الان در دنیای سرمایه داری جهانی شدن یعنی آمریکائی شدن.

فوکویاما نظریه پرداز سرمایه داری پایان تاریخ را تثبیت و تبلیغ نظام لیبرال سرمایه داری می داند.

البته اسلام از همان ابتدای بعثت مسئله جهانی بودن دین اسلام را مطرح کرده است. **يَمَلَا الْاَرْضَ عَدْلًا وَقِسْطًا**
بعد ما ملئت ظلما وجورا.

یعنی تحقق حکومت عدل جهانی که مقدمه آن نبرد نهائی بین حق و باطل است که باید منظران جبهه حق را تقویت کنند و این همان سخن امام راحل است که فرمود: ما انقلاب خود را به جهان صادر خواهیم کرد. و فرمود اسلام همه سنگرهای کلیدی جهان را فتح خواهد نمود.

اگر قبلا مسائل خاورمیانه در غرب برنامه ریزی و حل می شد اما امروزه تا ایران اسلامی وارد نشود مسائل حل نمی گردد.

وقتی از یکی از مسئولین امریکا درباره آینده خاورمیانه جدید سؤال می کنند می گوید بروید از سردار صفوی پرسید!

مهدویت در تضاد با جهانی سازی استکبار است لذا هزینه های کلانی در از بین بردن این فرهنگ و اندیشه می شود. دهها فیلم سینمایی، دهها جلد کتاب، صدها مقاله و دهها سایت و هزاران نفر سربازان فرهنگی علیه مهدویت بسیج شده اند.

□ ولایت فقیه و انتظار

ولایت فقیه که در حقیقت نیابت از حکومت امامت و ولایت حضرت مهدی است بدون اعتقاد به وجود امام زمان (عج) اعتباری ندارد.

«واما الحوادث الواقعة فارجعوا الی رواه احادیثنا فانهم حجتی علیهم»⁵¹

این اصل مرفقی نظام اسلامی سدی در مقابل خباثت های دشمن علیه نظام ما می باشد در طول دوران غیبت کبری با اعتقاد به مهدویت بود که مردم طبق دستور حضرت که امر کرده بود به فقهاء مراجعه کنند پیروی از علما را وظیفه خود می دانستند در مسئله تحریم تنباکو میرزای شیرازی اعلام کرد که استعمال تنباکو بمنزله جنگ با امام زمان است. دیدیم چگونه اقشار مختلف مردم حتی زنان سوگلی ناصرالدین شاه از این فتوا تبعیت کردند. و شاه و انگلیس را به زانو در آوردند.

نقل می کنند بعد از پیروزی میرزای شیرازی، علما برای تبریک خدمت ایشان رفتند و دیدند ایشان گریه می کنند علت را پرسیدند فرمود تا الان استعمار از قدرت روحانیت خبر نداشت لذا با ما کاری نداشتند ولی حالا که قدرت روحانیت را شناختند انواع توطئه علیه روحانیت بکار می برند.

باید تبعیت از ولی فقیه را در هیچ حالی رها نکنیم. باید وحدت خود را در همه حالات حفظ نمائیم. باید ما هم در مقابل توطئه های فرهنگی دشمن، سرمایه گذاری بزرگی در اشاعه فرهنگ مهدویت و رساندن صدای مشتاقان حضرت به گوش جهانیان بکنیم که نمونه آن خواندن دعای حضرت در سازمان ملل و در مجامع جهانی توسط رئیس جمهور محترم است. باید عدالت علوی را در کشورمان در همه مسائل اجرا کنیم تا دنیا بفهمد اینکه حضرت عدالت را بر زمین حاکم می کند یعنی چه؟

آسیب های مهدویت:

- 1- پیدایش گروه هایی مانند انجمن حجتیه که به اسم مهدویت وبا نام حضرت مخالف هرگونه قیام علیه ستمکاران بودند و با طاغوت سازش نمودند و بعد از انقلاب علیه امام امت موضع گیری نمودند.
- 2- بازکردن دکان و سر کیسه کردن مردم حتی فاسد کردن زنان و دختران شیعه بنام نیابت یا ارتباط با حضرت.
- 3- ساختن فرقه هایی چون باییه با نام حضرت توسط دولت های استعماری.
- 4- منفی جلوه دادن قیام حضرت که مثلا اگر امام ظهور کند دریای خون براه می افتد یا مردم به عقب بر می گردند.
- 5- ایجاد بحث های بی فایده مانند جزیره خضراء و اینکه حضرت همسر دارد یا ندارد.
- 6- ظهور افراد دروغگویی چون سید حسنی و رویارویی آنها با شیعیان و علماء شیعه.
- 7- ایجاد تردید و شک در وجود حضرت بوسیله روشنفکران بی دین در محیط های دانشگاهی یا نشر کتابها و مقالات و امثال آن
- 8- پیدایش گروههای شیطان پرستی که روح امید و معنویت را از جوانها می گیرند.

□ رفتار امام مهدی عج در دوران حکومت جهانی

آری خداوند، رفتار آقا امام زمان ع را متفاوت با رفتار سایر ائمه علیهم السلام قرار داده است. اگر امیرمؤمنان (ع) به خاطر مصالح اسلام بیست و پنج سال خانه نشین شد و مجبور بود که به مسجد رفته و پشت سر امام جماعت آن زمان نماز بخواند و با اینکه معدن علم و گنجینه فضایل بود ولی مردم متوجه این شخصیت بزرگ نبودند و به کارهای خود مشغول بودند و از حضرت استفاده نمی نمودند و در دوران پنج ساله حکومت هم باز امام مظلوم بود و گاه برای جمع آوری سپاه چندین روز تلاش می کرد و آنوقت تعداد کمی

لیک می گفتند و عده ای هم با حضرت دشمنی می ورزیدند و گاه در حال سخنرانی به حضرت ناسزا می گفتند و خلاصه مظلومانه زندگی نمود و مظلومانه شهید شد...

اگر امام مجتبی (ع) ده سال با مظلومیت زندگی کرد و باید به خلیفه احترام می گذاشت و او را امیرالمؤمنین خطاب می کرد و...

اگر امام حسین ده سال با مظلومیت زندگی کرد و در ظاهر باید از خلیفه وقت اطاعت می نمود و او را جانشین خدا و... صدا می کرد و در آخر با مظلومیت کشته شد و اهل و عیالش را به اسیری بردند.

اگر امام سجاد (ع) 35 سال با مظلومیت زندگی کرد و در تحت بیعت خلفای فاسق بود و..

اگر امام باقر (ع) بیست سال امامتش را در زیر اطاعت خلفای ظالمی چون هشام بن عبدالملک بسر برد و باید به دستورات او عمل می نمود.

اگر امام صادق (ع) مظلومانه زندگی نمود و بارها مورد ظلم واقع شد که گاه درب خانه او را آتش می زدند و گاه به شام فراخوانده می شد و باید خلفای فاسق مثل منصور را امیرمؤمنان می خواند و...

اگر امام کاظم (ع) 14 سال در سیاهچالهای هارون و خلفای فاسق و ستمگر زندگی نمود.

اگر امام رضا (ع) 21 سال امامت خود را با مظلومیت گذراند و مامون عباسی هر دفعه به یک نحو به حضرتش جسارت می کرد و حتی از نماز عید خواندن حضرت جلوگیری می نمود و امام را وسط راه بر می گرداند و در آخر هم او را با زهر شهید نمود.

اگر امام جواد (ع) در بیست و پنج سالگی با مظلومیت شهید شد.

اگر امام هادی (ع) را چنان اذیت می کردند که نیمه های شب او را به مجلس شراب متوکل بردند و خلیفه فاسق امر به نوشیدن شراب و خواندن شعر عاشقانه کرد.

اگر امام عسکری (ع) را سالها در زندان کردند و در محاصره لشگریان قرار دادند که به عسگری معروف شد سپس او را به شهادت رساندند.

اما، امام عصر هرگز در زیر بیعت هیچ یاغی و طاغوتی قرار نخواهد گرفت و با هیچ ستمگری بیعت نکرده و نمی کند و هیچ طاغوت و فرعون را آقا و مولی و امیر صدا نمی کند و پشت سر هیچ احدی نماز نمی گذارد و هیچ قدرتمندی بر او پیروز نمی گردد.

مهدی (ع) همیشه پیروز است و مهدی (ع) همیشه با شکوه است. مهدی (ع) هیچگاه مظلوم نخواهد بود و احدی را نمی رسد که به مولای ما ظلم نماید.

مهدی (ع) بت شکن و فرعون کش و ذلیل کننده کفار و عزت دهنده به مؤمنان است.

مهدی (ع) ابر قدرت است. مهدی شکننده شوکت ستمگران است.

مهدی (ع) خوار کننده هر قدرتمند، خراب کننده هر بنای ظلم، ویران کننده هر کاخ ستمگر، آزاد کننده هر زندانی مظلوم، خنثی کننده هر توطئه علیه دین، سرنگون کننده هر پرچم ظلم، نابود کننده هر فرعون، درهم شکننده هر لشکر کفر، آتش زننده بتها، ریزنده خون مستکبرها، ویران کننده دژهای ستم، بالا رونده از همه کوهها و دشتها و تسخیر کننده همه گنجها و به اطاعت درآورنده همه سرزمینهاست.

□ جهان در عصر ظهور

در زمان حکومت حضرت مهدی (ع) تحولات زیر به وقوع می پیوندد:

1- انقلاب در امر عبادات مخصوصا نماز: هنگام وقت نمازهای یومیه، تمامی مرد و زن به مساجد هجوم می برند و تمام مغازه دارها و کارگران و کارمندان دست از کار می کشند. در صفوف نماز از همه اقشار از جمله روسا، مدیران، قهرمانان، سرمایه داران، دانشمندان، هنرمندان و فرماندهان نظامی و... حضور دارند. نماز جمعه واجب عینی است و چون همه شرکت می کنند مساجد را خراب و بزرگ می سازند که در روایت است مسجد کوفه آنقدر بزرگ می شود که هزار در دارد.

مساجد همه بزرگ و بسیار وسیع بطوری که مسجد کوفه دارای هزار در خواهد بود.

2- انقلاب در اصناف و بازاریان: تمامی تجار و مغازه دارها دارای ظاهر اسلامی بوده و با انصاف با مشتری برخورد کرده و کم فروشی و گرانفروشی و احتکار نمی کنند.

- 3- انقلاب در جوانان: در پاساژها و بازارها، زنان و دختران با حجب و حیا حرکت نموده و از بدحجابی و آرایش زننده و حرکات شیطانی خبری نیست
- از جوانان لایبالی و سرکوجه ای اثری نیست و همه به کار و تلاش و تعلیم علم مشغول هستند. کتابخانه ها پر و کتابفروشی ها بسیار پر رونق و...
- 4- انقلاب در کشاورزی: دیگر هیچ زمین کویری و بایری نمی یابید و همه زمینها سرسبز و خرم شده و باران کافی و غیر مضر مرتب نازل می گردد. از آفات کشاورزی خبری نیست و میوه ها و محصولات سالم تولید مشتریان می شوند.
- 5- انقلاب در ادارات و ارگانها: در ادارات همه کارمندان با خوشرویی به خدمت مشغول بوده و از رشوه خواری و پارتی بازی خبری نیست.
- 6- انقلاب در وضع رفاهی مردم: از کمیته امداد و بهزیستی نیز خبری نیست و چنان مردم توانگر می شوند که پولدار هرچه می کند تا فقری را پیدا کند و زکاتش را به او بدهد فقری پیدا نمی نماید. همه مردم سال خمسی داشته و وجوهات خود را می پردازند.
- 7- انقلاب در بهداشت و نظافت: در کوچه و خیابان ها مردم بهداشت را رعایت نموده و از زباله و آب دهان و آشغال و غیره اثری نیست. ظاهر مسلمانان بسیار جذاب بوده و مردان همگی عطر زده و با لباس تمیز و مرتب در کوچه و خیابان ظاهر می شوند.
- 8- انقلاب در فرهنگ کار: کارگرا و کارمندان درست کار کرده و از کار نمی دزدند.
- 9- انقلاب در عوامل تعلیم و تربیت: همه معلمان و دبیران، دانش آموزان و شاگردان خود را در مرحله اول به اقامه نماز و داشتن اخلاق اسلامی دعوت کرده سپس درس مربوطه را می دهند. همه مردان و زنان بالغ از احکام شرعی مطلعند و همه در اوقات فراغت به یادگیری علوم اسلامی مشغول می باشند.

10- انقلاب در ورزش بجای باشگاههای رزمی و ورزشگاههای فوتبال، همه جوانان و نوجوانان به آموختن صنعت و یادگیری علم و دانش و آموختن انواع آموزشهای نظامی مفید و ورزشهای اسلامی و مفید سرگرم می باشند.

11- انقلاب در صنایع و معادن: زمین تمامی گنجهای خود را بیرون می ریزد. صنعت به اوج خود می رسد و انسانها امام زمان را در هر کجا که هستند مشاهده می نمایند و اصحاب خاص در زمان کوتاهی خود را از این شهر به شهر دیگر می رسانند.

12- انقلاب در تعلیم قرآن کریم: جلسات آموزش قرآن بسیار پررونق بوده و در تمامی شهرها و روستاها این جلسات برپا بوده و همه جوانان قادر به قرائت صحیح قرآن و مفاهیم آن می باشند. قاریان قرآن چنان از دل و با حزن می خوانند که مستمعین در طول قرائت گریان شده و دلهایشان خاشع می شود و به یاد خدا می افتند و...

13- انقلاب در دادگاهها: دادگستری ها و پاسگاهها خلوت بوده و از شکایت و دعوا کمتر خبری است. حدود الهی کاملاً اجرا می شود و امام زمان (عج) در اجرای حدود نیاز به شاهد ندارد

14- انقلاب در پزشکی: پزشکان همگی ماهر بوده و هر بیماری که به آنها مراجعه می کند با سلامتی کامل، درمان می شود.

15- انقلاب در ازدواج: مهریه دختران از پانصد درهم بیشتر نبوده و همه جوانان قبل از بیست سالگی ازدواج می نمایند. لذا از ارتباط نامشروع و مفاسد اخلاقی اثری نیست.

خانواده ها مستحکم هستند و از طلاق خبری نیست.

16- انقلاب در رسانه ها: صدا و سیما در شبانه روز به پخش برنامه های مفید مشغول بوده و مردم هم طالب این برنامه ها بوده بطوری که اگر برنامه بی فایده و یا بیهوده ای پخش شود مردم خود تماس گرفته و اعتراض می نمایند. و روزنامه ها و مجلات هم فقط مطالب مفید و اسلامی را درج می کنند.

17- انقلاب در امور نظامی: سلاحهایی که در عصر حضرت ساخته می شوند غلبه کننده بر کلیه سلاحهای کنونی بشر است.

18- انقلاب در دین: همه جا یک دین و یک پرچم است و آن دین اسلام و پرچم توحید حنیف است. و همه مسیحیان و یهود و دیگر ادیان با اختیار اکثرا و عده ای با اجبار اسلام می آورند.

19- انقلاب در مجالس ترحیم: در مجالس فاتحه، یاد و ذکر خدا بر زبان و دلها جاری است و از خود نمایی و ریاکاری و... خبری نیست.

20- انقلاب در در روح مردم: وقتی امام عصر (ع) بر منبر خطبه می خواند چنان ضجه و گریه ای از مستمعین بلند می شود که اکثرا متوجه سخنان امام نمی شوند .

21- انقلاب در امنیت: امنیت چنان برقرار است که یک نفر زن در حالی که سینی پر از طلا با خود دارد از این شهر به شهر دیگر سفر می کند واحدی به او نگاه چپ نمی اندازد.

22- انقلاب در اوقات فراغت: از موسیقی شیطانی و کارهای بیهوده دیگر خبری نیست و بجای آن مراکز تعلیم و تربیت و صنعت و همچنین تفریحات سالم از قبیل دیدار از آزمایشگاههای علمی، مناظر طبیعی، آبشارهای زیبا، گل خانه ها و شرکت در جلسات دوستان، دیدن نمایشنامه های مفید و آموزنده، گوش دادن به سخنرانی ها و شرکت در گردش های دسته جمعی و عیادت بیماران و دید و بازدید بستگان و حضور در محضر عرفا و علماء و برنامه های مفید دیگر برگزار می شود.

برخی از سخنان امام زمان (عج)

- 1- «من باقی مانده الهی (ادامه دهنده پیامبران و امامان) هستم و انتقام گیرنده از دشمنان خدا می باشم.»
- 2- «لعنت خدا و فرشتگان بر کسیکه یک درهم از مال ما را از روی حرام بخورد.»
- 3- «اموالی که شما بما می رسانید، ما آن را برای پاک شدن شما از گناهان قبول می کنیم. بنابراین هر که می خواهد به ما برساند و هر که نمی خواهد قطع کند که آنچه خداوند به ما داده است از آنچه شما می دهید، بهتر است.»
- 4- «در حوادثی که برای شما پیش می آید، به روایان احادیث ما (فقها) رجوع کنید که آنان حجت من بر شما هستند و من حجت خدا بر آنان می باشم.»
- 5- «کیفیت انتفاعی که مردم در زمان غیبت از من می برند مانند انتفاع از آفتاب پنهان در ابرهاست. من امان مردم روی زمین هستم، همانطور که ستارگان امان اهل آسمان می باشند.»
- 6- «زیاد دعا کنید برای تعجیل در فرج. زیرا دعا کردن در تعجیل فرج خود فرج است.»
- 7- «هر که این دو رکعت نماز (نماز امام زمان) را در مسجد جمکران بخواند، گویا در خانه کعبه نماز خوانده است.»
- 8- «امام خطاب به سید موسوی رشتی:
شما چرا نافله نمی خوانید؟ نافله، نافله، نافله!
شما چرا عاشورا نمی خوانید؟ عاشورا، عاشورا، عاشورا!
شما چرا جامعه نمی خوانید؟ جامعه، جامعه، جامعه!»
- 9- «ما از لغزشهایی که از بعضی از شیعیان سر می زند از هنگامی که بسیاری از آنها میل به بعضی کارهای ناشایست نموده اند که نیکان گذشته از آن دوری می کردند، مطلع هستیم. گویا آنان نمی دانند که ما در رعایت حال شما کوتاهی نمی کنیم و یاد شما را از خاطر نبرده ایم و اگر جز این بود، از هر سو گرفتاری به شما رو می آورد و دشمنان شما، شما را از بین می بردند.»

تقوا پیشه کنید و به ما اعتماد نمائید و چاره این امتحانی را که به شما رو آورده است از ما بخواهید.»

10- «وقتی مهدی(ع) ظهور می کند، به دیوار کعبه تکیه می دهد و می فرماید: هر کس به دیدن آدم و شیث و نوح و سام و ابراهیم و موسی و اسماعیل و یوشع و شمعون، آرزومند است، به جمال من نگاه کند که علم و حلم و کمال همه آنها در من است. و هر که آرزوی دیدن جدّم محمّد مصطفی و علی مرتضی و حسن مجتبی و حسین شهید به کربلا و دیگر امامان را دارد، به من نگاه کند و آنچه خواهد پرسد که علم همه در نزد من است. و آنچه ایشان مصلحت ندیده و خبر نداده اند، من خبر می دهم و همه مردم را آگاه می سازم.

و می فرماید:

ای مسلمانان! هر که می خواهد از کتابهای آسمانی و صحیفه های پیامبران آگاه شود، گوش فرا دهد و بشنود. آنگاه شروع به خواندن صحف آدم و شیث و ابراهیم و نوح و تورات موسی و انجیل عیسی و زبور داود به لغت و زبان هر ملتی کند به طوری که علماء و بزرگان آن مذهب و دین، اعتراف کنند که بدون کم و زیاد یک حرف، است. یک یک این کتب را خواند و جهانیان را متوجه خود ساخته به شگفتی اندازد. سپس قرآن را قرائت کند و مسلمین را برخورد بلرزاند و عالمیان را در پیشگاه خود، خاضع و خاشع و مرعوب سازد.»

11- «اگر شیعیان ما که خدا آنها را به طاعتش موفق بدارد، دلهایشان در وفا به عهد و پیمانی که با ما دارند، گرد هم می آمد، از فیض دیدار ما محروم نمی شدند.»

12- «از خدا بترسید و تسلیم امر ما شوید و کارها را بما بسپارید. پس بر ما است که شما را از سرچشمه سیراب بر گردانیم. همان گونه که بردن شهابسوی سرچشمه به وسیله ما بوده است. و در پی آنچه از شما مخفی است، نروید.»

13- ما اهمال در مراعات شما نکرده ایم و یاد شما را فراموش ننموده ایم، و اگر این نبود؛ هر آینه به شما بلای سخت نازل می شد، و دشمنان شما را مستاصل می کردند، پس پرهیزید از خداوند و تقوا پیشه کنید، و ما را بر بیرون آوردن شما از فتنه ای که بر شما مشرف شده است؛ یاری کنید «

برکات حکومت جهانی حضرت مهدی عج

1 - ظلم ستیزی و عدالت گستری

از جمله برکات مهم حکومت قائم آل محمد «ص» «عج»، از بین رفتن هر گونه ظلم و ستم و فراگیر شدن عدل و داد در کره زمین است .

حضرت امام محمدباقر، علیه السلام ، فرمودند:

«اذا قام مهدينا اهل البيت، قسم بالسويه و عدل في الرعيه»⁽¹⁾.

واقعا بشریت چقدر مورد ظلم ستمکاران و ابر قدرتها و حاکمان کوچک و بزرگ خوانین و قلدران و اراذل و اوباش و زورگیرها و کدخداهای ظالم و امثال آنها قرار داشته و دارد . همین الان در عراق و افغانستان و فلسطین چقدر به مسلمانان ظلم می شود . در زندانهای شیوخ و حکام مرتجع عرب و امثال آنها چقدر از آزادی خواهان گرفتار و اسیر و زندانی اند . در زندانهای آمریکا که در سراسر دنیا بصورت علنی و مخفی برپا شده چقدر از انسانهای آزاده زندانی و مورد ظلم هستند .

در کشورهای غربی مرتب حقوق بشر زیر پا گذاشته می شود و به انسانها ظلم می گردد . سیاه پوستان، سرخ پوستان و رنگین پوستان در کشورهای مختلف مرتب مورد ظلم قرار می گیرند .

شورای امنیت با داشتن حق و تو براحتی و در مقابل دیدگان مردم دنیا ملت ایران را مورد تهدید و تحریم و امثال آن قرار می دهد و به مردم ما ظلم می کنند .

اما وقتی حضرتش ظهور کند، به همه این ظلمها پایان می دهد که در دعای حضرت این چنین ترسیم شده است:

«لَا يَدْعُ مِنْهُمْ رُكْنًا إِلَّا هَدَهُ، وَلَا "هَامًا إِلَّا" قَدَّهُ، وَلَا كَيْدًا إِلَّا رَدَّهُ، وَلَا» که پایه‌ای از کاخ ظالمان نگذارد جز آنکه فرو ریزد و نه سری از آنها جز آنکه دو نیم کند و نه نقشه شومی جز آنکه

1. /المقدسی السملی الشافعی، عقدالدرر فی اخبار المنتظر، ص 40.

«فَاسِقًا إِلَّا حَدَّهُ، وَلَا فِرْعَوْنَ إِلَّا أَهْلَكَهُ، وَلَا سِتْرًا إِلَّا هَتَكَهُ، وَلَا عِلْمًا إِلَّا» و نه فاسق بدکاری جز آنکه حدش زند و نه فرعون (گردنکشی) جز آنکه هلاکش کند و نه پرده‌ای جز آنکه بدرد و نه پرچمی جز.

«نَكْسَهُ، وَلَا سُلْطَانًا إِلَّا كَسَبَهُ، وَلَا رُمْحًا إِلَّا قَصَفَهُ، وَلَا مِطْرَدًا إِلَّا خَرَقَهُ»، آنکه سرنگونش سازد و نه سلطنت و قدرتی جز آنکه بتصرف گیرد و نه نیزه‌ای جز آنکه درهم شکند و نه زوینی جز آنکه بشکند.

«وَلَا جُنْدًا إِلَّا فَرَّقَهُ، وَلَا مِنبْرًا إِلَّا أَحْرَقَهُ، وَلَا سَيْفًا إِلَّا كَسَرَهُ، وَلَا صَنْمًا» و نه لشکری جز آنکه پراکنده سازد و نه منبری جز آنکه بسوزاند و نه شمشیری جز آنکه بشکند و نه بتی.

«إِلَّا رَضَهُ، وَلَا دِمًّا إِلَّا أَرَاقَهُ، وَلَا جَوْرًا إِلَّا أَبَادَهُ، وَلَا حِصْنًا إِلَّا هَدَمَهُ»، جز آنکه خرد کند و نه خونی جز آنکه بریزد و نه ستم و بیدادگری جز آنکه از میان بردارد و نه قلعه و دژی جز آنکه ویران کند.

«وَلَا بَابًا إِلَّا رَدَمَهُ، وَلَا قَصْرًا إِلَّا خَرَبَهُ، وَلَا مَسْكَنًا إِلَّا فَتَشَهُ، وَلَا سَهْلًا» و نه دری جز آنکه ببندد و نه کاخ و قصری جز آنکه ویران کند و نه مسکنی جز آنکه بازرسی کند و نه زمین همواری.

«إِلَّا أَوْطَيْتَهُ، وَلَا جَبَلًا إِلَّا صَعَدَهُ، وَلَا كَنْزًا إِلَّا أَخْرَجَهُ» جز آنکه زیر پا گذارد و نه کوهی جز آنکه بالا رود و نه گنجی جز آنکه بیرون آورد.

در زمان حکومتش، آنچنان در زندگی اقتصادی مردم تحول رخ می‌دهد که فقر و محرومیت به پایان می‌رسد و به قول ظریفی درب کمیته امداد و بهزیستی و نهادهای حمایتی بسته می‌شود! بطوری که پولدار می‌خواهد زکات بدهد فقیر پیدا نمی‌کند.

«لیاتین علی الناس زمان يطوف الرجل فيه بالصدقه من الذهب ثم لا يجد احدا ياخذها منه».

زمانی برای مردم پیش می‌آید که انسان صدقات از طلا را با خود برمی‌دارد؛ تا آنها در راه خدا انفاق بکند، ولی نیازمندی را پیدا نمی‌کند که این صدقه را قبول کند.⁽¹⁾

پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌فرمایند:

1. البخاری، اسماعیل بن ابراهیم، صحیح البخاری، ج 2، ص 136.

در آخرالزمان - در مدت طولانی و سختی و تنگدستی - امامی وجود دارد که به مردم بذل و بخشش می‌نماید، شخصی پیش او می‌رود و او با دو دست خویش مال را جمع نموده و به او می‌دهد، در آن زمان آن قدر مال و خیر به مردم می‌رسد که هم و غم شخص این است که در میان فامیلش کسی را بیابد که صدقه مالش را از او قبول نماید.⁽¹⁾

برخورد امام با کارگزارانش پیامبر اعظم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم درباره نحوه برخورد حضرت مهدی با کارگزاران خود و دیگر مردمان می‌فرمایند:

علامت و نشانه حضرت مهدی علیه‌السلام این است که آن حضرت نسبت به وزراء و کارگزاران خود شدید و سخت گیر است، اموال را بذل و بخشش می‌کند و بر مساکین و بی‌نویان، ترحم و دلسوزی می‌نماید.⁽²⁾

3 - ریشه کن شدن فساد

اگر چه الان دنیا را فساد فرا گرفته است همانطور که قرآن کریم پیش بینی فرموده:

«ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ»

هزاران کانون فساد بصورت شبانه روز به اشاعه فساد در دنیا مشغولند که مرکزیت آنها در کشور شیطان بزرگ آمریکا واقع است .

زنان هرزه در آن سر دنیا در مقابل دوربین ها برهنه ظاهر شده و بعد از چند روز فیلم و عکس آنها در دست جوانان کشورهای جهان سوم دیده می شود .

یک سوم فرزندان متولد شده در غرب، حرام زاده هستند . حیا از بین رفته است . کانون خانواده از هم پاشیده شده است . و هزاران نمونه از فراگیر شدن فساد در عالم می توانیم مثال بزنیم .

اما در زمان حکومتش، ریشه فساد و تباهی بر کنده می شود و به همه این کارهای زشت پایان داده می شود و جوانان دیگر گمراه و منحرف نمی گردند .

4 - مبارزه با جهل و نادانی و ناآگاهی

یکی از مهم ترین عوامل انحراف انسانها جهل و ناآگاهی است.

افراد بی دانش زود گول می خورند و سریعتر بدام صیادان صید کننده انسانهای جاهل

1. کنز العمال، ج 14، ص 274.

2. عقد الدرر، ص 178.

می افتند .

هدف اصلی انبیاء دو چیز بوده است: تزکیه انسانها و آموختن کتاب و حکمت به آنان .

دین سازان، بدعت گران، شیادان، مستکبرین و امثال آنها براحتی افراد ناآگاه را صید می کنند .

این که عده ای از جوانان مملکت ما بدام سازمان مخوف منافقین افتادند بخاطر ناآگاهی بود . این که مدعیان کرامت هزاران نفر را گول می زنند بخاطر ناآگاهی است . این که احزاب منافق عده ای از جوانان را بدور خود جمع کرده و علیه ارزشهای انقلاب تحریک می کنند باز بخاطر جهل است . و . .

امام باقر (ع) لیه السلام می فرماید: هنگامی که قائم ما قیام کند، دست خود را بر روی سر انسان ها خواهد گذاشت و بدین وسیله، عقل های آنان جمع می شود و اخلاقشان کامل می شود .⁽¹⁾

5- رفاه در معیشت

اسلام عزیز با فقیر خوب است ولی با فقر دشمن است . اسلام دوست دارد مسلمانان با عزت زندگی کنند . دستشان پیش دیگران دراز نباشد . لذا قوانینی را وضع کرده که اگر مسلمانان به آن عمل می کردند دیگر کشوری مانند پاکستان بالای پنجاه درصد فقیر نداشت . دیگر درک کشور ما عده ای با سختی زندگی نمی کردند .

لذا امام عصر «عج» با اجرای قوانین اسلام و با نزول برکات الهی و عنایت ویژه خدا به نماینده خود، رفاه را جایگزین محرومیت می نماید .

«تنعم امتی فی زمن المهدی لم یعموا مثلها قط» .⁽²⁾

امت من در زمان حضرت مهدی «عج»، آنچنان متنعم می شوند که هرگز متنعم نشده اند.

در این زمان دامها و چهار پایان زیاد می شوند . چنانکه در روایتی از پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله آمده است:

«يُخْرِجُ فِي آخِرِ امْتِي الْمَهْدِي؛ يَسْقِيهِ اللَّهُ الْغَيْثَ وَتُخْرِجُ الْأَرْضُ نَبَاتَهَا وَيُعْطَى الْمَالُ صَحَاحًا وَتَكْثُرُ وَتَعْظُمُ الْأُمَمُ».⁽³⁾

1. بحار الأنوار، ج 52، ص 336.

2. الطبرسي، ابوعلی الفضل بن الحسن، اعلام الوری باعلام الهدی، ص 433.

3. الصدر، السيد محمد، تاریخ مابعدالظهور، ص 774.

در پایان امت من، مهدی «عج» خارج می شود، خداوند با باران رحمتش او را سیراب می کند، زمین گیاهش را می رویاند، ثروت را به طور مساوی تقسیم می کند، زیاد می شود و امت اسلام بزرگ و شکوهمند می گردد.

«وَأَلَّهُ أَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا وَإِلَيْهِ يُرْجَعُونَ».⁽¹⁾

6 - حاکمیت دین خدا

اگر چه باید بشر در مقابل خدا تعظیم نموده و باید از پیامبران الهی استقبال نموده و فقط یک دین در جهان حاکم می شد اما این چنین نشد و هر پیامبری آمد قدرتمندان و مرفهین بی درد مردم را علیه او شوراندند و با آن پیامبر جنگیدند و در زمان امامان هم به همین صورت بود. و نگذاشتند دین خدا در جهان حاکم شود لذا مبتلا شدند به صدها دین دروغین و باطل حتی مبتلا شدند به شیطان پرستی.

اما با حکومت امام مهدی «عج»، همه ادیان و مذاهب دروغین از بین رفته و فقط دین اسلام بر کل جهان حاکم خواهد شد.

خداوند تعالی در قرآن کریم می‌فرماید:

«هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ»⁽²⁾

او همان کسی است که رسولش را با هدایت و دین حق ارسال کرد تا علی‌رغم میل مشرکان آن را بر تمام ادیان حاکم گرداند.

امام هفتم علیه‌السلام ذیل این آیه فرمودند:

«يظهره على جميع الاديان عند قيام القائم «عج»»

7- اوج اعتماد و برادری و محبت بین انسانها و دیگر مخلوقات

محبت آن چنان بین مردم حاکم می‌شود که شخص از جیب برادرش پول برمی‌دارد و بعد از رفع احتیاج دوباره آن را برمی‌گرداند حتی محبت در بین حیوانات نفوذ کرده و گرگ و میش با هم زندگی مسالمت‌آمیزی دارند!

حضرت امام محمدباقر (ع) لیه‌السلام می‌فرمایند:

«إذا قام القائم جاءت المزاملة و ياتي الرجل الى كيس اخيه فياخذ حاجته لا يمنعه»⁽³⁾

1. سوره آل عمران، آیه 82.

2. سوره توبه، آیه 33.

3. المجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ج 52، ص 372.

هنگامی که قائم ما قیام می کند دوران برابری و برادری فرا می رسد در آن زمان یک مسلمان آنچه نیاز داشته باشد، از جیب برادر مسلمانش برمی دارد و او مانع نمی شود .

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در این زمینه می فرماید:

«تامن البهائم و السباع و تلقی الارض افلاذ كبدها... امثال الاسطوانه من الذهب و الفضة».⁽¹⁾

چهار پایان در امان باشند و درندگان سازش کنند . و زمین پاره های جگرش (گنجهای پنهان و با ارزش خود) را بیرون می ریزد... پاره های جگر زمین ستونهایی از طلا و نقره می باشد.

8 - گسترش امنیت

امنیت از نعمتهای گمنام است که وقتی نباشد انسان متوجه ارزش آن می شود .

الان وضع امنیت در دنیا در چه جایگاهی قرار دارد؟

آیا یک کشوری سراغ داریم که در آن در شبانه روزی که می گذرد هیچ تجاوز، تهاجم و خطرانی که آدمی را تهدید می کند نباشد؟ خیر سراغ نداریم . اگر چه از نظر امنیت کشورها با هم فرق دارند و کشورها از این جهت در جایگاه خوبی قرار دارد .

ولی در زمان حضرتش، تجاوزات و تهاجمات و جنایتها و هتک حرمتها متوقف می گردد . به عنوان مثال خانمی ظرف پر از طلا را در دست گرفته و به تنهایی از این شهر به شهر دیگری می رود و کسی متعرض او نمی گردد .

امیرالمؤمنین می فرمایند:

«و لذهبت الشحاء من قلوب العباد و اصطلحت السباع و البهائم، حتی تمشی المرأة بین العراق الى الشام لا تضع قدميها الا على النبات و على راسها زنبيل لا يحيجها سبع ولا تخافه».⁽²⁾

دشمنی‌ها از دلها زدوده می‌شود، درندگان و چهار پایان با یکدیگر سازش می‌کنند، یک زن طبقی بر سرگذارده از عراق تا شام (از شرق تا غرب) تنها سفر می‌کند، همه جا قدم بر سرزمین سبز و خرم می‌گذارد و درنده‌ای او را نمی‌آزارد و دچار ترس و وحشت نمی‌شود.

البته مراد از امنیت همه جور امنیت است. امنیت جانی چه از طرف اشخاص و حیوانات درنده و موذی و چه امنیت مالی و دوری از دستبرد و راهزنی است.

1. الحاکم النیشابوری، همان، ص 514.

2. بشاره الاسلام، ص 236.

امام باقر صلی الله علیه و آله در تفسیر آیه ی: «وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَ يَكُونَ الدِّينُ كُلُّهُ لِلَّهِ»؛⁽¹⁾ می‌فرماید: تاویل این آیه، هنوز نیامده است... پس زمانی که تاویل آن فرا رسد، مشرکان کشته می‌شوند، مگر این که موحد شوند و مشرکی باقی نماند. (و در حدیث دیگری می‌فرماید: با مشرکان جنگ می‌کنند تا این که موحد شوند و شریکی برای خدا قرار ندهند. چنان (امنیتی حاصل) می‌شود که پیر زن کهنسال، از مشرق به مغرب می‌رود، بدون آن که کسی جلوی او را بگیرد.⁽¹⁾

9- اجرای حدود

حدود الهی آنطور که باید و شاید است اجرا می‌گردد. دست دزد قطع شده و مانع زکات کشته می‌شود و همه احکام الهی به منصفه ظهور و عمل می‌رسد.

10- قرآن و سنت جایگاه واقعی خود را پیدا کرده و از خرافات و تحریفات و بدعتها پاک می‌گردد.
(2).

«أَلَا وَفِي غَدٍّ - وَ سَيَاتِي غَدٍّ بِمَا لَا تَعْرِفُونَ - يَأْخُذُ الْوَالِي مِنْ غَيْرِهَا عُمَّالَهَا عَلَى مَسَاوِيءِ أَعْمَالِهَا، وَ تُخْرِجُ لَهُ الْأَرْضُ أَفَالِيدَ كِبِدِهَا، وَ تُلْقَى إِلَيْهِ سِلْمًا مَقَالِيدَهَا، فَيُرِيكُمْ كَيْفَ عَدْلُ السَّيْرِ، وَ يُحْيِي مَيِّتَ الْكِتَابِ وَ السُّنَّةِ».

آگاه باشید، در فردا - فردایی که از آمدنش و آنچه همراه دارد ناآگاهید - والی و زمامدار (با این ویژگی که بر اساس وراثت از حکومت های قبل، یا بند و بست با گروهها و احزاب چپ و راست، یا سرسپردگی به استعمارگران شرق و غرب روی کار نیامده).

کارفرمایان و اعمال آن حکومتها را بحسب تجاوزات و خیانتهایی که مرتکب شده اند، محاکمه نموده، به کیفر رساند؛ و زمین پاره های جگر خود را برای او بیرون آورد، و از روی تسلیم و فروتنی کلیدهای خود (اختیار گوشه و کنار جهان) را به سوی او اندازد؛ و آنگاه او روش زمامداری و آیین دادگستری پیامبر را به شما نشان دهد، و آثار مرده و فراموش شده کتاب و سنت را دگر بار زنده، و به اجراء و گسترش در آورد.

ابن ابی الحدید در ذیل این فراز نوشته است:

«أَنَّ الْوَالِيَّ يَعْنِي إِمَامَ الَّذِي يَخْلُقُهُ اللَّهُ تَعَالَى فِي آخِرِ الزَّمَانِ».

بدون شك مقصود از والی در این عبارت امامی است که خداوند او را در آخر الزمان خلق خواهد کرد.

1. بحار الأنوار، ج 52، ص 7، 343.

2. علی علیه السلام در نهج البلاغه، خطبه 138.

11 - بدعت ستیزی و ارزش گستری

از روایات و ادعیه مربوط به وجود مقدس امام زمان «عج» استنباط می کنیم که با حکومت جهانی حضرتش، سنت های غلط مخصوصا در مورد ازدواج و مرگ و میر و امثال آن از بین می رود . و در همه مسایل مربوط به زندگی انسانها همانند شهرسازی و ساختمان سازی، اصول اسلامی حاکم می شود .

روایت زیر به بعضی از این امور اشاره می کند:

در حدیثی نقل شده که امام مهدی «عج» راهها را وسیع می کند، آب های ناودان ها و فاضلاب ها را که به راه های عمومی می ریزد، قطع می کند و چیزهایی را موجب راه بندان می شوند، رفع می کند . خلاصه، امور شهری را سامان خواهد داد .⁽¹⁾

امام محمدباقر (ع) لیه السلام می فرمایند:

«وسع الطريق الاعظم و كسر كل جناح خارج فی الطريق و ابطال الكنف و التايب الى الطرقات».⁽²⁾

راههای اصلی را توسعه می دهد، بالکنهایی را که به خارج جاده ها آمده و از دیگران سلب آزادی کرده است از بین می برند، ناودانهایی را که به کوچه ها می ریزد از بین می برد.

12 - پایان گرفتن مصیبت های بشر

همه مردم دنیا خوشحال خواهند بود یعنی غم و اندوه حاصل از گرفتاریهایی که بشریت با آن دست به گریبان است از بین می رود .

رسول اکرم صلی الله علیه و آله می فرمایند:

«يفرح به اهل السماء و اهل الارض و الطير و الوحوش و الحيتان فی البحر».⁽³⁾

ساکنان آسمان، مردم روی زمین، پرندگان هوا، درندگان صحراها و ماهیان دریاها همه و همه از او خشنود خواهند شد.

13 - رونق کشاورزی

در کشاورزی انقلابی صورت گرفته بطوری که دیگر زمین بایر و خشک وجود نخواهد

1. بحار الأنوار، ج 52، ص 339.

2. المفید، محمد بن محمد بن نعمان، الارشاد، ص 1، 365.

3. السیوطی، جلال الدین عبدالرحمن، الحاوی للفتاوی، ج 2، ص 82.

داشت.

14 - کمال صنعت

در صنعت و معادن انقلابی بزرگ رخ داده و همه گنجهای زمین استخراج می شود و صنعت به حد مال می رسد.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید: «... یظهر الله له كنوز الأرض و معادنها»؛ خداوند، گنجهای زمین و معادن آن را برای امام مهدی «عج» ظاهر خواهد کرد.

از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل شده که فرمود: ... هنگامی که قائم ما قیام کند، آسمان، باران خود را فرو خواهد ریخت و زمین، گیاهان خود را خواهد رویانید ... به گونه ای که زن، میان عراق و شام راه خواهد رفت و همه جا بر روی گیاه پا خواهد گذاشت ...⁽¹⁾

15 - اشاعه فرهنگ قرآن

همه مردم قرآن را فرا گرفته و از آن بهره‌مند می‌شوند .

امیرالمؤمنین علیه‌السلام با اشاره به قیام حضرت مهدی «عج» می‌فرماید: «کَأَنِّي أَنْظُرُ إِلَى شِيعَتِنَا بِمَسْجِدِ الْكَوْفَةِ وَ قَدْ ضَرَبُوا الْفَسَاطِيطَ يَعْلَمُونَ النَّاسَ الْقُرْآنَ كَمَا أُنْزِلَ»؛

گویا شیعیان ما اهل بیت علیهم‌السلام را می‌بینم که در مسجد کوفه گرد آمده‌اند و خیمه‌هایی برافراشته‌اند و در آن‌ها قرآن را آن‌چنان که نازل شده است، به مردم یاد می‌دهند.⁽²⁾

16 - فراگیر شدن عمران و آبادانی

همه شهرها و روستاها در سراسر کره زمین آباد شده و دیگر منطقه محروم وجود نخواهد داشت .

امام باقر (ع) لیه‌السلام می‌فرماید: «فَلَا يَبْقَى فِي الْأَرْضِ خَرَابٌ إِلَّا عُمَرُ» بر روی زمین، هیچ خرابی نخواهد بود، مگر این که آباد خواهد شد.⁽³⁾

17 - پیشرفت علوم مادی

علوم مادی به مال خود می‌رسد.

امام صادق (ع) لیه‌السلام می‌فرماید: علم، بیست و هفت حرف است . تمام آن‌چه انبیا آورده‌اند،

1 . بحارالانوار، ج 52، ص 323 .

2 . نهج البلاغه، ترجمه و شرح علینقی فیض الاسلام، خ 138، ج 3، ص 424، مرکز نشر آثار فیض الاسلام.

دو حرف است و مردم، تا امروز، بیش از آن دو حرف نمی‌شناسند. هنگامی که قائم ما «عج» قیام کند، بیست و پنج حرف را می‌آورد و بین مردم توسعه خواهد داد و به دو حرف قبلی اضافه خواهد کرد تا بیست و هفت حرف کامل شود.⁽¹⁾

18 - طولانی شدن سالها

مقدار هر سال در زمان حکومت حضرت مطابق ده سال قبل از زمان ظهور است.

عن الامام الباقر (ع) لیه السلام : (اذا قام القايم «عج» سار الى الکوفه ... فيمکث علی ذلک سبع سنين مقدار کل سنه عشر سنين من سنیکم هذه، ثم يفعل الله ما يشاء، قال: قلت له: جعلت فداک فکیف تطول السنون؟ قال: یامر الله تعالی الفلک باللبوث و قله الحرکه فتطول الايام لذلك والسنون، قال: قلت له: انهم يقولون ان الفلک ان تغیر فسد، قال: ذلک قول الزنادقه، فأما المسلمین فلا سبیل لهم الی ذلک، و قد شق الله تعالی القمر لنبیه صلی الله علیه وآله ورد الشمس قبله لیوشع بن نون علیه السلام و اخبر بطول یوم القیامه و انه «کألف سنه مما تعدون».⁽²⁾

یعنی امام باقر (ع) لیه السلام فرمود: حضرت مهدی بعد از ظهور به گونه‌ای می‌رود و هفت سال که هر سال مطابق ده سال شما است در آنجا توقف می‌کند.

19 - عضویت ملائکه و جن در لشکر امام (عج)

این هم از برکات حکومت حضرت است که ملائکه و جن در کنار بشر یاری اگر امام علیه السلام هستند.

روایت شده همانطور که سلیمان نبی علیه السلام در لشکرش از جنیان استفاده می‌نمود امام «عج» هم از جن و علاوه بر آن از ملائکه استفاده می‌نماید.⁽³⁾

20 - زنده شدن تعدادی از اولیاء خدا

از جمله برکات حکومت حضرتش آنست که عده‌ای از اولیاء خدا زنده شده و توفیق در مجاهدت در رکاب امام را پیدا کرده و مردم آن‌ها را زیارت می‌کنند .

«و قد روی انه یخرج مع القائم علیه السلام من ظهر الکوفه سبعة و عشرون رجلاً، خمسة عشر من قوم موسى علیه السلام الذین کانوا یهدون بالحق و به یعدلون، و سبعة من أهل الکهف، و یوشع بن نون، و سلمان،

1 . بحار الأنوار، ج 52، ص 336.

2 . الارشاد: ج 2، ص 385؛ و كشف الغمه: ج 2، ص 466، باب: ذکر علامات قیام القایم (عجل الله تعالی فرجه).

3 . منتخب الأنوار المضيئة: ص 69؛ و کمال الدین: ص 672 باب فی نوادر الکتاب: ح 222.

و ابو دجانه الأنصاری، و المقداد، و مالک الأشتر فیکونون بین یدیه أنصاراً و حکاماً⁽¹⁾.
روایت شده که پانزده نفر از قوم موسی علیه السلام و هفت نفر اصحاب کهف همچنین شخصیت‌هایی چون یوشع نبی، سلمان فارسی، ابودجانه و مقداد و مالک اشتر یاری‌گر امام عصر «عج» هستند .

21 - از بین رفتن ترس و زبونی

«عن ابی جعفر محمد بن علی الباقر (ع) لیه السلام عن أبیه عن جده علیه السلام قال: قال أمير المؤمنين علیه السلام و هو علی المنبر: (یخرج رجل من ولدی فی آخر الزمان، . . . اذا هز رایته أضاء لها ما بین المشرق والمغرب، و وضع یدیه علی رؤوس العباد، فلا یبقی مؤمن الا صار قلبه اشد من زبر الحديد)⁽²⁾.

یعنی علی علیه السلام بر سر منبر فرمود حضرت مهدی ظهور کند دست خود را بر سر بندگان گذارد
آنگاه دل افراد از توده‌های آهن سخت تر و قوی تر شود.

22 - طولانی شدن عمر اصحاب امام عصر «عج»

كما أن أعمار أصحابه (عجل الله تعالى فرجه) تطول، قال «عج»: (ويعمر الرجل في ملكه عليه السلام
حتى يولد له ألف ذكر لا يولد فيهم انثى).⁽³⁾

آنقدر عمر اصحاب زیاد می شود که گاهی شخصی دارای هزار اولاد می گردد!

23 - برپایی باشکوه نماز جمعه

نماز جمعه حضرت در مسجدی در پشت کوفه که هزار درب دارد برگزار شده با این وجود عده‌ای
موفق به ورود به مسجد و حضور در نماز جمعه نمیشوند.

«عن أبي عبد الله عليه السلام: ان قائمنا اذا قام اشرفت الأرض بنور ربها واستغنى العباد من ضوء الشمس،
و يعمر الرجل في ملكه حتى يولد له ألف ذكر لا يولد فيهم انثى، و يبنى في ظهر الكوفة مسجدا له
ألف باب، و يتصل بيوت الكوفة بنهر كربلاء و بالحيرة حتى يخرج الرجل يوم الجمعة على بغله سوفاء
يريد الجمعة فلا يدركها».⁽⁴⁾

24 - تسخیر ابرها بدست امام «عج»

امام بوسیله ابرها در آسمان‌ها حرکت و از این قاره به قاره دیگر مسافرت می نماید .

1. الارشاد: ج 2، ص 386؛ عن أبي عبد الله عليه السلام ، والصراط المستقيم: ج 2، ص 454، و أعلام
الورى: ص 464).

2. کمال الدین: ص 653، ح 17.

3. بحار الأنوار: ج 52، ص 330، ب 27، ح 52؛ و ص 337، ح 77.

4. بحار الأنوار: ج 52، ص 330، ب 27، ح 52؛ و ص 337، ح 77.

امام صادق (ع) لیه السلام فرمود:

«و ان الله تعالى يسخر له عليه السلام سحاباً فيه الرعد والبرق، فيجلس الامام عليه، فيذهب الغمام به الى طرق السماوات السبع والأرضين السبع، و هكذا لأصحابه فان بعضهم يسير فى السحاب»⁽¹⁾.

25 - کمک کردن حیوانات درنده به حضرت

«فعن أبى جعفر عليه السلام قال: (كأنى بأصحاب القائم عليه السلام وقد أحاطوا بما بين الخافقين فليس من شىء الا وهو مطيع لهم حتى سباع الأرض وسباع الطير، يطلب رضاهم فى كل شىء حتى تغمر الأرض على الأرض و تقول: مربى اليوم رجل من أصحاب القائم»⁽²⁾.

یعنی امام باقر (ع) لیه السلام فرمود گویا اصحاب قائم را می بینم که همه مطیع آنها شده حتی حیوانات درنده و پرندگان وحشی هم فرمانبردار آنها می شوند .

26 - اعجاز در اطعمه و اشربه

در طول جنگها و مسافرت های امام با یارانش نیازی به تهیه آذوقه نیست و به اعجاز الهی غذا و آب برای آنها آماده می گردد .

«و قد ورد عن الامام الباقر (ع) لیه السلام انه قال: اذا قام القائم بمكة و أراد أن يتوجه الى الكوفة نادى مناد: ألا لا يحمل أحد منكم طعاماً ولا شراباً، و يحمل معه حجر موسى بن عمران عليه السلام الذى انبجست منه اثنتا عشرة عیناً، فلا ينزل منزلاً الا نصبه فانبعثت منه العيون، فمن كان جاعاً شبع و من كان

ظمآنأ روى، فيكون زادهم حتى ينزلوا النجف من ظاهر الكوفه، فاذا نزلوا ظاهرها انبعثت منه
الماء واللبن دايمآ، فمن كان جايعاً شبع و من كان عطشاناً روى».⁽³⁾

* * *

چرا عده‌ای از افراد باتقوا و پاکدامن هر چه دعا می‌کنند موفق به دیدار امام زمان «عج» نمی‌شوند؟

زیرا اینگونه نیست که هر که خوب باشد جمال دلربای حضرت را ببیند . بلکه رؤیت حضرت بر اساس حکمت است و هر که را که حکمت الهی ایجاب کند این توفیق نصیبش می‌شود همچنین توفیق زیارت حضرتش دلیل بر این نیست که فرد زیارت کننده از باقی

مردم بالاتر است چه بسا افرادی باشند که توفیق زیارت حضرتش را پیدا نکنند ولی از نظر تقوا و علم و فضیلت از بعضی از کسانی که این توفیق را داشته‌اند بالاتر باشند .

روزی دیدند که «آخوند ملاعلی معصومی همدانی» دست بر محاسن گرفته و مغموم و ناراحت نشسته است . طلبه‌ای پرسید از چی ناراحت هستید؟ فرمود از اینکه بیش از 50 سال است که نوکری امام زمان(عج) را می‌کنم اما چرا آقا جمال خود را بمن نشان نمی‌دهد؟

همچنین زیارت امام عصر «عج» هدف نیست بلکه هدف انجام وظایفی است که حضرتش انتظار دارند شیعیان انجام دهند . اگر کسی موفق به انجام وظیفه شد حتی اگر توفیق زیارت مهدی «عج» را نداشت باکی نیست همینکه قلب مقدسش از ما راضی باشد زهی سعادت است .

مهدی آل محمد و قیام جهانی او در آیینه روایات

الهم صل علی محمد و آل محمد

سخنان امیر المومنین با عمر بن سعد

از خضر بن عبدالرحمن از پدرش و او از جدش عمر بن سعد روایت کرده

که امیرالمومنین (ع) فرمود قائم قیام نمیکند تا اینکه چشم دنیا شکافته شود و سرخی

در آسمان پدید آید و آن اشک حاملان عرش است که بر مردم روی زمین میگریند تا

وقتی که مردمی پیدا شوند که از مواهب الهی بهره ای نبرند آنها مردم را دعوت به

پیروی از فرزند من میکنند ولی خودشان از فرزند من بیزارند آنها مردمی هستند

پست نهاد و بی نصیب از رحمت حق میباشند بر اشرار تسلط دارند و میان ستمگران

فتنه انگیزند و پادشاهان را نابود میکنند در بیرون کوفه اشکار میشوند سرکرده آنها

مردی سیاه چرده و سیاه دل/بیدین /از نظر

حق افتاده و دارای عیوب بسیار و لثیم و پر خور است از مادران زناکار و بدترین نسلها

بوجود آمده در سال که فرزند من غائب من ظهور میکند خداوند او را از باران رحمت
خود سیراب نمکند فرزند من صاحب پرچم سرخ و علم سبز است ان روز عجب روز گاری
است برای مردم ناامیدی که در بین شهر انبار و هیئت زندگی میکنند ان روز روزی است
که اکراد و مردم پست نهاد بهلاکت میرسند و شهر فراغنه و مسکن جباران و جایگاه
والیان ستمگر که سز منشا همه بدبختیها و مفاسد است ویران میشود ای عمر بن سعد
بخدای علی سوگندان شهر بغداد است خدا لعنت کند گناهکاران بنی امیه و بنی فلان
(عباس) را ان مردم خیانت پیشه ای که فرزندان پاکسرت مرا میکشند و حق مرا در باره
انها رعایت نمیکنند و آنچه میکنند با احترام من از خدا نمیترسند بنی عباس یک روز زوال و
نابودی در پیش دارند انها دران روز همچون زن ابستن بوقت زائیدن ناله میکنند وای براتباع
بنی عباس از سوانحی که جنگ مابین نهاوند و دینور بروز انها میاورد ان جنگ جنگ تهی
دستان شیعه علی است سر کرده انها مردی از اهل یکی از این دو شهر و همنام پیغمبر
دارای اندامی معتدل و اخلاقی نیکو و رنگی با طراوت میباشد صدایش خنده دار و مزگانش
انبوه است گردنش قوی موهایش شانه کرده و میان دندانهای جلوش باز است هنگامیکه
سوار براسب خود میشود مانند ماه شب چهارده که از زیر ابر در آمده باشد جمعیت
او بهترین جمعیتهایی میباشد که با دلی پاک بدین خدا گرویده اند ان دلاوران از عرب
هستند که با کراحت بجنگ میپیوندند شکست و گریز از ان دشمنان انهاست که دران

روز جز درماندگی و بدبختی راهی ندارند نیز در غیبت نعمانی از اما محمد باقر (ع) روایت

میکند که فرمود از حضرت علی (ع) از این ایه فاختلف الاحزاب من بینهم یعنی احزاب

باهم اختلاف پیدا کردند سؤال شد

فرمود با دیدن سه علامت منتظر آمدن مهدی باشید

راوی عرض کرد یا امیرالمومنین ان سه چیستند فرمود اول

اختلافی در بین اهل شام پدید میاید و آمدن پرچمهای سیاه

از خراسان و وحشتی در ماه رمضان

اللهم صل علی محمد و آل محمد

امیرالمومنین (ع) فرمود: پیش از قیام قائم ما چند سال قحطی و

خشکسالی خواهد بود که دران راستگو را دروغگو و دروغگو را

راستگو بدانند در آنوقت افراد حيله گر مقرب گردند و رویضه به

ان دل بندد

اللهم صل على محمد و آل محمد

و در ارشاد شیخ مفید و غیث شیخ از جابر جعفی از امام محمد

باقر (ع) روایت نموده که فرمود: در جای خود بنشین و حرکت مکن

تا گاهی که علائمی را که برای تو ذکر میکنم بینی تو را نمیبینم

که این علائم را بینی و آن اختلاف بنی فلان (بنی عباس) و

صدای آسمانی و صدائی که از جانب دمشق میرسد که آنجا را

فتح کرده اند و قریه ای از شام بنام جابیه بزمین فرو رود

برادران ترک در جزیره فرود می آیند خارجیان رومی هم آمده در

رمله پیاده می شوند

در آنسال اختلافات بسیاری در هر سرزمین از

ناحیه غرب روی میدهد

نخستین جائی که خراب میشود شام است سه دسته در

آنجا پرچم برافرازند: پرچم مرد سرخ و سفید و پرچم مرد سیاه

و سفید و پرچم سفیانی

بحارالانوار جلد ۱۳ صفحه ۹۸۷

اصحاب قائم (ع)

هم از فضیل بن یسار از حضرت امام جعفر صادق (ع) روایت کرده است که به وی فرمود :

گنجی در طالقان هست که از طلا و نقره نیست و پرچمی است که از روزی

که انرا پیچیده اند برافراشته نشده است و مردانی هستند که دلهای آنها

مانند پاره های آهن است شکی در ایمان بخدا در آنها راه نیافته و در طریق

ایمان از سنگ محکم تراست اگر آنها را وادار کنند که کوهها را از جابکنند

از جای کنده و از میان برمیدارند لشکر آنها قصد هیچ شهری نمیکند جز

اینکه انرا خراب مینمایند اسب های آنها زینهای زرین دارند و خود آنها برای

تبرک بدن خود را بزین اسب امام میسایند آنها در جنگها امام را درمیان

گرفته و باجان خود از وی دفاع میکنند و هر کاری داشته باشد برایش انجام

میدهند مردانی درمیان آنهاست که شبها نمیخوانند زمزمه آنها در حال

عبادت همچون زمزمه زنبور عسل است تمام شب را به عبادت مشغولند

و روزها سواره بدشمن حمله میکنند آنها در وقت شب راهب و هنگام روز

شیرند آنها در فرمانبرداری از امام خود بیش از کنیز نسبت به اقایش پافشاری

دارند آنها مانند چراغهای درخشنده اند و دلهایشان همچون قندیل هاست

و از خوف خدا خشنود میباشند آنها ادعای شهادت دارند و تمنا میکنند که

در راه خدا کشته گردند شعار آنان اینست (یا لثارات الحسین)

ای خون خواهان حسین

از هرجا میگذرند رعب آنها یکماه پیشاپیش آنان باندازه یکماه راه در دلها جای

میگیرد و بدینگونه روبه پیش میروند خداوند هم پیشرو بسوی حق و حقیقت

را پیروز میگرداند

نیز در غیبت نعمانی از ابراهیم بن عبدالله بن علا از پدرش از امام جعفر صادق (ع) و از پدر بزرگوارش و ان حضرت از امیر مومنان علی (ع) روایت میکند که انحضرت پاره ای از چیزهائی که بعد از وی تا قیام قائم خواهد بود اطلاع داد دران میان امام حسین (ع) عرضکرد یا امیرالمومنین چه وقت خداوند

زمین را از لوث وجود بیدادگران پاک میگرداند فرمود :خداوند زمین را از لوث وجود بیدادگران پاک نمیگرداند مگر بعد از اینکه خون محترمی ریخته شود انگاه از بنی امیه و بنی عباس به

تفصیل سخن گفت سپس فرمود : قیام قائم ما هنگامی است که یک نفر از خراسان قیام کند و بر کوفه و ملتان

غالب گردد و از جزیره بنی کاوان بگذرد و شخصی از ما در گیلان قیام نماید و مردم گیلان بوی بگروند و پرچمهای ترک برای فرزندم اشکار شود در حالیکه در اطراف پراکنده اند و پیش از آن در میان زشتیها قرار داشتند هنگامیکه بصره خراب شود و پیشوای امرا قیام کند

بحارالانوار باب سی ام صفحه ۱۰۱۶

بغداد در اخرالزمان

مفضل عرض کرد: اقا؛ در آنروز دارالفاسقین (بغداد) چه وضعی دارد؟

فرمود: مشمول لعنت و غضب خداوند است فتنه ها و آشوبها آنرا ویران

میسازد و بکلی متروک مینماید، ای وای بر بغداد و مردم آن از خطر لشکری

که با پرچمهای زرد و لشکری که با پرچمهای خود از مغرب زمین می آیند و

کسیکه جزیره را جلب میکند و لشکری که از دور و نزدیک به آنجا می

رودب خدا قسم همه گونه عذاب که بر امتهای متمرّد و سرکش از اول خلقت

تا اخر عالم رسیده بر بغداد فرود می اید عذابهایی به بغداد میرسد که هیچ

چشمی ندیده و هیچ گوشی نشنیده است طوفان شمشیر آنها را فرا میگیرد

وای بر کسی که انجا را مسکن خود قرار دهد زیرا هر کس در انجا مقیم شود

با حالت شقاوت باقی میماند هر کس هجرت کند در پرتو خدا بسر میبرد بخدا

مردم بغداد چنان در ناز و نعمت و عیش و نوش میشوند که میگویند زندگی

حقیقی دنیا همین و خانه ها و کاخهای ان قصر های بهشت است و دختران

ان (در زیبایی حورالعین) و جوانان جوانان بهشت است و چنین پندارند که

خداوند تمام روزی بندگانش را به بغداد ارزانی داشته است افتراء به خداوند و

پیغمبر (ص) و حکم کردن بر خلاف قران و شهادت دروغ و شرابخواری و زنا

کاری و خوردن پلیدی ها و خونریزی چنان در بغداد شیوع یابد که فجایع تمام

دنیا به پای ان نرسد آنگاه خداوند همین بغداد را بوسیله آن اشوبها و آن

لشکرها چنان ویران میسازد که وقتی رهگذری از انجا میگذرد میگوید: شهر

بغداد اینجا بوده است

بحار الانوار علامه مجلسی جلد 13 صفحه 1163

قال المهدی (عجل الله تعالی فرجه)... فاما الحوادث الواقعة فارجعواالی

رواه احادیثنا فانهم حجتی علیکم فانما حجة الله علیهم... در زمانی که به

من دستیابی ظاهری ندارید به فقهای امت من رجوع کنید که حجت

من بر شما و من حجت خدا بر ایشانم - در این حدیث شریف مرتبه حجت

بودن فقیه بمادر ردیف مقام حجت امام برفقیه است لذا اگر ما خود را جان

فدای رهبر میدانیم و این ابراز عشق یک جوشش قلبی و یک توفیق

است که درک آن برای هر کسی ممکن نیست بقول حافظ : گرش ببینی

ودست از ترنج بشناسی _ روا بود که ملامت کنی زلیخارا

علامات ظهور

الخطبه امیرالمومنین و اوضاع آخر الزمان

ای مردم پیش از آنکه مرا از دست دهید هر چه می خواهید از من بپرسید در این وقت

صعصعه بن صوحان از جا برخاست و گفت یا امیرالمومنین دجال کی خواهد آمد امام

فرمود خداوند سخن تو را شنید و دانست مقصودت چیست بخدا قسم در این باره سائل

و مسئول (تو و من) یکسان هستیم (یعنی این اسرار را فقط خداوند میداند) ولی این را

بدان که آمدن دجال علاماتی دارد علامات این است دجال در وقتی میآید که مردم نماز

را بمیرانند و امانت را ضایع کنند و دروغ گفتن را حلال شمارند و ربا بخورند و رشوه ب

گیرند و ساختمانها را محکم بسازند و دین را دنیا بفروشند و موقعیکه سفیهان را بکار

گماشتند و با زنان مشورت کردند و پیوند خویشان را پاره نمودند و هوا پرستی پیشه

ساختند و خون یکدیگر را بی ارزش دانستند و.....وزنها بواسطه میل چ

شایانی که به امور دنیا دارند در امر تجارت با شوهران خود شرکت جویند.....زنها

برزینها سوار شوند و زنان به مردان و مردان به زنان شباهت پیدا کنند

از امام محمد باقر (ع) سؤال شد یا بن رسول الله قائم شما کی خواهد آمد؟ فرمود: هنگامیکه

مردها مانند زنان و زنهای شبیه مردان گردند و مردان به مردان و زنهای اکتفا کنند

زنهای بر زینها سوار شوند و شهادتهای ناحق قبول و گواهی عادلان رد شود و مردم ریختن خون

یکدیگر و عمل زنا و خوردن ربا را آسان شمارند

بحار الانوار جلد ۱۳ صفحه ۹۶۱



سپس صد هزار نفر مشرک و منافق از شهر کوفه

خارج شده و به دمشق که محل بهشت شداد است

می آیند بدون اینکه کسی از آنها ممانعت کند و پرچمهایی

بدون علامت که نه از پنبه و نه کتان و نه حریر است از

مشرق زمین می آیند در سر نیزه های آنها مهر سید

اکبر (پیامبر) زده شده قائد آنها مردی

از خاندان پیامبر است

آن پرچمها در شرق پدید می آید و بوی آن مانند مشک

معطر به غرب میرسد ترس و رعب آنها یکماه پیش

از آمدنشان همه جا در دل مردم قرار میگیرد آنگاه در

کوفه فرود می آیند و اولاد ابوطالب به خونخواهی پدران

بسم الله الرحمن الرحيم سورة مائده ایه 54

ای گروهی که ایمان آورده اید هر که از شما از دین خود مرتد شود بزودی

خدا قومی را که بسیار دوست دارد و آنها نیز خدا را دوست دارند

و نسبت به مومنان سرافکنده و فروتن و بکافران سرافراز و

مقتدرند (مانند علی (ع) و شیعیانش) بنصرت اسلام

برمی انگیزد که در راه خدا جهاد کنند و در راه دین از

نکوهش و ملامت احدی پاک ندارند این است

فضل خدا به هر که خواهد عطا کند و خدا

را رحمت وسیع نامنتهاست و باحوال

هر که استحقاق انرا دارد داناست

اوضاع جهان قبل از ظهور امام زمان و بعد از آن

نیز در تفسیر عیاشی از جابر بن جعفری روایت میکند که امام محمد باقر (ع) فرمود

در جای خود بنشین و حرکتی از خود نشان مده تا انگاه که علائمی را که

در سال طاق (فرد) روی میدهد و من اکنون برای تو ذکر میکنم بینی

و ان اینکه کسی از دمشق صدا میزند و در یکی از دهات ان فرو رفتگی

پدید میاید و قسمتی از مسجد ان فرو میریزد و میبینی که طایفه ترک از

انجا (دمشق) میگذرند و در جزیره موصل فرود میایند رومیان هم در

رمله فرود میایند و ان سالی است که در تمام سر زمین عرب اختلافات

روی میدهد اهل شام بر گرد ۳ پرچم جمع میشوند یکی زرد و دیگری

سفید و سومی پرچم سفیانی است سفیانی با دائیانش که از قبیله کلب

میباشند خروج کرده و بر قبیله ذنب الحمار از قبیله مضر حمله میبرند و

جنگی میکند که تا امروز چنان جنگی بوقوع نپیوسته است سپس

مردی از بنی ذنب بدمشق میاید و با همراهانش طوری کشته می

شود که کسی را بدانگونه نکشته باشند معنی ایه شریفه فاختلف

الاحزابیوم عظیم یعنی طوایفی از میان مردم بجان

هم میافتند وای بر کفاری که در آن روز بزرگ در آن جنگ شرکت

میجویند سفیانی و یروانش خروج میکنند و قصدی جز کشتن و

ازار اولاد پیامبر و شیعیان ندارند او یک لشکر به کوفه

میفرستد و جمعی از شیعیان آنجا را میکشد و گروهی

را بدار میزند و لشکری از خراسان آمده در

ساحل شط دجله فرود میایند

اللهم صل على محمد وال محمد

رسول اکرم (ص) میفرماید :

به زودی زمانی برامت من میرسد که پنج چیز را دوست

دارند و پنج چیز را فراموش میکنند

۱- دنیا را دوست میدارند و آخرت را فراموش میکنند

۲- مال را دوست میدارند و حساب روز قیامت

را فراموش میکنند

۳- زن ها را دوست میدارند و حورالعین را

فراموش میکنند

۴- قصرهای دنیا را دوست میدارند و قبرها

را فراموش میکنند

۵- نفس خودشان را دوست میدارند و خداوند

خویش را فراموش میکنند

این امت از من پیغمبر بیزارند و من هم از

چنین امتی بیزارم!

بسم الله الرحمن الرحيم آیه 17 سوره احزاب

ای رسول به آنها بگو اگر خدا به شما اراده بلا و شری کند یا اراده لطف و

مرحمتی فرماید آن کیست که شمارا از اراده خدا به خیر یا شر منع تواند

کرد و هرگز خلق را جز خدا هیچ یار و یاورى نخواهد بود

بسم الله الرحمن الرحيم سوره یونس آیه 107

و اگر خدا بر تو ضررى خواهد هیچ کس دفع آن ضرر نتواند

کرد و اگر خیر و رحمتی خواهد باز احدی منع آن نتواند که

فضل و رحمت حق بهر کس از بندگان بخواهد البته میرسد

و اوست خدای آمرزنده و مهربان

سوره مائده آیه 32

هر که نفسی را بدون حق قصاص و یا بی آنکه فساد و فتنه ای در روی زمین کند بقتل رساند مثل آن باشد که همه مردم را کشته و هر که نفسی را حیات بخشد (از مرگ نجات دهد) مثل آنست که همه مردم را حیات بخشیده است

آیه 17سوره انعام

و اگر از خدا بتو ضرری رسد هیچکس جز خدا نتواند تو را از آن ضرر برهاند و اگر از او خیری بتو رسد هیچکس ترا از آن منع نتواند کرد که او بر هر چیز توانا است

انتظار تا کی؟ کی میرسد ما تو را ببینیم؟

عشق تو را به قیمت دنیا نمی دهم

دنیا کم است به قیمت عقبی نمی دهم

دهها هزار یوسفم بخشد از جهان

تاری ز موی یوسف زهرا نمیدهم

گفتم شبی به مهدی از تو نگاه خواهم

گفتا که من هم از تو ترک گناه خواهم

انسان با تقوی باید :

۱- ظاهر اسلامی داشته باشد

۲- از پرگوئی اجتناب کند

۳- کم و آهسته غذا بخورد

۴- افکار غلط به مغز خود راه ندهد

۵- به مردم بد بین نباشد

۶- حرف زشت حتی به شوخی نزنند و دیگران را مسخره نکند

۷- رعایت احترام بزرگترها و کوچکترها را بنماید

۸- همیشه با وضو باشد

۹- اهسته گام بردارد

۱۰- هر عملی را با خونسردی انجام دهد

۱۱- هر شب مسواک بزند

۱۲- عصبانی نشود

۱۳- فرض کند امام زمان (عج) همیشه در کنار اوست

۱۴- هر عملی را با بسم الله ... شروع نماید

۱۵- هر شب حساب روزش را بنماید

۱۶- با سخاوت باشد و درخواست کننده را ناامید نکند

۱۷- دائم خدا را شکر کند

۱۸- دنبال کار خیر باشد

۱۹- همیشه خوشبو باشد

۲۰- روزی صد مرتبه بر محمد و آل محمد صلوات بفرستد و صد مرتبه دشمنان آنها را لعن کند

۲۱- برای فرج امام زمان ع و برای مردم دعا کند

۲۲- نمازش را سر وقت بخواند

۲۳- خوش برخورد و خوش صحبت باشد

۲۴- در مقابل گناه فوراً استغفار نماید

۲۵- رعایت نظافت را در هر مورد بنماید

۲۶- مرتب و منظم باشد

۲۷- در سلام به کوچکترها و بزرگترها پیشقدم باشد

۲۸- امر بمعروف و نهی از منکر را پنهانی بجا آورد

۲۹- قبل از هر عمل فکر کند

۳۰- خود را در محیط گناه قرار ندهد

۳۱- بعد از غذا خوردن بلا فاصله ن خوابد

۳۲- وفای به عهد کند

۳۳- فرزندان خود را زیاد بیوسد و سر آنها را به سینه و قلب خود بچسباند

۳۴- نمازش را با توجه بخواند

۳۵- اعمال زیر را طبق فرمایش رسول اکرم (ص) هر شب قبل از خواب انجام دهد

(با وضو بخوابد - تسبیحات اربعه را بخواند - مغفرت و امرزش برای اموات بخواند - سه قل هو الله

.... بخواند که ثواب ختم قرآن دارد - صلوات بر جمیع پیامبران و امامان بفرستد)

۳۶- صله رحم نماید

۳۷- نماز حضرت جعفر ع بخواند

۳۸- نماز شب بخواند

۳۹- کاری کند که دیگران برای او دعا کنند

۴۰- اعمالش را خالص نماید و با ریا کردن آن را از بین نبرد

انشالله ماهم تصمیم بگیریم از امروز با تقوی باشیم انشالله

آن روز که در پیشگاه حساب شمارا حاضر کنند (بترسید که هرچه کرده اید اشکار سازند و هیچ کار از اسرار مخفی شما پنهان نخواهد ماند

اما کسی که نامه اعمال او را به دست راستش دهند (با کمال نشاط و شادمانی و سر بلندی به اهل محشر) گوید بیائید نامه مرا بخوانید من ملاقات این روز حساب را اعتقاد داشتم (و در دنیا به گناه نپرداختم) اینچنین کس در عیش و زندگانی خوش خواهد بود در بهشت عالی رتبه ابدی که میوه آن همیشه در دسترس بهشتیان است

و اما آنکس که کتاب عملش را به دست چپش دهند با کمال شرمندگی و اندوه گوید ای کاش نامه مرا بمن نمیدادند و من هرگز از حساب اعمالم آگاه نمیشدم یا ای کاش مرگ مرا از چنگ این غصه و عذاب نجات میدادی

ای داد که مال و ثروتم امروز به فریاد من نرسید و همه قدرت و حشمت نابود گشت و خطاب به قهر رسد که او را بگیرید و در غل و زنجیر کشید تا بازش به دوزخ درافکنید که او از کفر و عناد به خدای بزرگ ایمان نیاورده و هرگز مسکینی را بر سفره طعام خود به رغبت نخوانده است

امام علی (ع): بخدا سوگند این دنیای شما که به انواع حرام الوده است

در دیده من از استخوان خوکی که دردست بیمار جذامی

باشد پست تر است

امام علی (ع): برخی از نیکوترین خلق و خوی زنان زشت ترین اخلاق

مردان است مانند تکبر . ترس . بخل . هرگاه زنی متکبر

باشد بیگانه را به حریم خود راه نمیدهد و اگر بخیل

باشد اموال خود و شوهرش را حفظ میکند و چون ترسان

باشد از هر چیزی که به ابروی او زیان رساند فاصله میگیرد

بعد امسال و چند سال دگر عالمی چون نـگار مبینم

چون زمستان پنجمین بگذشت ششمین خوش بهار مبینم

نائب مهدی آشکار شود بلکه من آشکار مبینم

پادشاهی تمام دانائی سروری باوقار مبینم

هر کجا رونهـد به فضل خدا دشمنش خاکسار مبینم

بندگان جناب حضـرت او سربسر تاجدار مبینم

تا چهل سال ای برادر من دور ان شهریار مبینم

دور ان چون شود تمام بکام پسرش یادگار مبینم

پادشاه و امام هفت اقلیم شاه عالیتبار مبینم

بعداو خود امام خواهد بود که جهان را مدار میبینم

میم و حامیم و دال میخوانم نام ان نامدار میبینم

صورت و سیرتش چو پیغمبر علم و حلمش شعار میبینم

دین و دنیا از او شود معمور خلق را از او بختیار میبینم

ید و بیضا که باد پاینده باز با ذوالفقار میبینم

مهدی وقت و عیسی دوران هردو را شهسوار میبینم

داستان محمد بن عیسی بحرینی و ملاقات با امام زمان (عج)

زمانی که بحرین در تصرف فرنگیان (اروپایی‌ها) بود، فردی از مسلمانان را به فرمانداری آنجا برگزیدند تا انگیزه بیشتری برای آبادانی آن داشته و بهتر بتواند به وضع اهالی این منطقه رسیدگی کند. این شخص، ناصبی (دشمن ائمه اطهار) بود و وزیری داشت که از خود او دشمنی‌اش با اهل بیت (ع) بیشتر بود؛ از این‌رو با اهل بحرین که دوست‌دار اهل بیت (ع) بودند دشمنی می‌کرد و از هر فریب و نیرنگ برای نابودی شیعیان بهره می‌جست. روزی این وزیر با اناری خدمت حاکم رسید و این انار را به او داد؛ حاکم دید که بر روی پوست انار نوشته شده است: «لا اله الا الله، محمد رسول الله، ابوبکر و عمر و عثمان و علی خلفاء رسول الله». وقتی حاکم به دقت آنرا نگریست، دید که این عبارت به‌طور طبیعی در پوست انار نوشته شده، به‌گونه‌ای که گمان نمی‌رفت ساخته دست بشر باشد و از این جهت در شگفت ماند! و به وزیر گفت: این انار، دلیل روشن و برهان محکمی بر ابطال مذهب رافضی‌ها (شیعیان) است. نظر تو درباره مردم بحرین چیست؟ وزیر گفت: اینان افرادی متعصب می‌باشند و منکر دلایل هستند، دستور بدهید آنان را حاضر کنند و این انار را به آنان نشان دهید، اگر پذیرفتند و به مذهب ما درآمدند به جهت هدایت آنان به ثواب زیادی نائل می‌شوید، و چنانچه نپذیرفتند آنها را در پذیرش یکی از سه چیز مخیر کنید: یا با ذلت و خواری [مانند یهودیان و مسیحیان] جزیه پرداخت کنند، و یا جواب روشنی بر خلاف این برهان که نمی‌توان آنرا نادیده گرفت، ارائه نمایند، و یا این‌که مردان آنها کشته شوند و زنان و فرزندان آنان اسیر گردند و اموالشان را به غنیمت گیریم.

حاکم نظر وزیر را مورد تحسین قرار داد و پسندید و دستور احضار علما و نیکان و مردمان شریف و بزرگان شیعه را داد و آنها حاضر شدند و انار را به آنها نشان داد و گفت: اگر جواب کافی و قانع‌کننده‌ای نیاورید یا باید کشته شوید و اسیر گردید و اموالتان ضبط شود، و یا مانند کفار جزیه بپردازید. آنها وقتی انار را دیدند سخت متحیر شدند و نتوانستند جوابی بدهند و رنگ از صورتشان پرید و بدنشان به لرزه افتاد سپس بزرگان آنها به حاکم گفتند: سه روز به ما مهلت بده شاید بتوانیم جوابی که مورد پسند واقع شود بیاوریم و گرنه هر طور می‌خواهی میان ما حکم کن. حاکم هم به آنها مهلت داد. بزرگان بحرین در حالی که ترسناک و سراسیمه و متحیر بودند، از نزد حاکم بیرون آمده جلسه‌ای بر پا کردند و به مشورت پرداختند. آن‌گاه بنا گذاشتند که از میان نیکان و زاهدان بحرین ده نفر و از میان آن ده نفر هم سه نفر را انتخاب کنند. به یکی از آن سه نفر گفتند تو امشب را رو به بیابان بگذار و تا صبح مشغول عبادت باش و از خداوند به وسیله امام زمان یاری بخواه! او هم رفت و شب را به صبح آورد و چیزی ندید ناچار برگشت و جریان را به آنها اطلاع داد شب دوم هم نفر دوم را فرستادند و او نیز مانند شخص نخست برگشت و خبری نیاورد و بر اضطراب و پریشانی آنها افزود. آن‌گاه نفر سوم را که مردی پاک‌سرشت و دانشمند بود و نامش مجد بن عیسی بود، خواستند و او شب سوم را با سر و پای برهنه روی به بیابان نهاد. آن شب، شب تاریکی بود. مجد بن عیسی تمام شب را مشغول دعا و گریه و توسل به خدای تعالی بود که شیعیان را از آن بلاها رهایی بخشد، و حقیقت مطلب را برای آنها روشن سازد و برای همین، متوسل به صاحب الزمان (عج) گردید در آخر شب ناگاه دید مردی او را مخاطب ساخته و می‌گوید: «ای مجد بن عیسی! چه شده که تو را بدین حالت می‌بینم، و برای چه به این بیابان آمده‌ای؟»، گفت: ای مرد! مرا به حال خود واگذار. من برای کار بزرگ و مطلب مهمی بیرون آمده‌ام که آنرا جز برای امام خود نمی‌گویم، و شکایت آنرا نزد کسی می‌برم که بتواند این راز را بر من آشکار سازد.

«آن مرد گفت: «ای مجد بن عیسی! صاحب الامر من هستم. مقصودت را بگو. گفت: اگر تو صاحب الامر هستی داستان مرا می‌دانی و نیازی نداری که من آنرا شرح بدهم فرمود: «آری، تو به جهت مشکلی که انار برای شما ایجاد کرده و مطلبی که بر آن نوشته شده، و تهدیدی که حاکم بحرین نموده است به بیابان آمده‌ای مجد بن عیسی وقتی این را شنید به طرف او رفت و عرض کرد: آری، ای آقای من! شما می‌دانید که ما چه حالی داریم شما امام و پناهگاه ما می‌باشید و قادر هستید که این خطر را از ما برطرف سازید، بداد ما برس فرمود: «ای مجد بن عیسی! وزیر ملعون درخت اناری در خانه خود دارد. قالبی از گل به شکل انار در دو نصف ساخته و در داخل هر نصفی از آن، قسمتی از آن کلمات را نوشته است، آن‌گاه به تدریج که انار بزرگ شده آن نوشته در پوست انار کوچک بود داخل آن گذاشته و آنرا محکم بسته است. آن‌گاه به تدریج که انار بزرگ شده آن نوشته در پوست انار تأثیر گذاشته تا به این صورت درآمده است! فردا می‌روی نزد حاکم و به او می‌گویی: جواب تو را آورده‌ام ولی حتماً باید در خانه وزیر باشد. وقتی به خانه وزیر رفتید به سمت راست خود نگاه کن که اتاقی می‌بینی. به حاکم بگو: جواب تو در همین اتاق است. وزیر نمی‌خواهد اجازه بدهد که داخل این اتاق شوید ولی تو اصرار کن! و سعی کن که از آن بالا بروی، وقتی دیدی وزیر خودش بالا رفت تو هم با او بالا برو و او را تنها مگذار مبادا از تو جلو بیافتد! هنگامی که وارد اتاق شدی در دیوار آن کیسه‌ای سفید هست؛ آنرا بردار که خواهی دید قالب گلی انار که برای این نقشه ساخته است در آن کیسه است. سپس آنرا جلو حاکم نهاده و انار مورد نظر را داخل آن بگذار تا حقیقت مطلب برای او روشن گردد! و به حاکم بگو: ما معجزه دیگری هم داریم و آن این‌که داخل این انار جز خاکستر و دود چیزی نیست، اگر می‌خواهی صحت آنرا بدانی به وزیر بگو آنرا بشکند، وقتی وزیر آنرا شکست دود و خاکستر آن به صورت ریش و

وقتی مجد بن عیسی این سخنان را از امام شنید بسیار شادمان گردید و دست امام را بوسید و با مژده و شادی مراجعت نمود. صبح، به خانه حاکم رفتند و مجد بن عیسی همان‌طور که امام دستور داده بود عمل کرد، سپس حاکم رو کرد به مجد بن عیسی و پرسید: چه کسی این را به تو خبر داد؟ گفت: امام زمان ما و حجت پروردگار. پرسید: امام شما کیست؟ او هم یک یک ائمه را به وی معرفی کرد تا به امام زمان (عج) رسید. حاکم گفت: دستت را دراز کن تا من گواهی دهم که نیست خدایی مگر خداوند یگانه و این‌که مجد بنده و پیامبر او است. خلیفه بلا فصل بعد از او امیر المؤمنین علی (ع) است، آن‌گاه اقرار به تمام ائمه تا آخر آنها نمود و ایمانش نیکو گشت. سپس دستور داد وزیر را به قتل رساندند و از مردم بحرین معذرت خواست و نسبت به آنها نیکی نمود و آنها را گرامی داشت [1]. این حکایت نزد اهل بحرین مشهور و قبر مجد بن عیسی در آنجا معروف است و مردم به زیارت آن می‌روند در پایان باید گفت تشریفاتی که از قول عالمان شیعه نقل می‌شود معمولاً دارای سند مصطلح فقهی و دانش رجال نیست تا در مورد صحت سند آن گفت‌وگو کرد. پذیرش این گزارش‌ها تنها با تکیه بر مورد اعتماد بودن نقل‌کننده و شهرت میان مردم امکان‌پذیر است اما درباره این‌که آیا در غیبت کبری (طولانی) امام زمان (عج)؛ ممکن است کسی خدمت آن‌حضرت برسد، باید گفت: دانشمندان شیعه عقیده ندارند که امام زمان حتی برای دوستان پاک‌سرشت خود هم آشکار نمی‌شود، بلکه امکان [3]. این‌که حضرت را ببینند و او را نشناسند یا بشناسند وجود دارد

بحار الانوار، ج 52، ص 178 - 180، بیروت، دار إحياء التراث العربی، چاپ دوم، 1403ق مجلسی، مجد باقر، [1]
همان، [2]
ارتباط با امام زمان(عج)، 8175» رؤیت امام زمان (عج)، 2768» ارتباط با امام زمان (عج)، 1029»؛ ر. ک. [3]

انتظار و وظایف منتظران

- 1- دعا برای امام زمان (عج) ل الله تعالی فرجه الشریف (ندبه-عهد-فرج-آل یاسین-الهی عظم البلاء- اللهم عرفنی نفسک ودعاهای دیگر)
- 2- شناخت صفات و سیره امام علیه السلام (امام شناسی از مهمترین واجبات است)
- 3- رعایت ادب در همه موارد (نام حضرت که برده می شود صلوات بفرستد یا بلند شود و دست بر سر گیرد یا حداقل برای ظهور حضرت دعا نماید)
- 4- عشق و علاقه نسبت به حضرت (مرحوم سید عبدالکریم کفاش، هفته ای یک مرتبه به محضر آن حضرت مشرف می شد. او در ری در جوار حضرت عبدالعظیم حسنی می زیست. در یکی از تشرفاتش، حضرت از او می پرسند، سید عبدالکریم اگر ما را نبینی چه خواهد شد؟! پاسخ می دهد: آقا حتما می میرم.
- حضرت در پاسخ فرمودند: "اگر چنین نبودی ما را نمی دیدی." (2)
- 5- علاقمند کردن دیگران به امام زمان (عج) ل الله تعالی فرجه الشریف
- 6- انتظار فرج
- امام صادق (ع) لیه السلام فرمودند: "بخشی از معتقدات ائمه علیهم السلام عبارت از تقوی، پاکدامنی و خیرخواهی... و صبوری کردن درانتظار فرج است." (3)
- در بسیاری از روایات، پر فضیلت ترین اعمال، انتظار فرج دانسته شده است
- 7- اظهار علاقه وافر برای ملاقات با آن حضرت. (اللهم ارنی الطلعه الرشیده والغره الحمیده...)
- 8- ذکر فضائل و مناقب آن حضرت، و شرکت در مجالس امام شناسی.
- 9- صدقه برای سلامتی امام زمان (عج) ل الله تعالی فرجه الشریف.
- 10- بجا آوردن حج و عمره و زیارت مشاهد مشرفه به نیابت از امام.

اعمالی که به نیابت از امام زمان علیه السلام بجا آورده می شود، در واقع هدیه ای از جانب عاشقان و شیفتگان به یوسف زهراست.

11- استغاثه بوجود مقدس امام عجل الله تعالی فرجه الشریف

در بعضی از روایات از آن بزرگوار به "غیاث المضطرالمستکین" تعبیر شده است. توسل واستغاثه براهل البیت علیهم السلام، سیره دائمی بزرگان و صلحا و علما شیعه بوده و حتی ائمه هدی علیهم السلام نیز به وجود مقدس ایشان توسل می جستند.

مرحوم عاملی در روایتی نقل می کنند که هنگامی که زهرا مظلومه سلام الله علیها بین دیوار و در معجروح شدند، به دنبال علی (ع) لیه السلام ... بودند و ناله "یا بن الحسن" سر می دادند و به وجود مقدس امام عصر حضرت حجه بن الحسن عجل الله تعالی فرجه الشریف استغاثه جستند.

12- تجدید بیعت با امام علیه السلام

بر اساس پاره ای از روایات، تجدید بیعت بعد از هر نماز واجب و یا در هر جمعه مستحب است. (5) و در روایتی از امام صادق (ع) لیه السلام نقل شده که:

"هر کس بعد از نماز صبح و بعد از نماز ظهر بگوید: اللهم صل علی محمد و آل محمد و عجل فرجهم، نمی میرد مگر آن که حضرت را ببیند و بشناسد." (6)

13- اجتناب از محارم

کسی که منتظر واقعی است، باید از آنچه که امام زمانش کراهت و دوری دارد، اجتناب نموده و هر عملی که در تقرب او موثر است را به خاطر رضای محبوب و ارتباط روحی با او انجام دهد. مرحوم شیخ طوسی متوفی 460 ه.ق در کتاب شریف "تجريد الاعتقاد" می فرماید: "وجوده لطف و عدمه منا".

وجود حضرت لطف، و عنایت برماست و غیبت ایشان به خاطر اعمال و رفتار بد ماست.

گفتم که روی خوبت از من چرا نهان است گفتا تو خود حجابی ورنه رخم عیان است

حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، در توقیعی چنین می فرماید: "فما یحبسنا عنهم الا ما یتصل بنا مما نکرهه و لا نوثره منهم." (9)

پس محبوس نکرده ما را از دوستان مگر خبرهای ناگواری که همواره از ناحیه آنان به ما می رسد که ناخوشایند است در حالی که ما آن کارها را از ایشان نخواستیم.

14- دوستی با صالحان

دوستی با دوستان حضرت باعث تقرب و جلب خشنودی ایشان است. همچنین ادخال سرور مومنین و محبین اهل بیت علیهم السلام و همچنین رفع حوائج آنان نیز از وظایف منتظران عصر ظهور شمرده شده است.

قرآن کریم در وصف یاران حضرت ختمی مرتبت می فرماید:

"محمد رسول الله والذين معه اشداء على الكفار رحماء بينهم."

و فرمود: "كونوا مع الصادقين"

15- برائت از دشمنان خدا و اهل بیت علیهم السلام

در زیارت جامعه می خوانیم: "برئت الى الله عزوجل من اعدائكم و من الجبت و الطاغوت و الشياطين و حزبهم الظالمين." (10)

1- منتخب الاثر، آیت الله صافی گلپایگانی، حدیث 1، ص 501.

2- مشعل هدایت، ج 2، ص 129.

3- منتخب الاثر، آیت الله صافی، ص 498 به نقل از بحار الانوار.

4- منتخب الاثر، صص 493 - 500.

5- مکیال المکارم.

6- بحار الانوار، ج 86، ص 77، باب 39.

7- بحار الانوار، ج 51، ص 113.

8- مشعل هدایت، ج 2، ص 126.

9- احتجاج طبرسی، ص 322.10- مفاتیح الجنان، مرحوم شیخ عباس قمی (ره)، زیارت جامعه

کبیره.

خلاصه تعدادی از روایات درباره دوران غیبت کبری:

1- صاحب الامر (مهدی علیه السلام) کسی است که در سرزمین های دور دست ساکن می شود و از میان مردم کناره می گیرد و به تنهایی زندگی می کند.

2- در این دوره (غیبت کبری) هر کسی از شیعیان در دین و عقیده خود استوار و ثابت قدم بماند و قلبش به جهت طولانی شدن غیبت امامش قساوت پیدا نکند، او روز قیامت در نزد علی (ع) خواهد بود.

ولی افراد نادان به جهت طولانی شدن دروه غیبت از ظهور آن حضرت مأیوس و ناامید خواهند شد
3- خداوند مردم را به خاطر ظلم و ستم و همینطور اسراف و اسراف که در حق خودشان انجام می دهند از دیدن حجت الهی محروم کرده است.

.آشنایان و شیعیان دفع و برطرف خواهد شد 4- به وسیله مهدی عج بلاها و فتنه ها از زمان غیبت خلیفه و حجت مهدی 5- در زمان غیبت، فقهاء جامع شرایط ولی خواهند بود آن ها در عج بر مردم هستند و رد آنها رد امام زمان است
به اتمام و کمال برسد و باطل ، نابود و 6- خداوند متعال ، ابناء و امتناع دارد نسبت به حق مگر آن که مضمحل گردد

7- مهدی عج فرمود: ما بر تمامی احوال و اخبار شما آگاه و آشنائیم و چیزی از شما . نزد ما پنهان نیست

همان 8- مهدی عج فرمود: به درستی که من سبب آسایش و امنیت برای موجودات زمینی هستم ، (ادامه حیات بشریت مدیون حیات مهدی عج است .طوری که ستاره ها برای اهل آسمان امان هستند

و اگر حجت خدا یک لحظه نباشد بشریت نمی تواند ادامه حیات بدهد)

خلاصه تعدادی روایت درباره دوران ظهور:

1- خداوند شخصی از فرزندان علی (ع) را در آخر الزمان ظاهر خواهد کرد تا خون امامان را از ستمگران طلب کند.

2- امیرالمؤمنین علیه السلام می فرماید: ...آنگاه که قائم ما اهل بیت علیه السلام قیام کند کینه ها از دل ها بیرون خواهد رفت حتی حیوانات درنده و وحشی نیز با هم سازگار خواهند شد و به یکدیگر ضرر نخواهند رساند، در آن روزگار به اندازه ای امنیت زیاد خواهد بود که یک زن در حالی که همه زینت و زیور آلاتش همراه اوست از عراق تا شام را بدون ترس و دلهره به تنهایی خواهد پیمود.

3- خداوند، مهدی از اهل بیت علیهم السلام را [در آخر الزمان] بر می انگیزاند تا اهل بیت را عزیز و دشمنانشان را خوار و ذلیل کند.

4- یاران مهدی عج شیرانی هستند که از کمینگاه های خود بیرون آیند مانند پاره های آهن، اگر ایشان اراده کنند که کوه های سخت را از جا بکنند هر آینه آنها را از جاهای خود می کنند. پس ایشانند کسانی که خدا را به وسیله مهدی بیگانگی پرستش می کنند. برای ایشان در شبها، صداهایی مانند صداهای زنهای جوان مرده از ترس خدا است نماز گذارند گانند در شبها و روزه دارانند در روز، گویا یک پدر و یک مادر آنها را تربیت کرده اند. دلهاشان در دوستی کردن به همدیگر و پند دادن به یکدیگر با هم جمع و یکی است

5- برخلاف بعضی تفکرات که می گوید امام زمان (عج)، خون راه می افتد، حضرت وقتی ظهور می کند چون اکثر بشریت با اختیار مسلمان می شوند و حضرت با مشرکان و کفاری که ایمان نمی آورند سر ستیز دارد لذا وجود حضرت برکت و باعث سرور و خوشحالی است که فرمود یومئذ یفرح المومنون بنصر الله.

از حسین بن علی علیه السلام نقل شده است که آن حضرت فرمود: شخصی خدمت علی علیه السلام آمد و به آن حضرت گفت: ای امیرمؤمنان برای ما از مهدی علیه السلام سخن بگو. علی بن ابیطالب علیه السلام فرمودند: هنگامی که رفتنی ها بروند و اهل ایمان کم شوند و آشوبگران و جنگ طلبان نابود گردند، در چنین شرایطی او ظهور خواهد کرد. آنگاه همان شخص عرضه داشت یا امیرالمؤمنین! درود و سلام بر تو باد، حضرت مهدی علیه السلام از کدام طایفه است؟ حضرت فرمودند: او از بنی هاشم است که بهترین طایفه عرب و قُله شرف و جوانمردی به حساب می آید.

حضرت علی علیه السلام در ادامه یکی از سخنانشان به تبیین صفات حضرت مهدی علیه السلام پرداخته، فرمودند: آستانه او در پناه دهی به بی پناهان از همه آستانه ها وسیع تر، و علم و دانش آن حضرت از همه زیادتر است و از همه مردم بیشتر به صله ارحام و پیوند با خویشاوندان توجه می نماید. پروردگارا! بیعت او را پایان بخش همه اندوه ها قرار بده و تفرق و پراکندگی امت اسلامی را به دست با کفایت آن حضرت به یگانگی مبدل فرما...

عن اصبح بن نباته قال: سمعت امیرالمؤمنین علیه السلام یقول: صاحب هذا الامر الشریذ الطریذ الفریذ الوحید. (1)
اصبح بن نباته می گوید: شنیدم که امیرالمؤمنین علیه السلام می فرمود: صاحب الامر (مهدی علیه السلام) کسی است که در سرزمین های دور دست ساکن می شود و از میان مردم کناره می گیرد و به تنهایی زندگی می کند.

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: برای قائم ما غیبتی هست که مدت آن طولانی خواهد شد. شیعیان را در این زمان می بینم که همانند گله بی صاحبی که در دشت پراکنده شده باشند به دنبال چراگاه و مرتع می گردند ولی آن را پیدا نمی کنند [به جستجوی آن حضرت می پردازند ولی او را نمی یابند].

آگاه باشید! در این دوره هر کسی از آنها (شیعیان) در دین و عقیده خود استوار و ثابت قدم بماند و قلبش به جهت طولانی شدن غیبت امامش قساوت پیدا نکند، او روز قیامت در نزد من و در جایگاهی که من هستم خواهد بود.

... عن الاصبع بن نباته عن امیرالمؤمنین علیه السلام انه ذکر القائم علیه السلام فقال: أما لیغیبَنَّ حتّی یقولَ الجاهلُ: ما لله فی آلِ محمدٍ حاجةً. (1)

از اصبع بن نباته نقل شده است که امیرالمؤمنین علیه السلام روزی حضرت قائم علیه السلام را یاد کردند و فرمودند: آگاه باشید! او غیبتی (طولانی) خواهد داشت به گونه ای که نادانان (به مصالح الهی) بگویند: خداوند را در آل محمد صلی الله علیه و آله برنامه ای نیست. (یعنی افراد نادان به جهت طولانی شدن دروه غیبت از ظهور آن حضرت مأیوس و ناامید خواهند شد).

فقال علی علیه السلام... اما والله لأقتلَنَّ انا و ابناي هذان و لیبعثنَّ الله رجلا من ولدی فی آخر الزمان یطالب بدمائنا و لیغیبَنَّ عنهم تمییزا لاهل الضلالة حتّی یقولَ الجاهل ما لله فی آل محمد من حاجة. (1)

امیر مؤمنان علیه السلام در حالیکه امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام حضور داشتند خطاب به مردم فرمودند: ای مردم! آگاه باشید، سوگند به خدا من و این دو فرزندم به قتل خواهیم رسید. آن گاه خداوند شخصی از فرزندان مرا در آخر الزمان ظاهر خواهد کرد تا خون ما را از ستمگران طلب کند.

مفضل بن عمر از امام صادق (ع) لیه السلام روایت کرده است که آن حضرت فرمود: روزی امیرالمؤمنین علیه السلام در بالای منبر مسجد کوفه فرمودند: ...ای مردم! بدانید زمین هرگز از حجت خدا (امام معصوم) خالی نخواهد ماند. اما خداوند متعال به زودی مردم را به خاطر ظلم و ستم و همینطور اسرافیه که در حق خودشان انجام می دهند از دیدن حجت الهی محروم خواهد کرد.

عن محمد بن مسلم عن ابی عبد الله علیه السلام قال: ... قال علی علیه السلام: ...
انتظروا الفرّج و لا تیأسوا من روح الله، فانّ احبّ الاعمال الی الله عزّوجلّ انتظار الفرّج... و المنتظر لأمرنا کالمُتَشَحِّطِ بدمه فی سبیل الله. (1)

محمد بن مسلم از امام صادق (ع) لیه السلام نقل می کند که آن حضرت از پدران بزرگوارش و آنها از علی علیه السلام روایت کردند که علی بن ابیطالب علیه السلام فرمودند: منتظر فرج [امام زمان علیه السلام] باشید و از عنایت و توجهات خداوند ناامید نشوید. همانا محبوب ترین کارها در نزد خداوند عزّوجلّ انتظار فرج [امام زمان علیه السلام] است.

آنگاه در ادامه بیان فضیلت انتظار فرمودند:
کسی که منتظر امر ما (فرج امام زمان علیه السلام) باشد، مانند رزمنده ای است که در راه خداوند به خون خود آغشته شده باشد (اجر و پاداش شهید را دارد).

امام صادق (ع) لیه السلام از پدران بزرگوارش علیهم السّلام و آنها از علی بن ابیطالب علیه السلام روایت می کنند که آن حضرت فرمودند: آنگاه که آتش در حجاز شعله ور شود و سیل در نجف جاری گردد منتظر ظهور قائم علیه السلام باشید.

حدثنا عبدالله بن مروان، ...عن علي عليه السلام قال: يلي المهدي أمر الناس ثلاثين سنة أو أربعين سنة... (1)

عبدالله بن مروان روایت کرده است که علی بن ابیطالب علیه السلام فرمودند: حضرت مهدی علیه السلام سی یا چهل سال زمام امور مردم را در دست خواهند داشت.

- يعطف الهوى على الهدى اذا عطفوا الهدى على الهوى و يعطف الرأى على القرآن اذا عطفوا القرآن على الرأى ... فَيُرِيكُمْ كَيْفَ عَدْلُ السَّيْرِ، و يُحْيِي مَيِّتَ الْكِتَابِ و السَّنة... (2)

[امام زمان علیه السلام وقتی که ظهور کند] هواهای نفسانی را به هدایت و رستگاری برمی گرداند در آن روزگاری که مردم هدایت الهی را به متابعت هواهای نفسانی درآورده باشند. آراء و اندیشه های مردم را تابع قرآن می کند در آن روزگاری که آن ها قرآن را تابع آراء و اندیشه های خود کرده اند... او به شما نشان خواهد داد که عدالت در کشورداری چگونه است. هم چنین او تعالیم فراموش شده قرآن و سنت را زنده خواهد ساخت...

قال امير المؤمنين عليه السلام : ... فلا يترك عبداً مسلماً الاً اشتراه واعتقه، و لا غارماً الاً قضى دينه، و لا مظلماً لِحَدٍّ مِنَ النَّاسِ الاً ردّها، و لا يُقْتَلُ مِنْهُمْ عَبْدٌ الاً ادى ثمنه... و لا يُقْتَلُ قَتِيلٌ الاً قضى عنه دينه، و الْحَقَّ عِيَالُهُ فِي الْعَطَاءِ حَتَّى يَمْلَأَ الْاَرْضَ قِسْطاً و عدلاً كما مُلِئَتْ ظِلْماً و جوراً و عدواناً... (1)

اميرالمؤمنين عليه السلام فرمودند: ... حضرت مهدی علیه السلام برده مسلمان را نخواهد وا گذاشت مگر اینکه آن را خریده و آزاد خواهد ساخت و بدهکاری نخواهد ماند مگر آنکه بدهی او را پرداخت خواهد نمود. مظلومه و حقی به گردن و ذمه هر کس که باشد آن را به صاحب حق بازخواهد گرداند. کسی کشته نمی شود مگر اینکه دیه آن را خواهد پرداخت. هیچ کسی کشته نخواهد شد مگر اینکه بدهی

های او را آن حضرت پرداخت خواهد نمود و خانواده اش را همانند سایر افراد جامعه اداره خواهد کرد تا زمین را از عدل و داد پر کند به همان صورتی که پیش از آن از ظلم و بیداد پر شده باشد...

- قال علی علیه السلام: ...لو قد قام قائمنا لَذَهَبَتِ الشُّحْناءُ مِنْ قُلُوبِ الْعِبَادِ وَ اصْطَلَحَتِ السَّبَاعُ وَ الْبَهَائِمُ حَتَّى تَمْشِيَ الْمَرْأَةُ بَيْنَ الْعِرَاقِ إِلَى الشَّامِ... عَلَى رَأْسِهَا زَيْنَتَهَا لَا يَهِيْجُهَا سَبْعٌ وَ لَا تَخَافُهُ... (2)

امیرالمؤمنین علیه السلام می فرماید: ...آنگاه که قائم ما اهل بیت علیه السلام قیام کند کینه ها از دل ها بیرون خواهد رفت حتی حیوانات درنده و وحشی نیز با هم سازگار خواهند شد و به یکدیگر ضرر نخواهند رساند، در آن روزگار به اندازه ای امنیت زیاد خواهد بود که یک زن در حالی که همه زینت و زیور آلاتش همراه اوست از عراق تا شام را بدون ترس و دلهره به تنهایی خواهد پیمود.

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: نور همان قرآن است. و نور اسمی از اسم های خداوند تبارک و تعالی نیز هست. خداوند عزوجل در سوره نور می فرماید: خدا نور آسمان ها و زمین است، نور او همانند مشکاتی است که در آن چراغی باشد و آن چراغ در میان شیشه ای که تَلَأُوْهُ آن همچون ستاره ای است درخشان و روشن از درخت مبارک زیتون...

آن گاه فرمودند: مشکات رسول خدا صلی الله علیه و آله است و مصباح وصی و اوصیاء هستند، منظور از زجاجة حضرت فاطمه زهرا علیها السلام است، و مراد از کوكب دُرّی حضرت قائم المنتظر علیه السلام است. کسی که زمین را پر از عدل و داد می کند.

[قال] امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام : المستضعفون فی الارض،
المذكورون فی الكتاب(1) الذین جعلهم الله ائمةً، نحن اهل البيت؛ یبعث الله
مهدیهم فیعزهم و یذلّ عدوهم.(2)

حضرت علی علیه السلام می فرمایند: مستضعفان در زمین که در قرآن یاد شده اند و
خداوند وعده داده است آنها را پیشوایان مردم قرار دهد، ما اهل بیت هستیم و
خداوند، مهدی ما اهل بیت علیهم السلام را [در آخر الزمان] بر می انگیزاند تا آنها را
عزیز و دشمنانشان را خوار و ذلیل کند.

چهل حدیث گهربار منتخب

قال الامام المهدی ، صاحب العصر و الزمان سلام الله علیه و عجل الله تعالی فرجه الشریف :
- 1الذی یجبُ عَلَیْکُمْ وَ لَکُمْ اَنْ تَقُولُوا: اِنَّا قُدُوَّةٌ وَاِئِمَّةٌ وَ خُلَفَاءُ اللَّهِ فِی اَرْضِهِ، وَ اَمَنَّاؤُهُ عَلٰی خَلْقِهِ،
وَ حُجَجُهُ فِی بِلَادِهِ، نَعْرِفُ الْحَلَالَ وَالْحَرَامَ، وَ نَعْرِفُ تَأْوِیلَ الْکِتَابِ وَ فَصْلَ الْخِطَابِ⁽⁷²⁾.

ترجمه :

فرمود: بر شما واجب است و به سود شما خواهد بود که معتقد باشید بر این که ما اهل بیت رسالت ،
محور و اساس امور، پیشوایان هدایت و خلیفه خداوند متعال در زمین هستیم .
همچنین ما امین خداوند بر بندگانش و حجت او در جامعه می باشیم ، حلال و حرام را می شناسیم ،
تاءویل و تفسیر آیات قرآن را عارف و آشنا هستیم .

- 2قال علیه السلام : اءَنَا خَاتَمُ الْأَوْصِيَاءِ، بِي يَدْفَعُ الْبَلَاءُ عَنْ أَهْلِی وَ شِيعَتِی⁽⁷³⁾.

ترجمه:

فرمود: من آخرین وصی پیغمبر خدا هستم به وسیله من بلاها و فتنه ها از آشنایان و شیعیانم دفع و برطرف خواهد شد.

3 قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : اءَمَّا الْحَوَادِثُ الْوَاقِعَةُ فَارْجِعُوا فِيهَا إِلَى رِوَاةِ حَدِيثِنَا (اءِ حَدِيثِنَا)، فَإِنَّهُمْ حُجَّتِي عَلَيْكُمْ وَ اءَنَا حُجَّةُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ⁽⁷⁴⁾.

ترجمه:

فرمود: جهت حل مشکلات در حوادث - امور سیاسی ، عبادی ، اقتصادی ، نظامی ، فرهنگی ، اجتماعی و ... - به راویان حدیث و فقهاء مراجعه کنید که آن ها در زمان غیبت خلیفه و حجت من بر شما هستند و من حجت خداوند بر آن ها می باشم.

4 قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : الْحَقُّ مَعَنَا، فَلَنْ يُوحِشَنَا مَنْ قَعَدَعَنَا، وَ نَحْنُ صَنَائِعُ رَبِّنَا، وَ الْخَلْقُ بَعْدُ صَنَائِعِنَا⁽⁷⁵⁾.

ترجمه:

فرمود: حقانیت و واقعیت با ما اهل بیت رسول الله صلی الله علیه و آله می باشد و کناره گیری عده ای ، از ما هرگز سبب وحشت ما نخواهد شد، چرا که ما دست پروره های نیکوی پروردگار می باشیم ؛ و دیگر مخلوقین خداوند، دست پرورده های ما خواهند بود.

5 - قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : إِنَّ الْجَنَّةَ لَا حَمْلَ فِيهَا لِلنِّسَاءِ وَلَا وَلَادَةً، فَإِذَا اشْتَهَى مُؤْمِنٌ وَلَدًا خَلَقَهُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ بِغَيْرِ حَمْلٍ وَلَا وَلَادَةٍ عَلَى الصُّورَةِ الَّتِي يُرِيدُ كَمَا خَلَقَ آدَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ عِبْرَةً⁽⁷⁶⁾.

ترجمه:

فرمود: همانا بهشت جایگاهی است که در آن آبستن شدن و زایمان برای زنان نخواهد بود، پس هرگاه مؤمنی آرزوی فرزند نماید، خداوند متعال بدون جریان حمل و زایمان ، فرزند دلخواهش را به او می دهد همان طوری که حضرت آدم علیه السلام را آفرید.

6 - قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : لَا يُنَازِعُنَا مَوْضِعُهُ إِلَّا ظَالِمٌ آثِمٌ، وَلَا يَدَّعِيهِ إِلَّا جِدٌّ كَافِرٌ⁽⁷⁷⁾.

ترجمه:

فرمود: کسی با ما، در رابطه با مقام ولایت و امامت مشاجره و منازعه نمی کند مگر آن که ستمگر و معصیت کار باشد، همچنین کسی مدعی ولایت و خلافت نمی شود مگر کسی که منکر و کافر باشد.

7- قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : إِنَّ الْحَقَّ مَعَنَا وَفِينَا، لَا يَقُولُ ذَلِكَ سِوَانَا إِلَّا كَذَّابٌ مُفْتَرٍ، وَلَا يَدَّعِيهِ غَيْرُنَا إِلَّا ضَالٌّ غَوِيٌّ⁽⁷⁸⁾.

ترجمه:

فرمود: حقیقت - در همه موارد و امور - با ما و در بین ما اهل بیت عصمت و طهارت خواهد بود و چنین سخنی را هر فردی غیر از ما بگوید دروغ گو و مفتری می باشد؛ و کسی غیر از ما آن را ادعا نمی کند مگر آن که گمراه باشد.

8- قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : اَبَى اللّٰهُ عَزَّ وَ جَلَّ لِلْحَقِّ اِلَّا اِتْمَامًا وَ لِلْبَاطِلِ اِلَّا زَهُوْقًا⁽⁷⁹⁾.

ترجمه:

فرمود: همانا خداوند متعال ، إباء و امتناع دارد نسبت به حقّ مگر آن که به اتمام و کمال برسد و باطل ، نابود و مضمحل گردد.

9- قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : إِنَّهُ لَمْ يَكُنْ لِاحِدٍ مِنْ آبَائِي اِلَّا وَقَدْ وَقَعَتْ فِي عُنُقِهِ بَيْعَةٌ لِطَاغُوتٍ زَمَانِهِ، وَ اِنِّي اءُخْرِجُ حِينَ اءُخْرِجُ وَلَا بَيْعَةَ لِاحِدٍ مِنَ الطَّوَاغِيتِ فِي عُنُقِي⁽⁸⁰⁾.

ترجمه:

فرمود: همانا پدران من (ائمه و اوصیاء علیهم السلام)، بیعت حاکم و طاغوت زمانشان ، بر ذمه آن ها بود؛ ولی من در هنگامی ظهور و خروج نمایم که هیچ طاغوتی بر من منت و بیعتی نخواهد داشت.

10- قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : اَنَا الَّذِي اءُخْرِجُ بِهَذَا السَّيْفِ فَاءَمْلًا اِلَى اَرْضٍ عَدْلًا وَ قِسْطًا كَمَا مُلِئْتُ ظُلْمًا وَ جَوْرًا⁽⁸¹⁾.

ترجمه:

فرمود: من آن کسی هستم که در آخر زمان با این شمشیر - ذوالفقار - ظهور و خروج می کنم و زمین را پر از عدل و داد می نمایم همان گونه که پر از ظلم و جور شده است.

11- قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : اتَّقُوا اللّٰهَ وَ سَلِّمُوا لَنَا، وَ رُدُّوْا اِلَيْنَا، فَعَلَيْنَا الْاَصْدَارُ كَمَا كَانَ مِنْ الْاَيْرَاءِ، وَ لَا تَحَاوِلُوا كَشْفَ مَا عُوْطِيَ عَنْكُمْ⁽⁸²⁾.

ترجمه:

فرمود: از خدا بترسید و تسلیم ما باشید، و امور خود را به ما واگذار کنید، چون وظیفه ما است که شما

را بی نیاز و سیراب نمائیم همان طوری که ورود شما بر چشمه معرفت به وسیله ما می باشد؛ و سعی نمائید به دنبال کشف آنچه از شما پنهان شده است نباشید.

- 12 قال علیه السلام : اءَمَا اَمْوَالُكُمْ فَلَا نَقْبُلُهَا إِلَّا لِتُطَهَّرُوا، فَمَنْ شَاءَ فَلْيَصِلْ، وَ مَنْ شَاءَ فَلْيَقْطَعْ⁽⁸³⁾.
ترجمه:

فرمود: اموال - خمس و زکوت - شما را جهت تطهیر و تزکیه زندگی و ثروتان می پذیریم ، پس هر که مایل بود بپردازد، و هر که مایل نبود نپردازد.

- 13 قال علیه السلام : اِنَّا نُحِيطُ عِلْمًا بِاَبَائِكُمْ، وَلَا يَغْرُبُ عَنَّا شَيْءٌ مِنْ اَخْبَارِكُمْ⁽⁸⁴⁾.
ترجمه:

فرمود: ما بر تمامی احوال و اخبار شما آگاه و آشنائیم و چیزی از شما نزد ما پنهان نیست.

- 14 قال علیه السلام : مَنْ كَانَتْ لَهُ إِلَى اللَّهِ حَاجَةٌ فَلْيَغْتَسِلْ لَيْلَةَ الْجُمُعَةِ بَعْدَ نِصْفِ اللَّيْلِ وَيَأْتِ مُصَلَّاهُ⁽⁸⁵⁾.
ترجمه:

فرمود: هر که خواسته ای و حاجتی از پیشگاه خداوند متعال دارد بعد از نیمه شب جمعه غسل کند و جهت مناجات و راز و نیاز با خداوند، در جایگاه نمازش قرار گیرد.

- 15 قال علیه السلام : يَابْنَ الْمَهْزِيَارِ! لَوْلَا اسْتِغْفَارُ بَعْضِكُمْ لِبَعْضٍ، لَهْلَكَ مَنْ عَلَيْهَا، إِلَّا خَوَاصَّ الشَّيْعَةِ الَّتِي تَشَبَّهُ اَقْوَالَهُمْ اءَفْعَالَهُمْ⁽⁸⁶⁾.
ترجمه:

فرمود: اگر طلب مغفرت و آمرزش بعضی شماها برای همدیگر نبود، هر کس روی زمین بود هلاک می گردید، مگر آن شیعیان خاصی که گفتارشان با کردارشان یکی است.

- 16 قال علیه السلام : وَاَمَّا قَوْلُ مَنْ قَالَ: إِنَّ الْحُسَيْنَ كَمْ يَمُتُ فَكُفْرٌ وَتَكْذِيبٌ وَضَلَالٌ⁽⁸⁷⁾.
ترجمه:

فرمود: و اما کسانی که معتقد باشند حسین زنده است و وفات نکرده ، کفر و تکذیب و گمراهی است .

- 17 قال علیه السلام : مِنْ فَضْلِهِ، اِنَّ الرَّجُلَ يَنْسَى السَّبِيحَ وَيُذِيرُ السَّبْحَةَ، فَيُكْتَبُ لَهُ السَّبِيحُ⁽⁸⁸⁾.

ترجمه:

فرمود: از فضائل تربت حضرت سیدالشهداء آن است که چنانچه تسبیح تربت حضرت در دست گرفته شود ثواب تسبیح و ذکر را دارد، گرچه دعائی هم خوانده نشود.

- 18 قال علیه السلام: فَمَنْ أَفْطَرَ يَوْمًا مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ مُتَعَمِّدًا بِجَمَاعٍ مُحَرَّمٍ أَوْ طَعَامٍ مُحَرَّمٍ عَلَيْهِ: إِنَّ عَلَيْهِ ثَلَاثُ كَفَّارَاتٍ⁽⁸⁹⁾.

ترجمه:

فرمود: کسی که روزه ماه رمضان را عمداً با چیز یا کار حرامی افطار - و باطل - نماید، (غیر از قضای روزه نیز) هر سه نوع کفاره (60 روزه، اطعام 60 مسکین، آزادی یک بنده) بر او واجب می شود.

- 19 قال علیه السلام: اءَلَا بُشْرُكَ فِي الْعِطَاسِ؟ قُلْتُ: بَلَى، فَقَالَ: هُوَ أَمَانٌ مِنَ الْمَوْتِ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ⁽⁹⁰⁾.

ترجمه:

نسیم خادم گوید: در حضور حضرت عطسه کردم، فرمود: می خواهی تو را بر فوائد عطسه بشارت دهم؟

عرض کردم: بلی.

فرمود: عطسه، انسان را تا سه روز از مرگ نجات می بخشد.

- 20 قال علیه السلام: مَلْعُونٌ مَلْعُونٌ مَنْ سَمَّانِي فِي مَخْفِلٍ مِنَ النَّاسِ.
(وَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَنْ سَمَّانِي فِي مَجْمَعٍ مِنَ النَّاسِ فَعَلَيْهِ لَعْنَةُ اللَّهِ⁽⁹¹⁾).

ترجمه:

فرمود: ملعون و مغضوب است کسی که نام اصلی مرا در جائی بیان کند.

و نیز فرمود: هر که نام اصلی مرا در جمع مردم بر زبان آورد، بر او لعنت و غضب خداوند می باشد.

- 21 قال علیه السلام: يَعْمَلُ كُلُّ امْرِئٍ مِنْكُمْ مَا يَقْرُبُ بِهِ مِنْ مَحَبَّتِنَا، وَلِكَيْتَجَنَّبَ مَا يُدْنِيهِ مِنْ كَرَاهِيَّتِنَا وَ سَخَطِنَا، فَإِنَّ امْرَأًا يَبْغَتْهُ فُجَاءَةٌ حِينَ لَا تَنْفَعُهُ تَوْبَةٌ، وَلَا يُنْجِيهِ مِنْ عِقَابِنَا نَدَمٌ عَلَى حُوبَةٍ⁽⁹²⁾.

ترجمه:

فرمود: هر یک از شما باید عملی را انجام دهد که سبب نزدیکی به ما و جذب محبت ما گردد؛ و باید

دوری کند از کرداری که ما نسبت به آن ، ناخوشایند و خشناک می باشیم ، پس چه بسا شخصی در لحظه ای توبه کند که دیگر به حال او سودی ندارد و نیز او را از عقاب و عذاب الهی نجات نمی بخشد.

- 22 قال عليه السلام : إِنَّ الْأَرْضَ رَضَتْ تَضِجُ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مِنْ بَوْلِ الْأَعْلَفِ اَرْبَعِينَ صَبَاحًا⁽⁹³⁾.
ترجمه :

فرمود: زمین تا چهل روز از ادرار کسی که ختنه نشده است ناله می کند.

- 23 قال عليه السلام : سَجْدَةُ الشُّكْرِ مِنْ أَلْزَمِ السُّنَنِ وَأَوْجِبِهَا⁽⁹⁴⁾.
ترجمه :

فرمود: سجده شکر پس از هر نماز از بهترین و ضروری ترین سنتها است.

- 24 قال عليه السلام : إِنِّي لَا مَانُ لِأَهْلِ الْأَرْضِ كَمَا أَنَّ النُّجُومَ أَمَانٌ لِأَهْلِ السَّمَاءِ⁽⁹⁵⁾.
ترجمه :

فرمود: به درستی که من سبب آسایش و امنیت برای موجودات زمینی هستم ، همان طوری که ستاره ها برای اهل آسمان امان هستند.

- 25 قال عليه السلام : قُلُوبُنَا أَوْعِيَةٌ لِمَشْيَةِ اللَّهِ، فَإِذَا شَاءَ شِئْنَا⁽⁹⁶⁾.
ترجمه :

فرمود: قلوب ما ظرف هائی است برای مشیت و اراده الهی ، پس هر گاه او بخواهد ما نیز می خواهیم.
- 26 قال عليه السلام : إِنَّ اللَّهَ مَعَنَا، فَلَا فَاقَةَ بِنَا إِلَى غَيْرِهِ، وَالْحَقُّ مَعَنَا فَلَنْ يُوحِشَنَا مَنْ قَعَدَ عَنَّا⁽⁹⁷⁾.
ترجمه :

فرمود: خدا با ما است و نیازی به دیگران نداریم ؛ و حق با ما است و هر که از ما روی گرداند باکی نداریم.

- 27 قال عليه السلام : مَا أَرْغَمَ أَنْفَ الشَّيْطَانِ بِشَيْءٍ مِثْلَ الصَّلَاةِ⁽⁹⁸⁾.
ترجمه :

فرمود: هیچ چیزی و عملی همانند نماز، بینی شیطان را به خاک ذلت نمی مالد و او را ذلیل نمی کند.
- 28 قال عليه السلام : لَا يَحِلُّ لِمَنْ لَا حَدَّ أَنْ يَتَصَرَّفَ فِي مَالِ غَيْرِهِ بِغَيْرِ إِذْنِهِ⁽⁹⁹⁾.

ترجمه:

فرمود: برای هیچکس جائز نیست که در اموال و چیزهای دیگران تصرف نماید مگر با اذن و اجازه صاحب و مالک آن.

29 - قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : فَضْلُ الدُّعَاءِ وَ التَّسْبِيحِ بَعْدَ الْفَرَائِضِ عَلَى الدُّعَاءِ بِعَقِيبِ النَّوَافِلِ كَفَضْلِ الْفَرَائِضِ عَلَى النَّوَافِلِ⁽¹⁰⁰⁾.

ترجمه:

فرمود: فضیلت تعقیب دعا و تسبیح بعد از نمازهای واجب نسبت به بعد از نمازهای مستحبی همانند فضیلت نماز واجب بر نماز مستحب می باشد.

30 - قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : اَفْضَلُ اَوْقَاتِهَا صَدْرُ النَّهَارِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ⁽¹⁰¹⁾.

ترجمه:

فرمود: (برای انجام نماز جعفر طیار) بهترین و با فضیلت ترین اوقات پیش از ظهر روز جمعه خواهد بود.

31 - قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : مَلْعُونٌ مَلْعُونٌ مَنْ اَخَّرَ الْعَدَاةَ إِلَى اَنْ تَنْقَضِيَ النُّجُومُ⁽¹⁰²⁾.

ترجمه:

فرمود: ملعون و نفرین شده است آن کسی که نماز صبح را عمداً تاخیر بیندازد تا موقعی که ستارگان ناپدید شوند.

32 - قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : اِنَّ اللَّهَ قَنَعَنَا بِعَوَائِدِ اِحْسَانِهِ وَ فَوَائِدِ اِمْتِنَانِهِ⁽¹⁰³⁾.

ترجمه:

فرمود: همانا خداوند متعال ، ما اهل بیت را به وسیله احسان و نعمت هایش قانع و خود کفا گردانده است.

33 - قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : اِنَّهُ لَيْسَ بَيْنَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ بَيْنَ اَخَدٍ قَرَابَةٍ، وَ مَنْ اءَنكَرَنِي فَلَيْسَ مِنِّي ، وَ سَبِيلُهُ سَبِيلُ ابْنِ نُوحٍ⁽¹⁰⁴⁾.

ترجمه:

فرمود: بین خداوند و هیچ یک از بندگانش ، خویشاوندی وجود ندارد - و برای هر کس به اندازه

اعمال و نیات او پاداش داده می شود - هر کس مرا انکار نماید از (شیعیان و دوستان) ما نیست و سرنوشت او همچون فرزند حضرت نوح خواهد بود.

- 34 قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : اءَمَا تَعْلَمُونَ اَنَّ الْاَرْضَ لَا تَخْلُو مِنْ حُجَّةٍ اِمَّا ظَاهِرًا وَاِمَّا مَغْمُورًا⁽¹⁰⁵⁾.

ترجمه:

فرمود: آگاه و متوجه باشید بر این که در هیچ حالتی، زمین خالی از حجت خداوند نخواهد بود، یا به طور ظاهر و آشکار و یا به طور مخفی و پنهان.

- 35 قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : اِذَا اُذِنَ اللّٰهُ لَنَا فِي الْقَوْلِ ظَهَرَ الْحَقُّ، وَاضْمَحَلَّ الْبَاطِلُ، وَانْحَسَرَ عَنْكُمْ⁽¹⁰⁶⁾.

ترجمه:

فرمود: چنانچه خداوند متعال اجازه سخن و بیان حقایق را به ما بدهد، حقایق آشکار می گردد و باطل نابود می شود و خفیان و مشکلات برطرف خواهد شد.

- 36 قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : وَاَمَّا وَجْهُ الْاُتْفَاعِ بِي فِي غَيْبَتِي فَكَالَاُتْفَاعِ بِالشَّمْسِ اِذَا غَيَّبَهَا عَنِ الْاَبْصَارِ السَّحَابُ⁽¹⁰⁷⁾.

ترجمه:

فرمود: چگونگی بهره گیری و استفاده از من در دوران غیبت همانند انتفاع از خورشید است در آن موقعی که به وسیله ابرها از چشم افراد ناپدید شود.

- 37 قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : وَاَجْعَلُوا قَصْدَكُمْ اِلَيْنَا بِالْمَوَدَّةِ عَلَى السُّنَّةِ الْوَاضِحَةِ، فَقَدْ نَصَحْتُ لَكُمْ، وَاللّٰهُ شَهِدٌ عَلَيَّ وَ عَلَيْكُمْ⁽¹⁰⁸⁾.

ترجمه:

فرمود: هدف و قصد خویش را نسبت به محبت و دوستی ما - اهل بیت عصمت و طهارت - بر مبنای عمل به سنت و اجراء احکام الهی قرار دهید، پس همانا که موعظها و سفارشات لازم را نموده ام؛ و خداوند متعال نسبت به همه ما و شما گواه می باشد.

- 38 قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : اءَمَا ظُهُورُ الْفَرَجِ فَاِنَّهُ اِلَى اللّٰهِ، وَ كَذَبَ الْوَقَاتُونُ⁽¹⁰⁹⁾.

ترجمه:

فرمود: زمان ظهور من مربوط به اراده خداوند متعال می باشد و هر کس زمان آن را معین و معرفی

کند دروغ گفته است.

- 39 قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: اءْ كَثُرُوا الدُّعَاءَ بِتَعْجِيلِ الْفَرَجِ، فَإِنَّ ذَلِكَ فَرَجُكُمْ⁽¹¹⁰⁾.

ترجمه:

فرمود: برای تعجیل ظهور من - در هر موقعیت مناسبی - بسیار دعا کنید که در آن فرج و حلّ مشکلات شما خواهد بود.

- 40 دَفَعَ إِلَى دَفْتَرٍ فِيهِ دُعَاءُ الْفَرَجِ وَ صَلَاةٌ عَلَيْهِ، فَقَالَ: فَبِهَذَا فَادْعُ⁽¹¹¹⁾.

ترجمه:

یکی از مؤمنین به نام ابومحمد، حسن بن وجناء گوید: زیر ناودان طلا در حرم خانه خدا بودم که حضرت ولی عصر امام زمان (عج) ل الله تعالی فرجه الشریف را دیدم، دفتری را به من عنایت نمود که در آن دعای فرج و صلوات بر آن حضرت بود. سپس فرمود: به وسیله این نوشته ها بخوان و برای ظهور و فرج من دعا کن و بر من درود و تحیت بفرست.

و آن دعا بر حسب مشهور چنین نقل شده است:

((اللَّهُمَّ كُنْ لَوْلِيَّكَ فُلَانٌ بِنِ فُلَانٍ)) الْحُجَّةُ بْنُ الْحَسَنِ الْعَسْكَرِيُّ ((صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَ عَلَى آبَائِهِ فِي هَذِهِ السَّاعَةِ وَ فِي كُلِّ سَاعَةٍ، وَلِيًّا وَ حَافِظًا وَ قَاعِدًا وَ نَاصِرًا وَ دَلِيلًا وَ عَيْنًا حَتَّى تُسْكِنَهُ اَرْضَكَ طَوْعًا وَ تُمَتِّعَهُ فِيهَا طَوِيلًا⁽¹¹²⁾)).

زمین خالی از حجت نمی ماند

در جهان بینی مکتب اهل بیت علیهم السّلام انسان بدون امام معصوم، و زمین خالی از حجت بحق الهی، نخواهد ماند؛ چرا که بدون امام معصوم هدایت و کمال صحیح و شایسته انسانی میسر نخواهد شد. بعلاوه حفظ نظام هستی به برکت وجود حجت های خداوند است. بر این حقیقت در جای جای روایات رسول اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار علیهم السّلام به شیوه های مختلف تصریح شده است. منتهی گاهی زمینه و شرایط برای حضور علنی و آشکار امام علیه السلام فراهم است در نتیجه او به گونه ای که همه مردم او را می شناسند و به او دسترسی دارند در میان آن ها زندگی می کند، اما در شرایط خاصی به جهت وجود خطرات جانی یا مصالح دیگری که خداوند به آنها عالم تر است مشیت الهی اقتضاء می نماید که امام علیه السلام پنهان از چشم مردم زندگی کند. در این باره روایات زیادی نقل شده است. جهت آشنایی بیشتر با این موضوع به ذکر دو حدیث از روایات حضرت علی علیه السلام اکتفا می شود.

– عن علی علیه السلام قال: اللهم انه لابدّ لارضك من حجة لك على خلقك، يهديهم الى دينك و يعلمهم علمك لئلا تبطل حجّتك و لا يضلّ أتباع أوليائك بعد از هدیتهم به اما ظاهر لیس بالمطاع او مکتّم مترقّب، ان غاب عن النّاس شخصه في حال هدایتهم فانّ علمه و آدابه في قلوب المؤمنین مشته، فهم بها عاملون. ۱ [3]

بار خدایا! همواره باید در روی زمین تو حجتی برای بندگانت داشته باشی تا خلق را به دینت راهنمایی کند، و علم تو را به آنها بیاموزد تا حجت تو تباه نشود و پیروان اولیاء تو بعد از آنکه آنها را هدایت کرده ای دوباره گمراه نگردند. [حجت تو] یا ظاهر و آشکار خواهد بود که اطاعت او را نمی کنند و یا از دیده ها نهان خواهد بود که مردم در انتظار او به سر می برند. اگر شخص و جسم او در حال هدایت مردم از آنان غائب باشد علم و آدایش در قلب های عاشقان حق پایدار است و آنها به آن علم و آداب پایبند هستند و به آن عمل می کنند.

– اللَّهُمَّ بَلِّ لا تَخْلُو الارض من قائمٍ لِلَّهِ بِحُجَّةٍ: اَمَّا ظاهراً مشهوراً و اَمَّا خائفاً مَغْموراً لثلاثاً تَبْطُلُ حُجَجُ اللَّهِ و بَيِّناتُهُ و كَمَ ذَا و اَيْنَ؟ اولئك وَاللَّهِ الاَقْلَوْنَ عِدداً و الاعظمون عندالله قدراً يحفظُ الله بهم حُجَجَهُ و بَيِّناتِهِ... اولئك خلفاء الله في ارضِهِ و الدِّعَاةُ الى دينِهِ. ۱ [4]

... بارخدایا آری! زمین از امامی که قیام بر حق کند خالی نخواهد ماند. او یا آشکار و شناخته شده است یا ترسان و پنهان است تا حجت‌ها و دلیل‌های روشن خدا (یعنی اصول و احکام دین و تعالیم انبیاء) از بین نرود. اما اینکه ایشان چند نفرند و کجایند؟ به خدا سوگند از نظر تعداد آن‌ها بسیار کم هستند ولی از جهت منزلت و بلندمرتبه‌گی در نزد خداوند بسیار بزرگوارند. خداوند به وسیله ایشان حجت‌ها و دلیل‌های روشن خود را حفظ می‌کند... آنان خلفا و نمایندگان خدا در روی زمین هستند و مردم را به سوی دین و احکام و مقررات او دعوت می‌کنند...

نسب حضرت مهدی علیه السلام

در لابلائی سخنان علی بن ابیطالب علیه السلام روایات زیادی در زمینه معرفی نسب امام زمان علیه السلام به چشم می‌خورد که به یک بیان مجموعه این قبیل از روایات به سه دسته تقسیم می‌شوند. در بخشی از آنها او را فرزند خودشان معرفی می‌کنند، در قسمتی دیگر آن حضرت را از فرزندان حضرت فاطمه علیها السلام و بالاخره در دسته‌ای از روایات حضرت مهدی علیه السلام را از اولاد امام حسین علیه السلام معرفی کرده‌اند.

– عن ابي جعفر محمد بن علي عليه السلام قال: خطب امير المؤمنين علي بن ابيطالب عليه السلام بالكوفة بعد منصرفه من النهروان... فحمد الله و اثنى عليه و صلى على رسول الله صلى الله عليه و آله و ذكر ما انعم الله على نبيه و عليه ثم قال: ...و من وُلْدِي مهدى هذه الأمة [5]

امام محمد باقر علیه السلام می‌فرماید: امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام وقتی که از جنگ نهروان به کوفه برگشتند برای مردم خطبه‌ای خواندند... در آن خطبه نخست خدا را سپاس گفتند و درود به روان پیامبر صلی الله علیه و آله فرستادند و نعمت‌هایی را که خداوند به رسولش و بر خود آن

حضرت عنایت کرده است یکی یکی شمردند سپس در ادامه فرمودند: از جمله نعمت‌های خداوند بر من آن است که مهدیّ این امت از فرزندان من است.

- عن زربن حبیش سمع علیاً [علیه السلام] يقول: المهدیّ رجلٌ منّا منْ وُلد فاطمةً.
[6] ۵۴

زربن حبیش شنید که علی بن ابیطالب علیه السلام می‌فرمود: مهدی مردی از ما اهل بیت و از فرزندان حضرت فاطمه زهرا است.

- ... عن علی بن موسی الرضا علیه السلام عن ابيه... عن ابيه امير المؤمنين علی بن ابیطالب علیه السلام انه قال: التاسع منْ وُلد لك يا حُسَيْنُ هُوَ الْقَائِمُ بِالْحَقِّ ... ۵۵ [7]

... حضرت امام رضا علیه السلام از پدر بزرگوارش موسی بن جعفر علیه السلام و او نیز از پدرش... او از امام حسین علیه السلام و آن حضرت از امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام روایت کرده است که آن حضرت خطاب به امام حسین علیه السلام فرمودند: نهمین فرزند تو ای حسین! قائم بر حق (مهدی علیه السلام) است...

- عن ابن العیاش قال: حدّثنی الشیخ الثقة ابو الحسن بن عبد الصمد بن علی... عن نوح بن دراج عن یحیی عن الاعمش ... انهم كانوا عند علی بن ابیطالب علیه السلام... و اذا اقبل الحسن علیه السلام يقول: بأبی انت یا ابا ابن خیرة الاماء. فقیل یا امیرالمؤمنین ما بالك؟ تقول هذا للحسن و هذا للحسین علیه السلام؟ و من ابن خیرة الاماء؟ فقال: ذاك الفقید الطرید الشرید م-ح-م-د بن الحسن بن علی بن محمد بن علی بن موسی بن جعفر بن محمد بن علی بن الحسن هذا و وضع یدہ علی رأس الحسین علیه السلام. ۵۶ [8]

54 [6] ملاحم ابن طاووس، ص 175 ح 203 كنز العمال، ج 14 ص 591 ح 39675.

55 [7] کمال الدین، ج 1 ص 304 اثبات الهداة، ج 6 ص 395

56 [8] بحار الانوار، ج 51 ص 110 و 111

ابن عیاش در کتاب مقتضب می گوید: شیخ ابوالحسین بن عبدالصمد بن علی از نوح بن دراج و چند نفر دیگر نقل کرد که آن‌ها در حضور امیرالمؤمنین علیه السلام بودند، وقتی امام حسین علیه السلام وارد شد حضرت به ایشان فرمودند: پدرم به قربان پدر فرزند بهترین کنیزها! به آن حضرت گفته شد: یا امیرالمؤمنین عَلیّ چیست که برای امام حسین علیه السلام این تعبیر را به کار می‌برید؟ فرزند بهترین کنیزها کیست؟ حضرت علی علیه السلام در جواب فرمودند: او گمشده‌ای است که از نزدیکان و خویشاوندان و وطن خود دور است، نام او م-ح-م-د فرزند حسن بن علی بن محمد بن علی بن موسی بن جعفر بن محمد بن علی بن الحسین است؛ در این هنگام دست خود را بر سر مبارک امام حسین علیه السلام نهاده فرمودند: همین حسین علیه السلام.

خاندان مهدی علیه السلام

امیرالمؤمنین علیه السلام در معرفی خاندان حضرت مهدی علیه السلام از تعبیر زیادی استفاده کرده‌اند و هر یک از آن‌ها به گوشه‌ای از واقعیت دلالت دارند که در مجموع به همراه توصیفات دیگری که از سایر ائمه علیهم السّلام نقل شده است به طور کامل شخصیت امام عصر علیه السلام را به انسان‌ها می‌شناسانند. به عنوان مثال در یک جا می‌فرمایند: آن حضرت از قریش است. در مورد دیگر وی را از بنی‌هاشم معرفی می‌کنند. در ضمن یکی دیگر از سخنانشان او را از عترت پیامبر صلی الله علیه و آله می‌خوانند و... که هر کدام از این عبارات به بُعد خاصی از شخصیت امام زمان علیه السلام دلالت دارند و در نتیجه این اختلاف در الفاظ و عبارات با یکدیگر منافاتی ندارند و همه آن‌ها اوصاف یک حقیقت نورانی را روشن می‌کنند.

- عن الحسين بن علي عليه السلام قال: جاء رجل الى امير المؤمنين عليه السلام فقال له: يا امير المؤمنين نبأنا بمهديكم هذا؟ فقال: اذا درج الدارجون و قلّ المؤمنون و ذهب المجلبون فهناك. فقال: يا امير المؤمنين عليك السلام ممّن الرجل؟ فقال عليه السلام: من بنی‌هاشم من ذروه طود العرب... ۵۷ [9]

از حسین بن علی علیه السلام نقل شده است که آن حضرت فرمود: شخصی خدمت علی علیه السلام آمد و به آن حضرت گفت: ای امیرمؤمنان برای ما از مهدی علیه السلام سخن بگو. علی بن ابیطالب علیه السلام فرمودند: هنگامی که رفتنی‌ها بروند و اهل ایمان کم شوند و آشوبگران و جنگ طلبان نابود گردند، در چنین شرایطی او ظهور خواهد کرد. آنگاه همان شخص عرضه داشت یا امیرالمؤمنین! درود و سلام بر تو باد، حضرت مهدی علیه السلام از کدام طایفه است؟ حضرت فرمودند: او از بنی هاشم است که بهترین طایفه عرب و قُلّه شرف و جوانمردی به حساب می‌آید.

- ... عن ابن زریر الغافقی، سمع علیاً علیه السلام یقول هو من عترۃ النبی صلی الله علیه و آله ۵۸ [10]

نقل شده است که ابن زریر غافقی شنید که علی بن ابیطالب علیه السلام می‌فرمایند: مهدی علیه السلام از عترت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است.

- قال علی بن ابی طالب علیه السلام : هو فتیّ من قریش... ۵۹ [11]

علی بن ابیطالب علیه السلام فرمودند: او (حضرت مهدی علیه السلام) از قبیله قریش... است.

نام مبارک مهدی علیه السلام

در مجموعه سخنان حضرت علی علیه السلام با روش‌های مختلفی از نام مبارک امام زمان علیه السلام یاد می‌شود. در یک مورد تصریح به نام آن حضرت غیر جایز دانسته شده است. در مورد دیگر از آن با اشاره سخن به میان می‌آید و بالاخره در مورد دیگر به صراحت نام مخصوص بیان می‌شود.

- ... عن جابر بن یزید الجعفی قال: سمعت ابا جعفر علیه السلام یقول: سأل عمر امیرالمؤمنین علیه السلام عن المهدی فقال: یا ابن ابی طالب اخبرنی عن المهدی ما اسمُهُ؟ قال علیه السلام : اما اسمُهُ فلا، انّ حبیبی و خلیلی عهدَ الیّ ان لا اُحدّث باسمِهِ حتّی یبعثه الله عزّوجلّ و هو ممّا استودع الله عزّوجلّ رسوله فی علمه. ۶۰ [12]

58 [10] فتن ابن حماد، 264 ح 1043 ط دار الکتب العلمیة؛ ملاحم ابن طاووس، ص

320 ح 459 ط مؤسسه صاحب الامر علیه السلام .

59 [11] ملاحم ابن طاووس، ص 155 ح 193

60 [12] کمال الدین، ج 2 باب 56 ص 648

جابر بن یزید جعفی می گوید: از امام باقر علیه السلام شنیدم که می فرمود: روزی عمر بن خطاب به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: ای پسر ابوطالب! نام مهدی چیست؟ آنرا برای من بیان کن. علی علیه السلام فرمود: اسم او را نمی گویم، چون حبیب و خلیل من (رسول اکرم صلی الله علیه و آله) با من عهد کرده است اسم او را برای کسی بیان نکنم تا اینکه خداوند وی را مبعوث و ظاهر گرداند و این از اموری است که خداوند عزوجل علم آن را نزد پیامبرش امانت و ودیعه نهاده است.

- ...عن علی بن ابیطالب علیه السلام قال: المهدی مولدٌ بالمدينة من اهل بیت النبى اسمه اسم نبي... ۶۱ [13]

علی بن ابیطالب علیه السلام فرمودند: مهدی در مدینه به دنیا می آید. او از اهل بیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است. و هم اسم با یکی از پیامبران است...

در یکی از اشعار منسوب به حضرت علی علیه السلام در این باره آمده است:

فثم يقوم القائم الحق منكم و بالحق ياتیکم و بالحق يعمل
سمى نبي الله نفسی فدائه فلا تخذلوه یا بنی و عجلوا ۶۲ [14]

سپس آن قیام کننده بر حق، از میان شما قیام خواهد کرد. او حق را خواهد آورد و به آن عمل خواهد کرد.

جانم فدای او که همان رسول خدا صلی الله علیه و آله است. ای فرزندان من! به یاری او بشتابید، مبدا او را بی یار و یاور رها سازید.

- عن علی علیه السلام قال: اسم المهدی محمد ۶۳ [15]

حضرت علی علیه السلام فرمود: اسم حضرت مهدی علیه السلام محمد است.

[13] 61 عقدالدرر، ص 64 عرف السیوطی، الحاوی، ج 2 ص 73

[14] 62 بحارالانوار، ج 51 ص 132

[15] 63 برهان المتقی، ص 101 ح 8.

سیمای مهدی علیه السلام

به خصوصیات جسمانی و ویژگیهای بدنی حضرت مهدی علیه السلام در بخشی از روایات حضرت علی علیه السلام اشاره می شود. در یکی از این روایات بطور کلی این ویژگیها بیان شده تا آنجا که می فرماید آن حضرت در خلقت خود شبیه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است، اما در تعدادی دیگر از روایات به توصیف خصوصیات چهره و اعضاء بدن امام زمان علیه السلام می پردازد.

حضرت علی علیه السلام در توصیف ویژگیهای جسمی مهدی علیه السلام فرمودند:

... فقال عليه السلام: رجلٌ أجلى الجبين، اقنى الأنف، ضخم البطن، اذيل الفخذين، ابلج الثنايا، بفخذه اليمنى شامة. ۶۴ [16]

او مردی است که پیشانی اش گشاد و درخشان است، بینی او خوش تراش و شکمش نسبتاً بزرگ و رانهایش عریض می باشد. دندانهای سفید و درخشان دارد، و در ران سمت راست او علامتی هست.

اوصاف مهدی علیه السلام

در دسته ای از روایات علی بن ابیطالب علیه السلام به اوصاف و ویژگی های روحی و اخلاقی امام زمان علیه السلام پرداخته می شود که از جمله آنهاست:

... ثم رجع الى صفة المهدى عليه السلام فقال: اوسعكم كهفا و اكثركم علما و

اوصلكم رحما، اللهم فاجعل بيعته خروجا من الغمة و اجمع به شمل الامة... ۶۵ [17]

حضرت علی علیه السلام در ادامه یکی از سخنانشان به تبیین صفات حضرت مهدی علیه السلام پرداخته، فرمودند: آستانه او در پناه دهی به بی پناهان از همه آستانه ها وسیع تر، و علم و دانش آن حضرت از همه زیاده تر است و از همه مردم بیشتر به صله ارحام و پیوند با خویشاوندان توجه می نماید. پروردگارا! بیعت او را پایان بخش همه اندوه ها قرار بده و تفرق و پراکندگی امت اسلامی را به دست با کفایت آن حضرت به یگانگی مبدل فرما...

... عن اصبع بن نباته قال: سمعت امير المؤمنين عليه السلام يقول: صاحب هذا الامر

الشريد الطريد الفرید الوحيد. ۶۶ [18]

[16] 64 منتخب الاثر، ص 151 ح 30

[17] 65 غيبة نعمانی، ص 212 - 214، بحار الانوار، ج 51 ص 115

اصبغ بن نباته می گوید: شنیدم که امیرالمؤمنین علیه السلام می فرمود: صاحب الامر (مهدی علیه السلام) کسی است که در سرزمین های دور دست ساکن می شود و از میان مردم کناره می گیرد و به تنهایی زندگی می کند.

غیبت امام زمان علیه السلام

یکی از پیشامدهای بسیار مهم زندگی حضرت مهدی علیه السلام واقع شدن غیبت می باشد که در دو مرحله انجام گرفته است. اولی بنام غیبت صغری معروف است که از سال 260 هجری یعنی از زمان شهادت امام عسکری علیه السلام آغاز شد و تا سال 329 هجری ادامه داشت و از این سال به بعد دوره غیبت کبری آغاز می شود که تاکنون نیز ادامه دارد. در رهنمودهای امیرالمؤمنین علیه السلام به این موضوع و وقایعی که در این دوره پیش خواهد آمد نیز اشاره شده است. در ضمن روایتی که آن را حضرت عبد العظیم حسنی؛ با سلسله سند از علی بن ابیطالب علیه السلام نقل می کند چنین وارد شده است:

... عن امیرالمؤمنین علیه السلام قال: للقائم منّا غیبة امدھا طویل کانی بالشیعة

يجولون جولان النعم فی غیبتھ یطلبون المرعی فلا یجدونه، ألا فمن ثبت منهم علی دینه و لم یقس قلبه لطول امد غیبة امامه فهو معی فی درجتی يوم القيامة. ٦٧ [19]

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: برای قائم ما غیبتی هست که مدت آن طولانی خواهد شد. شیعیان را در این زمان می بینم که همانند گله بی صاحبی که در دشت پراکنده شده باشند به دنبال چراگاه و مرتع می گردند ولی آن را پیدا نمی کنند [به جستجوی آن حضرت می پردازند ولی او را نمی یابند]. آگاه باشید! در این دوره هر کسی از آنها (شیعیان) در دین و عقیده خود استوار و ثابت قدم بماند و قلبش به جهت طولانی شدن غیبت امامش قساوت پیدا نکند، او روز قیامت در نزد من و در جایگاهی که من هستم خواهد بود.

... عن الاصبغ بن نباته عن امیرالمؤمنین علیه السلام انه ذکر القائم علیه السلام

فقال: أما لیغیننّ حتی یقول الجاهل: ما لله فی آل محمد حاجة. ٦٨ [20]

[18] کمال الدین، ج 1 ص 303 اثبات الهداة، ج 3 ص 571

[19] کمال الدین، ج 1 ص 303 ح 14

از اصبح بن نباته نقل شده است که امیرالمؤمنین علیه السلام روزی حضرت قائم علیه السلام را یاد کردند و فرمودند: آگاه باشید! او غیبتی (طولانی) خواهد داشت به گونه‌ای که نادانان (به مصالح الهی) بگویند: خداوند را در آل محمد صلی الله علیه و آله برنامه‌ای نیست. (یعنی افراد نادان به جهت طولانی شدن دروه غیبت از ظهور آن حضرت مأیوس و ناامید خواهند شد).

علت غیبت امام زمان علیه السلام

برای غیبت امام عصر علیه السلام علت و حکمت‌های زیادی در مجموعه روایات اهل بیت علیهم السلام ذکر شده است. در روایات امیرالمؤمنین علیه السلام حداقل به سه علت اشاره شده است؛ یعنی شناخته شدن اهل هدایت از اهل گمراهی و ضلالت، و نداشتن بیعت ظاهری هیچ‌یک از سلاطین، و کوتاهی و ناسپاسی و ظلم مردم به عنوان فلسفه غیبت بیان گردیده است.

– **إِنَّ الْقَائِمَ مَتَّأ إِذَا قَامَ لَمْ يَكُنْ لِأَحَدٍ فِي عُنُقِهِ بَيْعَةٌ فَلِذَلِكَ تَخْفَى وَلَادَتُهُ وَغَيْبُ**

شخصه ۶۹ [21]

همانا قائم از ما آنگاه که قیام کند بیعت کسی در گردن او نخواهد بود و به همین خاطر است که تولد او به صورت پنهانی واقع خواهد شد و وجود او از دید و نظر مردم غایب خواهد بود.

– **...فَقَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ...أَمَّا وَاللَّهِ لَأَقْتُلَنَّ أَنَا وَابْنَايَ هَذَانِ وَلِيَبْعَثَنَّ اللَّهُ رَجُلًا مِنْ وَلَدِي فِي آخِرِ الزَّمَانِ يَطْلُبُ بَدْمَانَنَا وَلِيُغَيِّبَنَّ عَنْهُمْ تَمَيِّزًا لِأَهْلِ الضَّلَالَةِ حَتَّى يَقُولَ الْجَاهِلُ مَا لِلَّهِ فِي آلِ مُحَمَّدٍ مِنْ حَاجَةٍ.** ۷۰ [22]

امیر مؤمنان علیه السلام در حالیکه امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام حضور داشتند خطاب به مردم فرمودند: ای مردم! آگاه باشید، سوگند به خدا من و این دو فرزندم به قتل خواهیم رسید. آن گاه خداوند شخصی از فرزندان مرا در آخر الزمان ظاهر خواهد کرد تا خون ما را از ستمگران طلب کند. او از دیده مردم غایب خواهد بود تا اهل ضلالت و گمراهی از دیگران شناخته

⁶⁸ [20] کمال الدین، ج 1 ص 302 ح 9.

⁶⁹ [21] بحار الانوار، ج 51 ص 109 و 110 ح 1

⁷⁰ [22] غیبت نعمانی، ص 140 و 141

شوند و این غیبت به قدری طولانی خواهد شد که مردمان نادان خواهند گفت: خداوند برنامه‌ای در آل محمد صلی الله علیه و آله ندارد.

– ...ان امیر المؤمنین علیه السلام قال علی منبر الکوفه...: واعلموا ان الارض لا تخلو من حجة لله و لكن الله سيعمى خلقه منها بظلمهم و جورهم و اسرافهم على انفسهم [23] ۷۱

... مفضل بن عمر از امام صادق علیه السلام روایت کرده است که آن حضرت فرمود: روزی امیر المؤمنین علیه السلام در بالای منبر مسجد کوفه فرمودند: ...ای مردم! بدانید زمین هرگز از حجت خدا (امام معصوم) خالی نخواهد ماند. اما خداوند متعال به زودی مردم را به خاطر ظلم و ستم و همینطور اسراف‌ی که در حق خودشان انجام می‌دهند از دیدن حجت الهی محروم خواهد کرد. [یعنی مردم به جهت اعمال خودشان در آینده از دیدن امام معصوم محروم خواهند شد]

فضیلت انتظار فرج

همانطور که پیش از این اشاره شد در دوره غیبت امام زمان علیه السلام مشکلات و پیشامدهای سختی بوقوع می‌پیوندد به گونه‌ای که اعتقادات بسیاری از مردم در نتیجه این امور متزلزل می‌شود. جهت جلوگیری از دچار شدن به این قبیل خطرات، هشدارهای زیادی توأم با روشنگریهای لازم در رهنمودهای اهلبیت علیهم السلام داده شده است که به دو نمونه از آنچه در این زمینه در مجموعه روایات علی بن ابیطالب علیه السلام وارد شده است اشاره می‌گردد.

– عن محمد بن مسلم عن ابي عبد الله عليه السلام قال: ...قال علي عليه السلام: ...انتظروا الفرج و لا تيأسوا من روح الله، فان احبّ الاعمال الى الله عزّ وجلّ انتظار الفرج... و المنتظر لأمرنا كالمُتَشَحِّطِ بدمه في سبيل الله. ۷۲ [24]

محمد بن مسلم از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که آن حضرت از پدران بزرگوارش و آنها از علی علیه السلام روایت کردند که علی بن ابیطالب علیه السلام فرمودند: منتظر فرج [امام زمان علیه

^[23] 71 بحار الانوار، ج 51 ص 112 و 113 ح 8

^[24] 72 الخصال، ج 2 ص 740 حدیث اربعمأة، ط انتشارات علمیه اسلامیه.

السلام] باشید و از عنایت و توجهات خداوند ناامید نشوید. همانا محبوب‌ترین کارها در نزد خداوند عزوجل انتظار فرج [امام زمان علیه السلام] است.

آنگاه در ادامه بیان فضیلت انتظار فرمودند:

کسی که منتظر امر ما (فرج امام زمان علیه السلام) باشد، مانند رزمنده‌ای است که در راه خداوند به خون خود آغشته شده باشد (اجر و پاداش شهید را دارد).

- قال زید بن صوحان العبدی: یا امیرالمؤمنین! أی الاعمال احبّ الی الله عزوجل؟ قال علیه السلام: انتظار الفرّج من اعظم الفرّج. ۷۳ [25]

زید بن صوحان عبدی گفت: یا امیرالمؤمنین! کدامیک از اعمال در نزد پروردگار عالم محبوب‌تر است؟ حضرت فرمودند: انتظار فرج.

احوال مردم آخرالزمان

شاید بتوان گفت که بیشترین مطالب مربوط به معارف امام زمان علیه السلام که از زبان حضرت علی علیه السلام نقل شده است به تبیین اوضاع آخرالزمان و وقایعی که در آن دوره پیش می‌آید اختصاص دارد. آن حضرت ضمن تشریح آن پیشامدها چگونگی مقابله با آنها را نیز بیان می‌نماید. این حوادث شامل مسایل فرهنگی و اجتماعی و اخلاقی و تربیتی و طبیعی می‌گردد. از آنجا که کم و بیش خیلی از این ویژگی‌ها در دوره ما حداقل در بعضی از عرصه‌ها به چشم می‌خورد، جهت آشنایی بیشتر و چاره‌اندیشی مناسب‌تر به مواردی از آنها اشاره می‌شود. بدان امید که موجب تنبه و بیداری مان شده و از طریق آشنا شدن با این امور پیشاپیش تدابیری را اتخاذ کنیم که از عوارض منفی آنها خود و جامعه‌مان را در امان نگه داریم.

- یأتی علی الناس زمان لا یُقَرَّبُ فیهِ الاّ الماحِلُ و لا یُظَرَّفُ فیهِ الاّ الفاجِرُ، و لا یُضَعَّفُ فیهِ الاّ المُنْصِفُ، یُعَدُّونَ الصَّدَقَةَ فیهِ غُرْمًا، و صِلَةُ الرَّحِمِ مَنًّا، و العبادَةُ اسْتِطَالَةً علی الناس! فَعِنْدَ ذَلِکَ یَکُونُ السُّلْطَانُ بِمَشُورَةِ الْاِمَاءِ و اِمَارَةُ الصِّبْیَانِ و تَدْرِیرُ الْخِصْیَانِ. ۷۴

[26]

[25] 73 بحار الانوار، ج 52 ص 122

[26] 74 نهج البلاغه فیض الاسلام، حکمت 98 ص 1132

روزی خواهد آمد که در آن سخن چین‌ها مقرب خواهند شد و افراد بدکار، زیرک خوانده می‌شوند، افراد با انصاف را ناتوان به حساب می‌آورند، صدقه و انفاق در راه خدا را غرامت پندارند، و صله رحم و آمد و شد با خویشاوندان را با منت انجام می‌دهند، و بندگی و اطاعت خدا را وسیله فخر فروشی برای مردم قرار می‌دهند. در چنین زمانی حکومت با مشورت زنان و امارت کودکان و تدبیر خواجه گان انجام می‌گیرد.

- روی اصبع بن نباته عن امیرالمؤمنین علیه السلام قال: سمعته يقول: يظهر في آخر الزمان و اقتراب الساعة و هو شرّ الازمنة نسوة كاشفات عاریات متبرجات، من الدین خارجات، و الى الفتن مائلات، و الى الشهوات و اللذات مسرعات، للمحرمات مستحلات، و فی جهنم خالدات. ۷۵ [27]

اصبع بن نباته می‌گوید: شنیدم که امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: در آخر الزمان که بدترین زمانهاست در موقعی که روز قیامت نزدیک شود زنانی ظاهر می‌شوند بدون حجاب، در حالی که زینت‌های آن‌ها پیداست در انظار عمومی رفت و آمد می‌کنند، آن‌ها از دین خارج می‌گردند (به احکام دینی پایبند نمی‌باشند) و به امور فتنه‌انگیز وارد می‌شوند و به سوی شهوات و لذت‌جویی‌ها روی می‌آورند، حرام‌های خدا را حلال می‌شمارند. اینگونه از زنان در جهنم خواهند ماند.

- و فقهاؤهم یفتون بما یشتهون، و قضائهم یقولون ما لا یعلمون و اکثرهم بالزور یشهدون! من کان عنده دراهم کان موقراً مرفوعاً و من یعلمون انه مقلّ فهو عندهم موضوع ۷۶ [28]

فقیهان آخر الزمان طبق آنچه که دلشان بخواهد فتوا می‌دهند، و قاضی‌هایشان به چیزی که نمی‌دانند حکم می‌کنند و بیشتر آن‌ها به دروغ شهادت می‌دهند. کسی که پول دارد در نزد آن‌ها عزیز و محترم است، ولی شخصی که بی‌پول باشد در پیش آن‌ها زبون و حقیر است.

- عن النزال بن سبرة قال خطبنا علی بن ابیطالب علیه السلام فحمد الله و اثنی علیه، ثم قال: سلونی ایها الناس قبل ان تفقدونی ثلاثاً فقام الیه صعصعة بن صوحان، فقال: یا

^[27] 75 منتخب الاثر، ص 426 ح 4 ط مكتبة الصدر.

^[28] 76 بشارة الاسلام، ص 80 ط دار الكتب الاسلامی؛ الزام الناصب، ص 185 ط مؤسسه

مطبوعاتی حق بین، با کمی اختلاف، به نقل از روزگار رهایی.

امیرالمؤمنین! متى يخرج الدجال؟! فقال عليه السلام احفظ! فان علامة ذلك اذا امات الناس الصلاة، واضاعوا الامانة و استحلوا الكذب، و اكلوا الربا، و اخذوا الرشا، و شيدوا البنيان و باعوا الدين بالدنيا و استعملوا السفهاء و شاوروا النساء، و قطعوا الارحام، و اتبعوا الاهواء و استخفوا بالدماء و كان الحلم ضعفاً، و الظلم فخراً...^[29] ۷۷

نزال بن سمره می گوید: علی بن ابیطالب علیه السلام برای ما خطبه ای خواند و خداوند را حمد گفته و ستایش کرد، سپس فرمود: قبل از آنکه من از میان شما بروم از من سؤال کنید (این جمله را سه مرتبه تکرار کرد) در این موقع صعصعه بن صوحان از جای خود بلند شد و گفت: یا امیرالمؤمنین! دجال در چه زمانی خروج می کند؟

...حضرت فرمود: آنچه را می گویم به خاطر بسپار! دجال وقتی ظهور خواهد کرد که مردم نماز را ترک کنند و امانت را ضایع سازند و دروغ گفتن را مباح شمارند و رباخواری کنند و رشوه بگیرند و ساختمان ها را محکم سازند و دین را به دنیا بفروشند و سفیهان را به کار بگمارند و با زنان مشورت نمایند (در آن مواردی که خارج از عهده آنهاست) و صله ارحام را قطع کنند و از هوی و هوس ها پیروی کنند و خون یکدیگر را ناچیز بشمارند. حلم و بردباری را نشانه و علامت ضعف و ناتوانی بدانند و ستم را افتخار به حساب آورند...

- عن علی علیه السلام قال: يأتي على الناس زمان همتهم بطونهم، و شرفهم متاعهم و قبلتهم نساؤهم و دينهم دراهمهم و دنایرهم، اولئك شرار الخلق، لا خلاق لهم عند الله.^[30] ۷۸

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: برای مردم زمانی خواهد آمد که در آن زمان همّت و هدف آنها شکمشان خواهد بود. شرف و اعتبارشان به کالا و اموالشان بستگی دارد. قبله آنها زنانشان و دینشان درهم و دینارشان (پولشان) است. آنها بدترین مردمند که در نزد خداوند بهره و سهمی برای آنها نیست.

^[29] 77 بحارالانوار، ج 52 ص 192 و 193

^[30] 78 کنز العمال، ج 11 ص 192 ح 31186

- عن علي عليه السلام قال: ياتي على الناس زمان لا يتبع فيه العالم و لا يستحي فيه من الحليم و لا يوقر فيه الكبير و لا يُرحم فيه الصغير يقتل بعضهم بعضاً... ٧٩ [31]

علی بن ابیطالب علیه السلام فرمودند: برای مردم زمانی می آید که در آن زمان از عالم پیروی نمی شود و از افراد صبور و با حلم حیا نمی کنند (او هر اندازه در مقابل بدی مردم حلم نشان می دهد آن ها حیا نمی کنند) در آن دوره بزرگ را گرامی نمی دارند و به کوچک رحم نمی کنند. بعضی از مردم بعض دیگر را به قتل می رسانند... (مردم همدیگر را بدون دلیل می کشند)

- عن عاصم بن ضمره عن علي عليه السلام انه قال: لثملان

الارض ظلماً و جوراً حتى لا يقول أحد الله الا مستخفياً، ثم ياتي الله

بقوم صالحين يملؤونها قسطاً و عدلاً كما ملئت ظلماً و جوراً. ٨٠ [32]

عاصم بن ضمره از حضرت علی علیه السلام روایت کرده است که آن حضرت فرمودند: [در آخر الزمان] زمین پر از ظلم و ستم خواهد شد به گونه ای که حتی یک نفر لفظ الله را بر زبان جاری نخواهد کرد مگر در نهان، بعد از این دوره است که خداوند مردم صالحی را خواهد آورد که زمین را پر از عدل و داد کنند همان گونه که پیش از آن پر از ظلم و ستم شده است.

- ان بين يدي القائم عليه السلام سنين خداعة يُكذَّبُ فيها الصادق و يصدق فيها الكاذب و يُقَرَّبُ فيها الماحِل و ينطق فيها الرويضة قلت و ما الرويضة و ما الماحِل؟

قال: او ما تقرأون القرآن قوله و هو شديد المِحال قال: يُريدُ المكر، فقلت و ما الماحِل؟ قال: يريد المكار. ٨١ [33]

حضرت علی علیه السلام می فرمایند: قبل از قیام قائم سال های پر خدعه و نیرنگی در پیش است، در این سال ها راستگویان دروغگو شمرده می شوند در عوض دروغگویان راستگو شناخته می شوند، در این سال ماحل تقرب پیدا می کند و رویضه در سخن گفتن پیشقدم می گردد.

^[31] 79 کنز العمال، ج 11 ص 192 ح 31187

^[32] 80 بحار الانوار، ج 51 ص 117 منتخب الاثر، ص 484

^[33] 81 غیت نعمانی، ص 278

راوی می گوید: عرض کردم ماحل و رویضه به چه کسانی گفته می شود؟ حضرت فرمودند: مگر در قرآن نخوانده ای که خداوند می فرماید: و هو شدید المحال قال علیه السلام: یرید المکر فرمودند: منظور از ماحل آدم مکاری است که به وسیله مکر زیاد مردم را به خود متوجه می کند. تذکر: در این روایت رویضه معنی نشده است در جای دیگر به مناسبتی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرمایند:

رويضه الرجل التافه ينطق في امر العامة

یعنی مرد حقیر و بی شخصیتی که علیرغم عدم شایستگی، در امور عامّه مردم دخالت می کند و به جای آن ها اظهار نظر می نماید.

نشانه های ظهور مهدی علیه السلام

در روایات، برای ظهور امام زمان علیه السلام نه تنها وقت خاصی تعیین نشده بلکه از تعیین کردن وقت برای آن منع شده است. ولی در عین حال برای آن علائم و نشانه هایی ذکر شده که مردم می توانند از طریق آن علامت ها، نزدیکی وقت ظهور را تشخیص دهند. این نشانه ها به چند قسم تقسیم می شوند: علائم حتمی و غیر حتمی، علائم سال ظهور و علائم سالهای دورتر، علائم اجتماعی و اخلاقی و طبیعی و... از میان مجموعه روایاتی که از حضرت علی علیه السلام در این باره نقل شده است به ذکر دو مورد اکتفا می شود:

— ...عن ابی رومان، عن علی علیه السلام قال: إذا نادى منادٍ من السماء، ان الحقّ فی آل محمدٍ فعند ذلك يظهر المهديّ علی أفواه الناس، و يشربون ذكره فلا يكون لهم ذكرٌ غیره. ۸۲. [34]

ابی رومان از علی بن ابیطالب علیه السلام روایت کرده است که آن حضرت فرمودند: وقتی که منادی از آسمان ندا دهد که به تحقیق حق با آل محمد صلی الله علیه و آله است. در این ایام نام

حضرت مهدی علیه السلام بر سر زبان‌ها می‌افتد و جهان مالا مال از نام آن حضرت می‌شود به گونه‌ای که از غیر او ذکری به میان نمی‌آید.

– عن الصادق علیه السلام عن آبائه علیهم السّلام ان علیاً علیه السلام قال: اذا وَقَعَت النارُ فی حجازکم و جرى الماء فی نجفکم فَتَوَقَّعُوا ظُهورَ قائِمکمُم. ((اثبأ الهداء، ج 3 ص 578.))

امام صادق علیه السلام از پدران بزرگوارش علیهم السّلام و آنها از علی بن ابیطالب علیه السلام روایت می‌کنند که آن حضرت فرمودند: آنگاه که آتش در حجاز شعله ور شود و سیل در نجف جاری گردد منتظر ظهور قائم علیه السلام باشید.

یاران مهدی علیه السلام

درباره اوصاف یاران امام زمان علیه السلام و تعداد آنها و شهرهایشان و رابطه آنان با امام علیه السلام و چگونگی بیعت و تبعیت‌شان از آن حضرت، روایات زیادی وارد شده است. در این زمینه از علی بن ابیطالب علیه السلام چنین آمده است:

– عن حکیم بن سعد عن امیرالمؤمنین علیه السلام قال: اصحاب المهدیّ شبابٌ لا کحول فیهم الا مثل کحل العین و الملح فی الزاد و اقل الزاد الملح. ۸۳ [35]

حکیم بن سعد از امیرالمؤمنین علیه السلام روایت می‌کند که آن حضرت فرمودند: یاران مهدی علیه السلام همه جوان هستند، در میان آنها پیرمرد یافت نمی‌شود مگر به اندازه سرمه در چشم و نمک در طعام، و همانطور که بر همگان معلوم است کمترین قسمت غذا را نمک تشکیل می‌دهد.

– قال امیرالمؤمنین علیه السلام: ... ثم اذا قام تجتمع الیه اصحابه علی عدّة اهل بدر و اصحاب طالوت و هم ثلثمائة و ثلاثة عشر رجلاً، کلّهم لیوث قد خرجوا من غاباتهم مثل زبر الحديد لو انّهم همّوا بازالة الجبال الرّواسی لزالوها عن مواضعها فهم الذین وحدّوا الله به حق توحیده، لهم باللیل اصوات کاصوات الثواکل خوفاً من خشية الله

تعالی، قوَّام اللیل، صوَّام النهار، و کائما ربَّاهم أبُّ واحدٌ قلوبهم مجتمعةٌ بالمحبة و

النصيحة... ۸۴ [36]

امیرالمؤمنین علیه السلام می فرماید: ...چون قیام کند جمع می شوند به سوی او یارانش که به شماره اصحاب بدر و اصحاب طالوتند و ایشان سیصد و سیزده نفرند. همه آنها شیرانی هستند که از کمینگاه های خود بیرون آیند مانند پاره های آهن، اگر ایشان اراده کنند که کوه های سخت را از جا بکنند هر آینه آنها را از جاهای خود می کنند. پس ایشانند کسانی که خدا را به وسیله مهدی بیگانگی پرستش می کنند. برای ایشان در شبها، صداهایی مانند صداهای زنهای جوان مرده از ترس خدا است. نماز گذارند گانند در شبها و روزه دارانند در روز، گویا یک پدر و یک مادر آنها را تربیت کرده اند. دلهاشان در دوستی کردن به همدیگر و پند دادن به یکدیگر با هم جمع و یکی است

حکومت مهدی علیه السلام

به اعتقاد شیعه، امام زمان علیه السلام از طریق تشکیل یک حکومت جهانی بر اساس تعالیم عالیه اسلام تمام نارسایی ها را از سرتاسر عالم برطرف خواهد کرد و عدل و داد را در روی زمین مستقر خواهد ساخت. در سخنان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و هر یک از ائمه اطهار علیهم السلام درباره ویژگی های حکومت حضرت مهدی علیه السلام و کارهایی که در آن دوره انجام خواهد یافت مطالب زیادی به چشم می خورد که مجموعه آنها تصویر بسیار روشنی از یک حکومت اسلامی کامل را نشان می دهند. در اینجا به عنوان نمونه به بعضی از روایاتی که در این زمینه از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل شده است اشاره می گردد:

– حدثنا عبدالله بن مروان، ...عن علي عليه السلام قال: يلي المهديُّ امرَ النَّاسِ

ثلاثين سنةً او اربعين سنةً... ۸۵ [37]

عبدالله بن مروان روایت کرده است که علی بن ابیطالب علیه السلام فرمودند: حضرت مهدی علیه السلام سی یا چهل سال زمام امور مردم را در دست خواهند داشت.

[36] ۸۴ نوائب الدَّهْور فی علائم الظهور، ج ۲ ص ۱۱۴ ط کتابخانه صدوق.

[37] ۸۵ کنز العمال، ج ۱۴ ص ۵۹۱ ح ۳۹۶۴۶ منتخب الاثر، ص ۴۸۷

- يعطف الهوى على الهدى اذا عطفوا الهدى على الهوى و يعطف الرأى على القرآن اذا عطفوا القرآن على الرأى ... فَيُرِيكُمْ كَيْفَ عَدْلُ السَّيْرِ، و يُحْيِي مَيِّتَ الْكِتَابِ وَ السَّنَةِ... ٨٦ [38]

[امام زمان عليه السلام وقتی که ظهور کند] هواهای نفسانی را به هدایت و رستگاری برمی گرداند در آن روزگاری که مردم هدایت الهی را به متابعت هواهای نفسانی درآورده باشند. آراء و اندیشه های مردم را تابع قرآن می کند در آن روزگاری که آن ها قرآن را تابع آراء و اندیشه های خود کرده اند... او به شما نشان خواهد داد که عدالت در کشورداری چگونه است. هم چنین او تعالیم فراموش شده قرآن و سنت را زنده خواهد ساخت...

- قال امير المؤمنين عليه السلام : ... فلا يترك عبداً مسلماً الاً اشتراه واعتقه، و لا غارماً الاً قضى دينه، و لا مظلماً لـاحدٍ من الناس الاً ردّها، و لا يُقتلُ منهم عبداً الاً ادى ثمنه... و لا يُقتلُ قتيلاً الاً قضى عنه دينه، و الحقّ عياله في العطاء حتى يملأ الارض قسطاً و عدلاً كما ملئت ظلماً و جوراً و عدواناً... ٨٧ [39]

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: ... حضرت مهدی علیه السلام برده مسلمان را نخواهد وا گذاشت مگر اینکه آن را خریده و آزاد خواهد ساخت و بدهکاری نخواهد ماند مگر آنکه بدهی او را پرداخت خواهد نمود. مظلّم و حقّی به گردن و ذمه هر کس که باشد آن را به صاحب حق باز خواهد گرداند. کسی کشته نمی شود مگر اینکه دیه آن را خواهد پرداخت. هیچ کسی کشته نخواهد شد مگر اینکه بدهی های او را آن حضرت پرداخت خواهد نمود و خانواده اش را همانند سایر افراد جامعه اداره خواهد کرد تا زمین را از عدل و داد پر کند به همان صورتی که پیش از آن از ظلم و بیداد پر شده باشد...

- قال على عليه السلام : ... لو قد قام قائمنا لذهبت الشحناء من قلوب العباد و اصطلحت السباع و البهائم حتى تمشي المرأة بين العراق الى الشام... على رأسها زيتها لا يهيجها سبعٌ و لا تخافه... ٨٨ [40]

86 [38] نهج البلاغه فيض الاسلام، خ 138 ص 424 و 425

87 [39] بحار الانوار، ج 52 ص 224 و 225

88 [40] بشارة الاسلام ص 236

امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید: ...آنگاه که قائم ما اهل بیت علیه السلام قیام کند کینه‌ها از دل‌ها بیرون خواهد رفت حتی حیوانات درنده و وحشی نیز با هم سازگار خواهند شد و به یکدیگر ضرر نخواهند رساند، در آن روزگار به اندازه‌ای امنیت زیاد خواهد بود که یک زن در حالی که همه زینت و زیور آلاتش همراه اوست از عراق تا شام را بدون ترس و دلهره به تنهایی خواهد پیمود.

حضرت مهدی علیه السلام در قرآن

در آیات قرآن کریم به صراحت نامی از امام زمان علیه السلام به میان نیامده است، ولی از آنجا که ائمه اطهار علیهم السلام مفسران حقیقی قرآنند در تفسیر بسیاری از آیات، آنها را به مسأله مهدویت و معارف امام زمان علیه السلام تطبیق و تفسیر نموده‌اند. از جمله آیاتی که آنها را حضرت علی علیه السلام مربوط به امام زمان علیه السلام دانسته اند این دو آیه است:

- عن امیرالمؤمنین علیه السلام قال: النورُ القرآن، و النور اسمٌ من اسماء الله تعالى... قال الله تعالى فی سورة النور: الله نور السماوات و الارضِ مَثَلُ نورهِ كمشكاةٍ فیها مصباح المصباح فی زجاجة الزجاجة كانها كوكب درّی...^[41] ۸۹
فالمشكاة رسول الله صلی الله علیه و آله و المصباح الوصی، و الاوصیاء علیهم السلام و الزجاجة فاطمة، و الشجرة المباركة رسول الله صلی الله علیه و آله و الكوكب الدرّی القائم المنتظر الذی یملأ الارض عدلاً.^[42] ۹۰

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: نور همان قرآن است. و نور اسمی از اسم‌های خداوند تبارک و تعالی نیز هست. خداوند عزوجل در سوره نور می‌فرماید: خدا نور آسمان‌ها و زمین است، نور او همانند مشکاتی است که در آن چراغی باشد و آن چراغ در میان شیشه‌ای که تالو آن همچون ستاره‌ای است درخشان و روشن از درخت مبارک زیتون...
آن‌گاه فرمودند: مشکات رسول خدا صلی الله علیه و آله است و مصباح وصی و اوصیاء هستند، منظور از زجاجة حضرت فاطمه زهرا علیها السلام است، و مراد از کوكب درّی حضرت قائم المنتظر علیه السلام است. کسی که زمین را پر از عدل و داد می‌کند.

^[41] ۸۹ سوره نور، آیه ۳۵

^[42] ۹۰ معجم احادیث المهدی علیه السلام، ج ۵ ص ۲۷۴ ح ۱۶۹۹

- [قال] امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام: المستضعفون فی الارض،
المذكورون فی الكتاب ۹۱ [43] الذین یجعلهم الله ائمةً، نحن اهل البیت؛ یبعث الله
مهدیهم فیعزهم و یذلّ عدوهم. ۹۲ [44]

حضرت علی علیه السلام می‌فرمایند: مستضعفان در زمین که در قرآن یاد شده‌اند و خداوند وعده
داده است آنها را پیشوایان مردم قرار دهد، ما اهل بیت هستیم و خداوند، مهدی ما اهل بیت علیهم
السلام را [در آخر الزمان] بر می‌انگیزاند تا آنها را عزیز و دشمنانشان را خوار و ذلیل کند.
www.jamkaran.info

۹۳ [5] معانی الاخبار، ج ۱ ص ۱۳۸ باب ۲۸ ح ۹ ط دار الکتب الاسلامیه؛ بحار الانوار، ج ۳۵ ص
۴۵.

۹۱ [43] اشاره به آیه و نرید انّ نمّ علی الذین استضعفوا فی الارض و نجعلهم ائمة و نجعلهم
الوارثین؛ و خواستیم بر کسانی که در آن سرزمین مستضعف واقع شده بودند منت نهم و آنان را
پیشوایان [مردم] گردانیم و ایشان را وارث [زمین] کنیم. سوره قصص، آیه ۵

۹۲ [44] منتخب الانوار المضيئة، سید بهاء الدین علی النیلی النجفی، ص ۳۰

آیات در شأن امام عصر(ع)

- 1- یومئذ یفرح المؤمنون "روم 4" «امام صادق(ع): در موقع قیام قائم(ع)، اهل ایمان از یاری خدا خوشحال می شوند.
- 2- واسبغ علیکم نعمه ظاهرة وباطنة "لقمان 20" یعنی خدا نعمتهای ظاهری و باطنی خود را بر شما روزی کرد. «امام کاظم(ع): نعمت ظاهری امام ظاهر و نعمت باطنی امام غایب است که از دیدگان مردم مخفی است و گنجهای زمین در هنگام ظهورش آشکار می شود و هر چیز دوری برایش نزدیک می گردد.
- 3- والنهار اذا تجلی ' لیل 2 «امام باقر(ع): مراد از روز، قائم ما اهل بیت است که هرگاه ظهور کند، بر دولت باطل پیروز می شود.
- 4- سیروا فیها لیالی وایاماً آمنین سبأ 16 «امام صادق(ع): مراد امام زمان است که در زمان او همه راهها ایمن است.
- 5- فمهلّ الکافرین امهلهم رؤیداً طارق 18 «علی بن ابراهیم در تفسیر آن گفته است که: در زمان قیام قائم، او از جباران و طاغوتها انتقام می گیرد.
- 6- یردّی الله لنوره من یشاء نور 35 «علی(ع): او قائم ما اهل بیت است.
- 7- والفجر «امام صادق(ع): فجر لقب قائم ما است.
- 8- قل جاء الحق وزهق الباطل ان الباطل کان زهوقاً "اسراء 9"
- 9- لیظهره علی الدین کله ولو کره المشرکون "صف"
- 10- بقیة الله خیر لکم "هود"
- 11- ونرید ان نمن علی الذین استضعفوا فی الارض ونجعلهم الائمة ونجعلهم الوارثین "قصص 5"
- 12- امن یجیب المضطر اذا دعاه ویكشف السوء "نمل 62"

(نماز و امام زمان (عج)

از مهمترین ویژه گیهای امام زمان (عج) توجه به نماز است. بسیاری از افرادی که امام
عج را زیارت کرده اند او را در حال نماز دیده اند و اکثر اوقات حضرت به نماز می
گذرد. در حال حاضر کسی روی زمین نیست که به اندازه امام زمان (عج) نماز بخواند
و در عبادت احدی به او نمی رسد. لذا در زیارتنامه حضرت آمده که: سلام بر حضرت
در حال رکوعش. سلام بر حضرت در حال سجودش. سلام بر حضرت در حال
قیامش. سلام بر حضرت در حال دادن تکبیره الاحرامش. سلام بر حضرت در حال تهلیل
و گفتن لا اله الا الله ش.

این نشان دهنده جایگاه مهم نماز در رسیدن به معرفه الله است. وقتی انسان های
برگزیده چنین به نماز اهمیت می دهند که اکثر زمانها در نماز هستند و مخصوصا شبها
را به نماز می گذرانند، برای ما این سؤال پیش می آید که :
چرا اکثر مردم و مخصوصا جوانها از این اکسیر عظیم غافلند؟ چرا از این پله بزرگ
معرفت که انسان را به معراج می رساند آگاهی ندارند؟
لذا من چند داستان انتخاب کرده ام که به نحوی نماز خواندن امام عصر ع را بیان
کرده و یا سفارش حضرت را به خواندن نماز مسجد جمکران یا نماز شب.

- تشرف حسن بن مثله جمکرانی

شیخ بزرگوار، حسن بن مثله جمکرانی (ره)، می گوید:
شب سه شنبه، هفدهم ماه مبارک رمضان سال نود و سه، در خانه ام خوابیده بودم. ناگاه نیمه شب
جمعی به در منزل آمدند و مرا از خواب بیدار کرده و گفتند: برخیز و دعوت امام مهدی صاحب
الزمان (ع) را اجابت کن که تو را خواسته اند.
برخاستم و آماده شدم و به آنها گفتم: بگذارید پیراهنم را بپوشم.
صدایشان بلند شد: هو ما کان قمیصک، یعنی این پیراهن مال تو نیست.
شلوار را بپوشم. صدایشان آمد که لیس ذلک منک فخذ سراویلک، یعنی این شلوار، شلوار
خواستم

تو نیست. شلوار خودت را بپوش. من هم شلوار خودم را پوشیدم.
خواستم به دنبال کلید در خانه بگردم. صدایی آمد که الباب مفتوح، یعنی در باز است.
وقتی از منزل خارج شدم، عده ای از بزرگان را دیدم. سلام کردم. جواب دادند و خوش آمد گویی

کردند. بعد هم مرا، تا جایی که الان محل مسجد است، رساندند.

وقتی خوب نگاه کردم، دیدم تختی گذاشته شده و فرش نفیسی بر آن پهن است و بالشهای خوبی روی آن قرار دارد. جوانی سی ساله بر آن تخت نشسته و به بالش تکیه کرده است. پیرمردی در محضرش نشسته و کتابی در دست دارد و برایش می خواند، و حدود شصت مرد در آن مکان در اطراف او نماز می خوانند: بعضی از آنها لباسهای سفید و بعضی لباس سبز به تن داشتند.

آن پیرمرد حضرت خضر (ع) بود. او مرا نشانید. امام زمان، حضرت بقیه الله الاعظم ارواحنا فداه مرا به نام خودم صدا زده و فرمودند: برو به حسن بن مسلم بگو، تو چند سال است که این زمین را آباد می کنی و می کاری و ما آن را خراب می کنیم و پنج سال است که در آن کشت می کنی. امسال هم دو باره از سر گرفته ای و مشغول آباد کردنش می باشی، ولی دیگر اجازه نداری در این زمین کشت کنی و باید هر استفاده ای که از آن به دست آورده ای برگردانی، تا در این محل مسجدی بسازند. و به حسن بن مسلم بگو، این جا زمین شریفی است و حق تعالی آن را برگزیده و بزرگ دانسته است، درحالی که تو آن را به زمین خود ملحق کرده ای، به همین علت، خدای تعالی دو جوان از تو گرفت، اما متوجه نشدی و اگر کاری که دستور داده ایم، انجام ندهی، حق تعالی تورا در فشار قرار می دهد، به طوری که متوجه نشوی.

حسن بن مثله می گوید، عرض کردم: سیدی و مولای، برای این مطالبی که فرمودید نشانه و دلیلی قرار دهید، چون این مردم حرف بدون دلیل را قبول نخواهند کرد. حضرت فرمودند: انا سنعلم هناک علامه (ما علامتی قرار خواهیم داد تا شاهد صدق قول تو باشد). برو و پیام ما را برسان و به سید ابوالحسن بگو به همراه تو بیاید و آن مرد را حاضر کند و تو

چند ساله ای را که برده است، از او بگیرد و به دیگران بدهد، تا بنای مسجد را شروع استفاده های

کنند. کسری آن را از رهق که در ناحیه اردهال و ملک ما است، آورده و مسجد را تمام کنند. ما نصف رهق را برای این مسجد وقف کردیم، که هر ساله پول آن را آورده، صرف ساختمان مسجد کنند. به مردم هم بگو به این مکان رو آورده و آن را گرامی بدارند و در این جا چهار رکعت نماز بخوانند، به این صورت که دو رکعت آن را به قصد تحیت مسجد و در هر رکعت یک بار حمد و هفت بار قل هو الله و در رکوع و سجود، هفت مرتبه تسبیح بگویند. دو رکعت دیگر را به نیت نماز امام صاحب الزمان (ع) بجا آورند، به این صورت که حمد را بخوانند، وقتی به ایاک نعبد و ایاک رسید، آن را صد بار بگویند و بعد از آن حمد را تا آخر بخوانند. رکعت دوم را هم به این

نستعین

عمل کنند و در رکوع و سجود هفت بار تسبیح بگویند. وقتی نماز تمام شد، تهلیل (لا اله الا
ترتیب

الله) گفته و تسبیح حضرت فاطمه زهرا (س) را بخوانند. بعد از تسبیح سر به سجده بگذارند و صد بار بر پیغمبر و آلش (ع) صلوات بفرستند، فمن صلیها فکانما صلی فی البیت العتیق (هرکس این دو رکعت نماز را بخواند، مثل این است که دو رکعت نماز در خانه کعبه خوانده باشد).

حسن بن مثله جمکرانی می گوید: من وقتی این جملات را شنیدم، با خود گفتم گویا محل مسجد همان است که حضرت در آن جا تشریف دارند. بعد به من اشاره فرمودند که برو. مقداری از راه را که آمدم، دوباره مرا خواستند و فرمودند: در گله جعفر کاشانی گله دار، بزی هست که باید آن را بخری. اگر مردم روستا پولش را دادند، با پول آنها بخر، وگرنه باید از پول خود بدهی. فردا شب آن بز را به این محل بیاور و ذبح کن. آنگاه روز هیجدهم ماه مبارک رمضان گوشتش را به بیماران و کسانی که مرض سختی دارند بده، زیرا خدای تعالی همه را شفا می دهد. آن بز ابلق (سفید و سیاه) است و موهای زیادی دارد. هفت علامت در او هست: سه علامت در یک طرف و چهار تا طرف دیگر.

از این فرمایشات، براه افتادم که بروم، اما باز مرا خواستند و فرمودند: ما تا هفتاد یا هفت روز بعد

اینجاییم (اگر بگوییم هفت روز، دلیل است بر شب قدر، که بیست و سوم رمضان می باشد. اگر بگوییم هفتاد روز، شب بیست و پنجم ذیقعدة الحرام و روز بزرگی است).

حسن بن مثله می گوید: به خانه برگشتم و همه شب را در فکر بودم، تا صبح شد و نماز خواندم. بعد از نماز، سراغ علی بن المنذر آمدم و اتفاقات را برایش گفتم. با هم تاجایی که شب قبل مرا برده بودند، رفتیم. در آن جا گفتم: به خدا قسم، نشانی و علامتی که امام (ع) این مطالب را به من فرموده اند، این زنجیرها و میخهایی است که در این جا هست.

سپس به طرف منزل سید ابوالحسن الرضا رفتیم. وقتی به در منزلش رسیدیم، خدمتگذاران او را دیدیم. آنها به من گفتند: سید ابوالحسن از اول صبح در انتظار تو است. آیا اهل جمکرانی؟

گفتم: بلی. همان وقت نزد سید ابوالحسن رفتم و سلام کردم. ایشان جواب سلام مرا به نحو احسن داد و مرا گرامی داشت و پیش از آن که چیزی بگویم، گفت: ای حسن بن مثله من خواب بودم. در عالم رؤیا شخصی به من گفت: کسی به نام حسن بن مثله از جمکران نزد تو می آید. هر چه گفت سخن او را تصدیق کن و بر قولش اعتماد کن، چون سخن او سخن ما است و نباید گفته اش را رد کنی. از خواب بیدار شدم و تا الان منتظر تو بوده ام.

در این جا حسن بن مثله وقایع را مشروحا به او گفت. سید همان وقت فرمود که اسبهار ازین کنند بعد سوار شدند. وقتی نزدیک ده رسیدند، جعفر چوپان را دیدند که گله را در کنار مسیر، می برد.

حسن بن مثله میان گله رفت و آن بز را که حضرت اوصافش را داده بودند، آخر گله دید، که به طرف او می آید! او هم آن بز را گرفت و خواست قیمتش را به جعفر بدهد. جعفر سوگند یاد کرد

که من این بز را هرگز ندیده‌ام و در گله من نبوده است، جز آن که امروز می‌بینم و هر طور خواسته‌ام آن را بگیرم، برایم ممکن نمی‌شد، تا الان که پیش شما آمد. بز را همان طوری که حضرت بقیه‌الله ارواحنا فداه دستور داده بودند، به آن جا آوردند و کشتند. بعد هم در حضور سید ابوالحسن الرضا، حسن بن مسلم را حاضر کردند. استفاده‌های زمین را از او گرفته و درآمد رهق را هم آورده و به آن اضافه کردند. سپس مسجد جمکران را ساخته و با چوب پوشاندند.

سید ابوالحسن الرضا زنجیر و میخها را به قم برد و در منزل خود گذاشت. همه بیماران و دردمندان به منزلش می‌رفتند و خود را به آن زنجیرها می‌مالیدند و خدای تعالی آنان را به سرعت شفا می‌داد و خوب می‌شدند.

ابوالحسن محمد بن حیدر می‌گوید: از چند نفر شنیدم که سید ابوالحسن الرضا در محل موسویان، در شهر قم مدفون است. بعد از او یکی از فرزندانش مریض شد. خواستند از همان زنجیرها برای شفایش بهره بگیرند. در صندوق را باز کردند، اما چیزی نیافتند. ((۱۷))

- تشریف ملا حبیب الله و حاج سید محمد صادق قمی

ملا حبیب الله، که از متقین و مورد اعتماد است، مؤذن مسجدی بود که مرحوم حاج سید محمد صادق قمی (ره) آن را تاسیس کرد. ایشان فرمود:

عادت من این بود، که یک ساعت قبل از طلوع فجر، به مسجد می‌آمدم و نافله شب را در آن جا می‌خواندم و وقتی هوا گرم می‌شد بر پشت بام مسجد بجا می‌آوردم و بعد از اداء نافله بر سطح ایوان مرتفع مسجد می‌رفتم و قبل از اذان قدری مناجات می‌کردم. وقتی که صبح می‌شد اذان می‌گفتم و برای نماز پایین می‌آمدم.

برنامه را نزدیک به بیست سال اجرا می‌کردم. شبی از شبها که تاریک بود و بادی وزید، بنابر این

عادت به مسجد آمدم. دیدم در مسجد باز است و یک روشنایی در آن جا دیده می‌شود. گمان خادم، در مسجد را نبسته و چراغ را خاموش نکرده است. داخل شدم که ببینم جریان کردم

چیست، دیدم سیدی به لباس علماء ایران در محراب مشغول نماز است و آن روشنایی از چهره مبارک ایشان ساطع می‌شود نه از چراغ! درباره آن سید و صورت نورانش تفکر می‌کردم. وقتی از فارغ شد، رو به من نمود و مرا به اسم صدا زد و فرمود: به آقای خود (سید محمد صادق قمی) نماز

بگویاید.

بدون تأمل امر او را اطاعت نمودم و رفتم که مرحوم حجة الاسلام سید محمد صادق قمی را خبر چون به خانه‌اش رسیدم در را به آرامی کوبیدم. دیدم، آن مرحوم در حالی که عمامه خود را به

کنم.

سر کرده، پشت در ایستاده و می‌خواهد از خانه خارج شود. سلام کرده و عرض کردم: سید عالمی در مسجد است و شما را احضار نموده است.

فرمود: آیا او را شناختی؟

گفتم: نه، نشناختم، ولی از علماء ولایت ما نیست. آقا! چقدر صورت او نورانی است، من چنین نورانی در مدت عمرم ندیده‌ام. اما مرحوم سید محمد صادق به من جوابی نمی‌داد. با ایشان صورت

تا داخل مسجد شد. دیدم نسبت به آن سید، ادب خاصی را رعایت می‌کند و خضوع کاملی در بودم،

برابر ایشان دارد. سلام کرد و نزدیک ایشان نشست و با آن شخص مذاکره‌ای نمود.

بعد از مدت زمانی، آن سید از مسجد خارج شد.

من که از خضوع ایشان تعجب کرده بودم پرسیدم این سید که بود؟ و چرا تا این حد نسبت به او خضوع می‌کردید؟

رو به من نمود و فرمود: او را نشناختی؟

گفتم: نه، از من تعهد گرفت که در مدت حیاتش، این جریان را بروز ندهم. بعد فرمود: آن آقا، مولای من و تو، حضرت صاحب العصر و الزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف بود.

در این جا من به سوی در مسجد دویدم. دیدم در بسته و مسجد تاریک است و احدی در آن جا نیست.

از سخنان حضرت با ایشان چیزی نفهمیدم، جز آن که امر به اقامه نماز جماعت صبح در اول فجر فرمودند.

ملا حبیب الله این مطلب را بروز نداد، مگر بعد از وفات حجة الاسلام سید محمد صادق قمی، و بر صدق این قضیه، سه بار به قرآن کریم قسم خورد. (())

- تشرف سید مهدی عباباف نجفی

سید مهدی عباباف نجفی، که مداومت تشرف به مسجدسهله در شبهای چهارشنبه راداشت فرمود:

شب‌ی با جمعی از رفقا به مسجدسهله مشرف شدیم. دیدیم رکن قبله مسجد، طرف شرقی، همان جا که مقام (()) حضرت حجت (ع) واقع می‌باشد، روشن است.

پیش رفتیم. سید بزرگواری در محراب مشغول عبادت بودند. معلوم شد آن روشنی، روشنی چراغ نیست، بلکه نور صورت مبارک آن سرور، در و دیوار را منور ساخته است. به جای خود برگشته و

باز نظر کردیم. آن صفة (()) را روشن دیدیم، گویا چراغ نوربخشی در آن گذارده‌اند. چون

نزدیک شدیم همان حال سابق را یافتیم تا یقین کردیم که آن بزرگوار امام ابرار و سلاله ائمه

اطهار (ع) است.

هیبت آن حضرت همه ما را گرفت. هر یک در جای خود مانند چوب از حس و حرکت افتادیم، جز من که چند قدمی از رفقا جلوتر رفتم. هر چه خواستم نزدیک شوم یا عرضی کنم، در خود یارایی ندیدم، مگر این که مطلبی به خاطر آمد و عرض کردم: لطفا استخاره‌ای برای من بگیرید. آن حضرت دست مبارک خود را باز نموده و با آن تسبیحی که مشغول به ذکر بودند، مشتی گرفته و بعد از حساب کردن در جواب به من فرمودند: ((خوب است)). بعد هم روی مبارک خود را به سوی ما انداخته و نظر پر فیض خویش را برای لحظاتی بر ما دامه داد. گویا انتظار داشت که حاجت دنیا و آخرت خویش را از درگاه لطف و عطایش درخواست نماییم، ولی سعادت و استعداد، ما را یاری نکرد و قفل خاموشی دهان ما را بست.

سپس به سمت در مسجد روانه گردید، چون قدری تشریف برد قدرت در پای خود یافته به دنبالش روانه شدیم. وقتی خواست از در مسجد بیرون رود، دوباره روی مقدس خود را به طرف ما نمود و مدتی به همین حال بود. ما چند نفر بدون حس و حرکت بودیم و هیچ قدرتی نداشتیم. تا آن که بالاخره از مسجد خارج شدیم و به فاصله‌ای که بین دو در بود رسیدیم. آن بزرگوار از در دوم خارج شدند. به مجرد خروج حضرت قوت و شعور ما بازگشت. فوراً و با سرعت هر چه بیشتر به سمت در دوم دویدیم. به چشم بهم زدن از در دوم خارج شدیم و نظر به اطراف بیابان انداختیم، ولی هیچ کس را نیافتیم. هر چه به اطراف و اکناف دویدیم به هیچ وجه اثری نیافتیم و برای ما معلوم شد که به مجرد خروج از در دوم، حضرت از نظر ما مخفی شده‌اند. بی‌لیاقتی و از دست دادن فرصتی که برای ذکر حاجاتمان پیش آمده بود، افسوس خورده و متأثر بر

شدیم. (())

- تشریف مؤذن و خادم مدرسه سامرا

آقا میرزا هادی بجستانی می‌گوید: از مؤذن و خادم مدرسه سامرا پرسیدم: این چند سال که در جوار این ناحیه مقدسه به سر برده‌ای آیا معجزه‌ای مشاهده کرده‌ای؟ گفت: بلی، شبی برای گفتن اذان صبح به پشت بام حرم مطهر رفتم. چند نفر را در آن جادیدم. بعد از گفتن این مطلب ساکت شد. گفتم: تمام قضیه را ذکر کن. گفت: الان حال مساعدی ندارم سر فرصت آن را بیان می‌کنم. بود و چند مرتبه از او درخواست اتمام جریان را می‌کردم، ولی ایشان همان جواب را می‌دادند. این

تا شب بیست و دوم ماه صفر سال ۱۳۳۵، در حرم عسکریین (ع) مقابل ضریح مقدس به او گفتم: حکایت را بگو. گفت: تا به حال قضیه را به احدی نگفته‌ام. پنج سال قبل شب جمعه‌ای وارد صحن

مطهر شدم. در پله‌های پشت بام همیشه قفل است. آن را باز کردم و از پله‌ها بالا رفتم تا به فضای پشت بام رسیدم. در فلان محل، هفت نفر از سادات را دیدم که رو به قبله نشسته‌اند و بزرگواری که عمامه سیاه بر سر مبارک دارد، مانند امام جماعت جلوی آنها نشسته است. من پشت سر ایشان قرار گرفته بودم. از یکی سؤال کردم: ایشان کیستند؟ گفت: این بزرگوار حضرت صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است و نماز صبح را به ایشان اقتدای کنیم. مشهدی ابوالقاسم گفت: من از هیبت نام مبارک آن حضرت، یارای ماندن نداشتم، لذا روانه سمت مقابل گشته، بالا رفتم. صبح که طالع شد، اذان گفتم و وقتی به زیر آمدم در فضای بام هیچ کس را ندیدم. (())

- تشرف محمد بن ابی الرواد و ابن جعفر دهان

محمد بن ابی الرواد روایی می‌گوید:

روزی در ماه رجب، با محمد بن جعفر دهان به سوی مسجد سهله براه افتادیم. محمد به من گفت: مرا به مسجد صعصعه ببر. «امیر المؤمنین و ائمه اطهار (ع) در این مسجد نماز خوانده و قدمهای شریف خود را در آن جا گذاشته‌اند، لذا مسجد با برکتی است.» به سوی آن مسجد حرکت کردیم.

در آن جا در حال نماز خواندن دیدیم، مرد شتر سواری از راه رسید. از شتر خود پیاده شد و در زیر زانویش را عقال کرد (زانویش را بست). آنگاه داخل مسجد شد و دو رکعت نماز خواند، ولی سایه‌ای

آن دو رکعت را طول داد بعد هم دستهای خود را بلند کرد و گفت: اللهم یا ذا المنن السابغه... تا آخر دعا. «این دعا در کتب ادعیه در اعمال ماه رجب و اعمال مسجد صعصعه، معروف است» آنگاه برخاست و نزد شتر خود رفت و بر آن سوار شد. محمد بن جعفر دهان به من گفت: آیا برنخیزیم و نرویم تا سؤال کنیم که ایشان کیست؟

من قبول کردم، لذا برخاسته و به نزد او رفتیم و گفتیم: تو را به خداوند قسم می‌دهیم به ما بگو که کیستی؟ فرمود: شما را به خداوند قسم می‌دهم، فکر می‌کنید که باشم؟ ابن جعفر دهان گفت: فکر کردم خضر هستید.

آن شخص به من فرمود: تو هم چنین تصویری داشتی؟ عرض کردم: من هم فکر کردم که خضر هستید.

فرمود: والله من کسی هستم که خضر محتاج به دیدن او است. برگردید که منم امام زمان شما. (())

- تشرف شیخ حسین آل رحیم (ره)

شیخ باقر کاظمی (ره) فرمود:

در نجف شخصی به نام شیخ حسین آل رحیم زندگی می‌کرد که مردی پاک طینت و از مقدسین

و مشغول به تحصیل علم بود. ایشان به مرض سل مبتلا شد، به طوری که باسرفه کردن از سینه‌اش اخلاط و خون خارج می‌شد. با همه این احوال در نهایت فقر و پریشانی بود و قوت روز خود را هم نداشت. غالب اوقات نزد اعراب بادیه‌نشین درحوالی نجف اشرف می‌رفت تا مقداری هر چند که جو باشد بدست آورد. باوجود این دو مشکل، دلش به زنی از اهل نجف تمایل پیدا قوت،

اما هر دفعه که او راخواستگاری می‌کرد، نزدیکان زن به خاطر فقرش جواب مثبت به او کرد،

نمی‌دادند و همین خود علت دیگری بود که در هم و غم شدیدی قرار بگیرد. مدتی گذشت و چون مرض و فقر و ناامیدی از آن زن، کار را بر او مشکل کرده بود، تصمیم گرفت عملی را که در بین اهل نجف معروف است انجام دهد، یعنی چهل شب چهارشنبه به مسجد کوفه برود و متوسل به حضرت بقیةالله ارواحنا فداه بشود، تا به مقصد برسد. شیخ حسین می‌گوید: من چهل شب چهارشنبه بر این عمل مواظبت کردم. شب چهارشنبه آخر شد. آن شب، تاریک و از شبهای زمستان بود. باد تندی می‌وزید و باران اندکی هم می‌بارید. من در مسجد که نزدیک در است نشسته بودم، چون نمی‌شد داخل مسجد شوم، به خاطر خونی که از ده

سینه‌ام می‌آمد و چیزی هم نداشتم که اخلاط سینه را جمع کنم و انداختن آن هم که در مسجد جایز نبود. از طرفی چیزی نداشتم که سرما را از من دفع کند، لذا دلم تنگ و غم و اندوهم زیاد گشت و دنیای پیش چشمم تاریک شد.

می‌کردم شبها تمام شد و امشب، شب آخر است، نه کسی را دیدم و نه چیزی برایم ظاهر شد. فکر

این همه رنج و مشقت دیدم بار زحمت و ترس بر دوش کشیدم تا بتوانم چهل شب از نجف به مسجد کوفه بیایم با همه این زحمات، جز یاس و ناامیدی نتیجه‌ای نگرفتم. در این کار خود تفکر می‌کردم در حالی که در مسجد احدی نبود. آتشی برای درست کردن قهوه روشن کرده بودم و چون به خوردن آن عادت داشتم، مقدار کمی با خودم از نجف آورده بودم، ناگاه شخصی از سمت در اول مسجد متوجه من شد. از دور که او را دیدم، ناراحت شدم و با خود گفتم: این شخص، عربی از اهالی اطراف مسجد است و نزد من می‌آید تا قهوه بخورد. اگر آمد، بی قهوه می‌مانم و در این شب تاریک هم و غم زیاد خواهد شد.

این فکر بودم که به من رسید و سلام کرد. نام مرا برد و مقابلم نشست. از این که اسم مرا در

می‌دانست تعجب کردم! گمان کردم او از آنهایی است که اطراف نجف هستند و من گاهی میهمانشان می‌شوم. از او سؤال کردم از کدام طایفه عرب هستی؟

گفت: از بعضی از آنهایم.

اسم هر کدام از طوایف عرب را که در اطراف نجف هستند بردم، گفت: نه از آنها نیستم. در این جا نزاراحت شدم و از روی تمسخر گفتم: آری، تو از طری طره‌ای؟ (این لفظ یک کلمه بی معنی است)

از سخن من تبسم کرد و گفت: من از هر کجا باشم، برای تو چه اهمیتی خواهد داشت؟ بعد فرمود: چه چیزی باعث شده که به این جا آمده‌ای؟

گفتم: سؤال کردن از این مسائل هم به تو سودی نمی‌رساند.

گفت: چه ضرری دارد که مرا خبر دهی؟

از حسن اخلاق و شیرینی سخن او متعجب شدم و قلبم به او مایل شد و طوری شد که هر قدر صحبت می‌کرد، محبتم به او زیادتر می‌شد، لذا یک سبیل (یکی از دخانیات) ساخته و به او دادم. گفت: خودت بکش من نمی‌کشم.

برایش یک فنجان قهوه ریختم و به او دادم. گرفت و کمی از آن خورد و بعد فنجان را به من داد و گفت: تو آن را بخور. فنجان را گرفتم و آن را خوردم و متوجه نشدم که تمام آن را نخورده است. خلاصه طوری بود که لحظه به لحظه محبتم به او زیادتر می‌شد.

به او گفتم: ای برادر امشب خداوند تو را برای من فرستاده که مونس من باشی. آیا حاضری با هم کنار حضرت مسلم (ع) برویم و آن جا بنشینیم؟

گفت: حاضرم. حال جریان خودت را نقل کن.

گفتم: ای برادر، واقع مطلب را برای تو نقل می‌کنم. از روزی که خود را شناخته‌ام شدیداً فقیر و و با این حال چند سال است که از سینه‌ام خون می‌آید و علاجش را نمی‌دانم. از طرفی محتاجم

هم ندارم و دلم به زنی از اهل محله خودمان در نجف اشرف مایل شده است، ولی چون دستم عیال

از مال و ثروت خالی است گرفتنش برایم میسر نمی‌شود. این آخوندها مرا تحریص کردند و گفتند: برای حوائج خود متوجه حضرت صاحب الزمان (ع) بشو و چهل شب چهارشنبه در مسجد کن، زیرا آن جناب را خواهی دید و حاجتت را عنایت خواهد کرد و این آخرین شب از کوفه بیتوته

چهارشنبه است و با وجود این که این همه زحمت کشیدم اصلاً چیزی ندیدم. این است شبهای

علت آمدنم به این جا و حوائج من هم همینها است.

این جا در حالی که غافل بودم، فرمود: سینه‌ات که عافیت یافت، اما آن زن، پس به همین زودی در

او را خواهی گرفت، و اما فقرت، تا زمان مردن به حال خود باقی است.
در عین حال من متوجه این بیان و تفصیلات نشدم و به او گفتم: به طرف مزار جناب مسلم (ع)
برویم؟ گفت: برخیز.

برخاستم و ایشان جلوی من براه افتاد. وقتی وارد مسجد شدیم، گفت: آیا دو رکعت نماز تحیت
مسجد را نخوانیم؟ گفتم: چرا.
نزدیک شاخص (سنگی که میان مسجد است) و من پشت سرش با فاصله ای ایستادم. تکبیرة
او

الاحرام را گفتم و مشغول خواندن فاتحه شدم. ناگاه قرائت فاتحه او را شنیدم به طوری که
هرگز از احدی چنین قرائتی را نشنیده بودم. از حسن قرائتش باخود گفتم: شاید او حضرت
صاحب الزمان (ع) باشد و کلماتی شنیدم که به این مطلب گواهی می داد. تا این خیال در ذهنم
افتاد به سوی او نظری انداختم، اما در حالی که آن جناب مشغول نماز بود، دیدم نور عظیمی
حضرتش را احاطه نمود، به طوری که مانع شد که من شخص شریفش را تشخیص دهم.
همه اینها وقتی بود که من مشغول نماز بودم و قرائت حضرت را می شنیدم و بدنم می لرزید، اما از
بیم ایشان نتوانستم نماز را قطع کنم، ولی به هر صورتی که بود نماز را تمام کردم. نور حضرت از
زمین به طرف بالا می رفت.

مشغول گریه و زاری و عذرخواهی از سوء ادبی که در مسجد با ایشان داشتم، شدم و عرض کردم:
آقای من، وعده شما راست است. مرا وعده دادید که با هم به قبر مسلم (ع) برویم. این جا دیدم که
نور متوجه سمت قبر مسلم (ع) شد. من هم به دنبالش براه افتادم تا آن که وارد حرم حضرت مسلم
(ع) گردیدم و توقف کرد و پیوسته به همین حالت بود و من مشغول گریه و ندبه بودم تا آن که
فجر طالع شد و آن نور عروج کرد.

صبح، متوجه کلام آن حضرت شدم که فرمودند: اما سینه ات که شفا یافت، و دیدم سینه ام سالم و
سرفه نمی کنم. یک هفته هم طول نکشید که اسباب ازدواج با آن دختر من حیث لا احتساب (از
ابدا

جایی که گمان نداشتم) فراهم شد و فقر هم به حال خود باقی است، همان طوری که آن جناب
فرمودند. والحمد لله. (())

- تشرف مرد کاشانی مفلوج

در کتاب بحار الانوار آمده است که عده ای از اهل نجف برای من نقل کرده اند:
مردی از اهل کاشان به نجف اشرف آمد و عازم حج بیت الله الحرام بود. در نجف به مرض شدیدی
مبستلا و پاهای او خشک شد و قدرت بر راه رفتن نداشت. رفقاییش او را در نجف نزد یکی از صلحاء
گذاشتند. آن مرد صالح حجره ای در صحن مقدس داشت و هر روز در را به روی او می بست و
برای تماشا و جمع آوری در به صحرایی رفت. روزی مرد کاشانی به آن شخص گفت: دلم تنگ

و از این مکان خسته شده ام امروز مرا با خود ببر و در جایی بینداز و بعد هر جا که خواستی برو.
شده

مردراضی شد و او را با خود به خارج شهر نجف برد. آن جا مکانی بود که به آن مقام حضرت قائم
آن
(ع) می گفتند.

مریض کاشانی می گوید: مرا در آن جا نشاند و لباس خود را در حوضی شست و بر روی درختی که
جا بود، انداخت و به طرف صحرا رفت. من در آن مکان تنهاماندم و فکر می کردم که بالاخره
همان
کار من به کجا منتهی می شود.

ناگاه جوان خوشرویی گندمگونی را دیدم که داخل صحن مقام شد. به من سلام کرد و به
حجره ای که در آن مقام بود، رفت و نزد محراب آن چند رکعت نماز با خضوع و خشوع بجا آورد که
من هرگز نماز به آن خوبی ندیده بودم. وقتی از نماز فارغ شد، پیش من آمد و احوال مرا پرسید. به
او گفتم: به بلایی مبتلا شده ام که سینه من از آن تنگ شده است نه خدا مرا از آن عافیت می دهد،
که سالم گردم نه مرا از دنیا می برد، تارها شوم.

مرد به من فرمود: ناراحت نباش به زودی حق تعالی هر دو را به تو عطا می کند و از آن مکان
آن

وقتی خارج شد، دیدم لباس دوستم که آن را شسته بود، از روی درخت افتاد. از جا برخاستم
رفت.

و آن را دوباره شسته و بر درخت انداختم بعد از آن با خود فکر کردم و گفتم: من که نمی توانستم
از جا برخیزم چطور شد که بلند شدم و راه رفتم؟ و باز وقتی بیشتر دقت کردم، هیچ گونه درد و
مریضی در خود ندیدم. فهمیدم که آن بزرگوار حضرت قائم (ع) بود و حق تعالی به برکت و اعجاز
ایشان، مرا عافیت بخشیده است.

از صحن آن مقام خارج شدم و به صحرا نظر کردم، اما کسی را ندیدم. خیلی ناراحت شدم که چرا
من آن حضرت را نشناختم. بعد از مدتی صاحب حجره آمد و وقتی سلامت مرا دید، متحیر گشت
جریان را از من پرسید. من هم تمام قضیه را به او خبر دادم. او بسیار حسرت خورد که فیض
و

ملاقات آن حضرت از دستش رفته است. با اوبه حجره رفتیم.

اهل نجف می گویند: مرد کاشانی سالم بود تا این که دوستان و رفقاییش از حج برگشتند. چند
روز با ایشان بود. دوباره مریض شد و فوت کرد و در صحن مقدس امیرالمؤمنین (ع) دفن شد و
درستی آن دو مطلبی که حضرت ولی عصر (ع) به او خبر داده بودند، ظاهر شد، یکی عافیت از
مرض و دیگری از دنیا رفتن بود. (())

- تشرف حاج ابوالقاسم یزدی

حاج ابوالقاسم یزدی فرمود:

من از گماشتگان حاج سید احمد، که از تجار محترم یزد و معروف به کلاهدوز است، بودم و با ایشان به سفر حج مشرف شدم. در این سفر، مسیر ما از نجف اشرف و راه جبل بود. سه منزل بعد از نجف، یک روز صبح پس از طلوع آفتاب حرکت کردیم نزدیک دوفرسخ رفته بودیم، ناگاه شتری که ااثیه روی آن بود و من بر آن سوار بودم، رم کرد و مرا با ااثیه و بار انداخت فرار کرد. ارباب من هم غافل و هر چه صدا زدم که بیایید و مرا یاری کنید و شتر را بگیرید، کسی و

به حرف من گوش نداد. از پشت سر نیز هر که رسید و هر چه گفتم بیایید مرا نجات دهید، کسی به حرف من اعتنا نکرد. تا عبور قافله‌ها تمام شد، بحدی که دیگر کسی دیده نمی‌شد.

می‌ترسیدم، زیرا شنیده بودم، عرب‌های عنیزه برای بدست آوردن پول و اجناس دیگر، حجاج خیلی

را می‌کشند. نزدیک دو ساعت طول کشید و من در فکر بودم ناگاه کسی از پشت سرم رسید که سوار بر شتری با مهار پشمینه بود. سؤال کرد: چرا معطلی؟ گفتم: من عربی نمی‌دانم شما چه می‌گویید؟

این بار به زبان فارسی گفت: چرا ایستاده‌ای؟ گفتم: چه کنم؟ شتر، مرا به زمین زد و فرار کرد و من در بیابان متحیر و سرگردان مانده‌ام.

چیزی نگفت، ولی بازوی مرا گرفت و پشت سر خود سوار کرد.

گفتم: ااثیه من این جا مانده است. گفت: بگذار، به صاحبش می‌رسد.

قدری که راه رفتیم به یک تل خاکی خیلی کوچک رسیدیم. شتر سوار چوب کوچکی مانند عصا در دست داشت با آن به گردن شتر اشاره نمود و شتر خوابید. مرا پیاده کرد و با عصا اشاره‌ای به تل نمود. نصف آن تل به طرفی و نصف دیگر به طرف دیگر رفت. در وسط، دری از سنگ سفید و براق باز شد. اما من متوجه نشدم که این در چطور باز شد. بعد به من گفت: حاجی با من بیا. پله پایین رفتیم. جایی مثل دهلیز دیده شد طرف دیگر چند پله داشت از آن جا بالا رفتیم.

چند

صحن بسیار وسیعی دیدم که اتاق‌های بسیاری داشت. باغی دیدم که به وصف در نیاید این باغ خیابان‌هایی داشت. من سر خود را به زیر انداخته بودم آن شخص فرمود: نگاه کن. کردم، قصرهایی عالی دیده می‌شد. وقتی به آن غرفه‌ها رسیدیم، اتاقی را به من نشان داد و نگاه

گفت: این مقام حضرت رسول (ص) است دو رکعت نماز بخوان.

گفتم: وضو ندارم. گفت: بیا برویم. دو یا سه پله بالا رفتیم حوض کوچکی دیدم که آب بسیار

زالال و صافی داشت به طوری که زمین حوض پیدا بود. من مشغول وضو گرفتن به روشی که رسم خودمان است شدم، ولی با ترس و رعب که مبادا این شخص سنی باشد و بر خلاف روش او وضو گرفته باشم.

گفت: حاجی نشد وضو را این طور بگیر. اول شروع به شستن دست نمود بعد از آن برجلوی آب ریخت و انگشت شست و سبابه را تا چانه پایین کشید. پس از آن به چشم و بینی دست پیشانی

سپس مشغول شستن دستها از آرنج تا سر انگشتها، بعد هم به رسم خودمان سر و پاها را کشید

مسح کرد. بعد از مسح گفت: این روش در وضو را ترک نکن. بعد از وضو به مقام رسول خدا(ص) رفتیم. فرمود: دو رکعت نماز بگذار.

گفتم: خوب است شما جلو بایستید و من اقتدا کنم. گفت: فرادی بخوان. من دو رکعت نماز خواندم.

بعد از نماز قدری راه رفتیم تا به غرفه ای رسیدیم گفت: این جا هم دو رکعت نماز بخوان این جا مقام حضرت امیرالمؤمنین (ع)، داماد حضرت رسول(ص) است.

گفتم: خوب است شما جلو بایستید و من اقتدا کنم. گفت: فرادی بخوان. دو رکعت دیگر نماز بجا آوردم.

قدری راه رفتیم گفت: این جا هم دو رکعت نماز بخوان این جا مقام جبرئیل (ع) است. من هم دو رکعت نماز خواندم. سپس به وسط صحن و فضای آن آمدم. ایشان فرمود: دو رکعت نماز هم به نیت صد و بیست و چهار هزار پیغمبر، در این جا بخوان. من هم همین کار را کردم.

مقام حضرت رسول(ص) سبز رنگ بود و مقام حضرت امیر(ع) سفید و نورانی و خط دور آن هم همین طور سفید رنگ و نورانی بود. غرفه ها همگی جز مقام جبرئیل سقف داشت.

وقتی از نماز فارغ شدیم، گفت: حاجی بیا برویم و از همان راهی که آمده بودیم با هم برگشتیم.

وقتی بیرون آمديم، گفتم: روی بام بروم تا یک دفعه دیگر آن مناظر را تماشا کنم. گفت: حاجی بیا برویم این جا بام ندارد و باز مرا سوار کرد.

که شتر مرا به زمین زده بود، خیلی تشنه بودم و بعد از آن که همراه او سوار شدم هر چه با وقتی

هم می رفتیم، اثر تشنگی رفع می شد.

که با ایشان سوار بودم، می دیدم زمین زیر پای ما غیر طبیعی حرکت می کند تا این که از دور وقتی

یک سیاهی به نظرم آمد گفتم: معلوم می شود این جا آبادی است. گفت: چرا؟ گفتم: چون نخلهای خرما به نظر می رسد.

گفت: اینها علم حجاج و چادرهای آنها است. قافله‌دار شما کیست؟
گفتم: حاج مجید کاظمینی. طولی نکشید که به منزل رسیدیم. شتر ما مثل ببر، از وسط طناب چادرها عبور می‌کرد، ولی پای او به طناب هیچ خیمه‌ای بند نمی‌شد. تابه پشت خیمه قافله‌دار باز با همان چوب به چادر او اشاره نمود. حاج مجید کاظمینی بیرون آمد و همین که آمدیم.

چشمش به من افتاد بنای بد اخلاقی و تغیر را با من گذاشت، که کجا بودی و چقدر مرا به زحمت انداختی و بالاخره هم تو را پیدا نکردم؟

شخص کمر بند او را گرفت و نشانند، حال آن که حاج مجید مرد قوی هیکل و با قدرتی بود. به او آن

گفت: به حج و زیارت پیغمبر می‌روی، و کسی که به حج و زیارت پیغمبر می‌رود نباید این اخلاق داشته باشد این حرفها چیست؟ توبه کن. بعد روانه شد تا به چادر ارباب من رسید. فاصله تا آن جا را

حدودا ششصد متر بود، ولی فوراً به آن جا رسید و بدون آن که از کسی چیزی بپرسد مجدداً با چوب دستی خود به چادر اشاره کرد. ارباب بیرون آمد و همین که چشمش به من افتاد، گفت: آقا ابوالقاسم آمد.

شتر دار حاج سید احمد گفت: داخل بیایید. من با آن شخص به داخل چادر رفتیم. آن شخص گفت: این هم امانتی است که بین راه مانده بود. حاج سید احمد نسبت به من تندی کرد که کجا بودی؟ آن شخص گفت: حاجی، هر جا که بود، آمد. دیگر حرفی نمی‌خواهد. سپس آن شخص پا در رکاب کرده و نشست و خواست برود، حاج سید احمد به پسرش گفت: برو برای حاجی (کسی که مرا آورده بود) قهوه بیاور. فرمود: من قهوه نمی‌خورم.

حاج سید احمد به پسرش گفت: برو انعام این شخص را بیاور. رفت و یک طاقه شال خلیل خانی و یک کله قند آورد.

آن شخص قند را برداشت و کنار گذاشت و گفت: برای خودت باشد. شال را برداشت و گفت: به مستحق می‌رسانم و بیرون رفت. ارباب هم برای مشایعت ایشان بیرون رفت. به محض این که از چادر خارج شد او را ندید و یک مرتبه از انتظار غایب شد. آن وقت من حکایت خود را گفتم و ارباب از این جریان افسوس خورد.

آن جا بودیم. صبح، قبل از بار کردن و حرکت، برای کاری از چادر بیرون آمدم شخصی را دیدم شب

که باری به دوش گرفته و می‌آورد. به من رسید و فرمود: اینها اثاثیه شما است، بردار. من آنها را از دوش او برداشتم و ایشان رفت، ولی این شخص آن مرد سابق نبود. (())

- تشرف ابوالحسین بن ابی البغل کاتب

ابوالحسین بن ابی البغل کاتب نقل می کند:

از طرف ابی منصور بن صالحان، کاری را به عهده گرفتم، ولی اتفاقی افتاد که باعث شد من خودم را از او پنهان کنم او هم در جستجوی من برآمد.

مدتی پنهان و هراسان بودم. آنگاه قصد کردم به مقابر قریش، یعنی مرقد منور حضرت کاظم (ع) و شب جمعه را در آن جا بمانم و دعا و مسئلت کنم تا خدای تعالی به برکت آن حضرت، فرجی بروم

کار من بنماید. آن شب باد و باران بود. از ابوجعفر قیم، خواهش کردم که درهای حرم مطهر را در

ببندد و سعی کند که آن جا خالی شود تا من در حرم خلوت کنم و بتوانم آنچه را می خواهم، انجام دهم.

ابوجعفر همین کار را کرد و درها را بست. نصف شب شد و به قدری باد و باران آمد که تردد زوار را از آن مکان مقدس قطع کرد. من هم در آن جا ماندم و دعا و زیارت می نمودم و نماز می خواندم. ناگاه صدای پایی از سمت ضریح مولای خود، حضرت موسی بن جعفر (ع)، شنیدم و مردی را دیدم که زیارت می کند. او در زیارت خود بر حضرت آدم و انبیاء اولوالعزم (ع) و بعد بر یک ائمه سلام کرد تا به صاحب الزمان (ع) رسید ولی ایشان را ذکر نکرد.

از این عمل تعجب کردم و گفتم شاید حضرتش را فراموش کرده یا ایشان رانمی شناسد و یا این یک مذهبی است که خودش دارد.

وقتی از زیارت فارغ شد، دو رکعت نماز خواند و رو به طرف مرقد حضرت امام جواد (ع) کرد و حضرتش را مثل امام کاظم (ع) زیارت کرد و دو رکعت نماز خواند.

من ترسان بودم و او را نمی شناختم. دیدم شخصی است که سن جوانی را تمام کرده و در زمره افراد کامل محسوب می شود، پیراهن سفیدی به تن و عمامه ای باتحت الحنک بر سر دارد و ردایی بر کتف انداخته بود. فرمود: ای ابوالحسین ابن ابی البغل، چرا دعای فرج را نمی خوانی؟

گفتم: مولای من، دعای فرج کدام است؟ فرمود: دو رکعت نماز می خوانی و می گویی: یا من اظهر الجمیل و ستر القبیح یا من لم یؤاخذ بالجریرة و لم یهتک الستر و السریرة یا عظیم المن یا کریم الصفح یا حسن التجاوز یا واسع المغفرة یا باسط الیدین بالرحمة یا منتهی کل نجوی و یا غایة کل شکوی یا عون کل مستعین یا مبتدء بالنعم قبل استحقاقها یا رباه ده مرتبه یا غایة رغبتاه ده مرتبه استلک بحق هذه الاسماء و بحق محمد وآله الطاهرين عليهم السلام الا ما کشف کربی و نفسستهمی و فرجت غمی و اصلحت حالی و بعد از این دعا هر چه می خواهی، بطلب. آنگاه طرف راست صورت خود را بر زمین گذاشته و صد مرتبه در سجده می گویی: یا محمد یا علی، یا علی یا محمد اکفیانی فانکما کافیای و انصرانی فانکما ناصرای.

بعد طرف چپ صورت را بر زمین بگذار و صد مرتبه بگو: ادر کنی و آن قدر می گویی الغوث، الغوث تا این که نفست تمام شود بعد هم سرت را از سجده بردار. به درستی که خدای تعالی الغوث،

به کرم خود، حاجت تو را ان شاءالله بر می آورد.

ابن ابی البغل می گوید: وقتی مشغول نماز و دعا شدم، او بیرون رفت. هنگامی که نمازم تمام شد، ابوجعفر رفتم تا از او راجع به این مرد سؤال کنم، که چطور داخل شده است، اما با کمال تعجب نزد

دیدم درها به حال خود بسته و قفل است!

با خود گفتم: شاید دری در این جا باشد که من نمی دانم و خود را به ابوجعفر قیم رساندم. او هم اتاقی که محل روغن چراغ حرم بود) به طرف من آمد. جریان آن مرد و کیفیت داخل از

شدنش را پرسیدم. گفت: درها همان طوری که می بینی قفل است و من آنها را باز نکرده ام. قضیه را خبر دادم در این جا ابوجعفر گفت: این آقا، مولای ما حضرت صاحب الزمان (ع) است و من مکرر حضرتش را در مثل چنین شبی که حرم خالی از مردم است مشاهده نموده ام. با این کلام ابوجعفر، به خاطر آنچه از دستم رفته بود، تاسف خوردم. نزدیک طلوع فجر، از حرم خارج شدم و به کرخ (محلی که پنهان بودم) رفتم. هنوز روز نشده بود که یاران ابن صالحان مطهر

ملاقات من شدند و راجع به من از دوستانم سؤال می کردند. آنها با خود امانی از وزیر آورده جویای

بودند. من هم همراه شخص امینی از دوستان، نزد او حاضر شدم. ابن صالحان از جای خود برخاست و مرا در آغوش گرفت به طوری که تا به حال از او چنین کاری را ندیده بودم بعد گفت: کار تو به جایی رسید که از من نزد حضرت صاحب الزمان (ع) شکایت کنی؟

گفتم: دعایی می کردم و سؤالی از آن جناب داشتم. و این جمله را به این خاطر گفتم تا از گفته خود صرف نظر کند ولی او گفت: دیشب (شب جمعه) مولای خود، حضرت صاحب الزمان (ع)، را خواب دیدم. آن حضرت با من درشتی کردند و دستور دادند که هر کار نیک و خوبی را نسبت به در

تو انجام دهم، به طوری که ترسیدم.

ابوالحسن ابن ابی البغل می گوید، گفتم: لا اله الا الله گواهی می دهم که ایشان حقند. شب گذشته مولای خود را در بیداری زیارت کردم. ایشان به من فرمودند: فلان کار را بکن. و شرح آنچه را در حرم مطهر دیده بودم، برایش گفتم.

او تعجب کرد و بعد از آن نسبت به من کارهای بزرگ و خوبیهای انجام داد و به برکت مولایمان حضرت ولی عصر (ع) به مقاصدی که گمانش را هم از او نداشتم، رسیدم. (())

- مشاهده حاج سید احمد رشتی

حاج سید احمد رشتی می‌فرماید:

در سال ۱۲۸۰، به قصد حج بیت الله الحرام از رشت به تبریز آمدم و در خانه حاج صفر علی تاجر تبریزی منزل کردم، اما چون قافله‌ای نبود، متحیر ماندم تا آن که حاج جبار جلودار سدهی برای طرابوزن (از شهرهای ترکیه) بار برداشت. من هم به تنهایی از او حیوانی کرایه کرده اصفهانی

رفتم. وقتی به منزل اول رسیدیم، سه نفر دیگر به تشویق حاج صفر علی به من ملحق شدند: یکی

و

ملا باقر تبریزی، دیگری حاج سید حسین تاجر تبریزی و سومی حاجی علی نام داشت که

حاج

خدمت می‌کرد که به اتفاق روانه شدیم. به ارزنة الروم (شهری تجاری و صنعتی در شرق ترکیه) واز آن جا عازم طرابوزن شدیم. در یکی از منازل بین این دو شهر، حاج جبار جلودار آمد و

رسیدیم

گفت: منزلی که فردا در پیش داریم مخوف است امشب زودتر حرکت کنید که به همراه قافله باشید. این مطلب را به خاطر آن می‌گفت که ما در سایر منازل، غالباً با فاصله‌ای پشت سر قافله راه می‌رفتیم. لذا حدود سه ساعت پیش از اذان صبح، حرکت کردیم. حدود نیم فرسخ از منزل خود دور شده بودیم که ناگاه هوا دگرگون شد و برف باریدن گرفت به طوری که هر کدام از سر خود را پوشاندند و به سرعت رفتند، اما من هر قدر تلاش کردم نتوانستم به آنها برسم و در رفقا،

آن جا تنها ماندم. از اسب پیاده شدم و در کنار راه نشستم. خیلی مضطرب بودم، چون حدود ششصد تومان برای مخارج سفر همراه داشتم و ممکن بود راهزن یا دزدی پیدا شود و مرا به خاطر آنها از بین ببرد. بعد از تأمل و تفکر، با گفتم: تا صبح همین جا می‌مانم بعد به منزل قبلی برگشته، چند محافظ همراه خود می‌آورم و به قافله ملحق می‌شوم. در همان حال ناگاه مقابل خود دیدم و در آن باغ باغبانی که در دست بیلی داشت، مشاهده می‌شد. او بر درختها باغی

می‌زد که برف آنها بریزد. پیش آمد و نزدیک من ایستاد و فرمود: تو کیستی؟ عرض کردم: رفقایم رفته و من مانده و راه را گم کرده‌ام.

فرمود: نافله شب بخوان تا راه را پیدا کنی.

مشغول نافله شب شدم. بعد از تهجد (نماز شب)، دوباره آمد و فرمود: نرفتی؟ گفتم: والله، راه را

بلد نیستم.

فرمود: جامعه بخوان تا راه را پیدا کنی.

من جامعه را از حفظ نداشتم و الان هم از حفظ نیستم با آن که مکرر به زیارت عتبات مشرف شده‌ام. از جای برخاستم و زیارت جامعه را از حفظ خواندم. باز آن شخص آمد و فرمود: نرفتی؟ بی اختیار گریه‌ام گرفت و گفتم: همین جا هستم چون راه را بلد نیستم. فرمود: عاشورا بخوان. من زیارت عاشورا را از حفظ نداشتم و الان هم حفظ نیستم در عین حال برخاستم و مشغول زیارت عاشورا از حفظ شدم، و تمام لعن و سلام‌ها و دعای علقمه را خواندم. دیدم باز آمد و فرمود: نرفتی؟ گفتم: نه، تا صبح همین جا هستم. فرمود: الان تو را به قافله می‌رسانم. ایشان رفت و بر الاغی سوار شد و بیل خود را به دوش گرفت و آمد. فرمود: پشت سر من بر الاغم سوار شو. شدم و اسب خود را کشیدم اما حیوان حرکت نکرد. فرمود: دهنه اسب را به من بده. ایشان بیل سوار

را به دوش چپ گذاشت و عنان اسب را با دست راست گرفت و براه افتاد. اسب کاملاً آرام می‌آمد و ایشان را اطاعت می‌نمود بعد آن بزرگوار دست خود را بر زانوی من گذاشت و فرمود: شما چرا نافله نمی‌خوانید؟ نافله، نافله، نافله. باز فرمود: شما چرا عاشورا نمی‌خوانید؟ عاشورا، عاشورا، عاشورا. بعد فرمود: شما چرا جامعه نمی‌خوانید؟ جامعه، جامعه، جامعه.

در زمان طی مسافت، مسیری دایره‌ای را پیمودیم ناگاه برگشت و فرمود: اینها رفقای شما هستند. دیدم رفقا کنار نهر آبی پیاده شده، مشغول وضو برای نماز صبح بودند. الاغ پیاده شدم تا سوار اسب خود شوم، نتوانستم. آن جناب پیاده شد و بیل را در برف فرو کرد و از

مرا سوار نمود و سر اسب را به سمت رفقا برگرداند. من در آن حال به فکر افتادم این شخص که بود که به زبان فارسی صحبت می‌کرد در حالی که این طرفه‌ازبانی جز ترکی و مذهبی جز مذهب عیسوی وجود ندارد! تازه چطور به این سرعت مرا به رفقای خود رسانید.

خاطر همین فکرها پشت سرم را نگاه کردم، اما کسی را ندیدم و از ایشان اثری نیافتم. و بعد از به

این جریان به رفقای خود ملحق شدم. (())

- مشاهده حاج میرزا مقیم قزوینی

عالم ربانی و عارف صمدانی، حاج میرزا مقیم قزوینی فرمود:

کردم چله‌ای در سرداب غیبت باشم و در اوقات خلوت خود، به آن جا مشرف می‌شدم. نزدیک قصد

تمام شدن چله، روزی به سبب بعضی عوارض، کدورتی پیدا کردم. با دلی گرفته و قلبی شکسته به آن جا مشرف و مشغول نماز و اوراد مخصوص شدم.

ناگهان بین خواب و بیداری، دیدم سرداب مطهر مملو از بوی عطر و عنبر گردید. چشم باز نمودم دیدم، سید جلیلی با عمامه سبز از سرداب شش ضلعی که قبل از خود سرداب مقدس است وارد شد و آرام آرام قدم بر می دارد، تا داخل صفا گردید.

چنان بی خود شدم که قادر بر حرکت دادن هیچ عضوی از اعضای خود نبودم جز آن که چشم من

باز بود و جمال آن منبع انوار را مشاهده می نمودم.

از مدتی با همان وقار و سکینه ای که وارد محل مذکور شد، نماز خواند و بعد از نماز با همان پس

حالت اطمینان روانه گردید و من به همان شکل از خود بی خبر بودم.

وقتی از سرداب اصلی داخل سرداب اولی شدند، به خود آمدم برخاستم و گفتم: یقیناً هنوز بالا نرفته اند. با کمال سرعت دویدم، ولی کسی را ندیدم. از پله ها بالا رفتم، ابد اثری نبود. گفتم: حتماً کرده ام و هنوز در سرداب تشریف دارند دویدم و همه جا حتی مسجد زنها را جستجو کردم، اشتباه

چیزی ندیدم. ضمن این که به مجرد غایب شدن ایشان، آن بوی مشک و عنبر هم از مشام ولی

محو گردید.

با کمال گرفتگی و زاری نشستم و به نفس بی قابلیت خود عتاب و خطاب زیادی کردم ولیکن چه سود با این بی لیاقتی. (())

- توسل سید محمد باقر شفتی و جزیره خضراء

حضرت حجة الاسلام، حاج سید محمد باقر شفتی رشتی (ره) در پشت کتاب تحفة الابرار (رساله عملیه خودشان) و به خط خود این جریان را نوشته بودند:

همیشه از حضرت بقية الله ارواحنا فداء می خواستم که مرا به مشاهده جزیره خضراء و بحر ابیض من

و شهرهایی که اولاد آن حضرت در آن جا بر خلق زیادی که در نهایت عظمت هستند، حکومت دارند، موفق گرداند و خدا را به حق ولی خود عجل الله تعالی فرجه الشریف قسم دادم که صحت این امر بر من معلوم شود.

این که شب عید غدیر که شب جمعه بود، ثلث آخر شب کنار باغچه ای که در خانه مادر تا

بیدآباد اصفهان است، راه می رفتم. ناگاه سید مجلی را دیدم که به سیمای علماء بود. ایشان مرا به تمام آنچه که در دل داشتم، خبر داد و همچنین به صحت آن شهرها و بلادی که در جزیره خضراء است آگاه نمود و گفت: آیا می خواهی به چشم خود ببینی، تا برای تو و سایر اولی الابصار

(صاحبان بصیرت) عبرتی باشد؟

گفتم: بلی، آقای من و در این صورت منت بزرگی بر من می گذارید.
فرمود: بیا دو چشمت را بر هم بگذار و هفت مرتبه بر جدت محمد و آل او صلوات بفرست.
دستور داد، انجام دادم. بعد فرمود: دو چشمت را باز کن و نظر کن ببین از آیات و نشانه های آنچه

الهی چه می بینی؟

چشمها را گشودم شهری را دیدم که خانه هایش دور و طرف راست و چپ آن از درخت و گل،
و خرم بود کانه جنات تجری من تحتها الانهار. (مانند بهشتی که نهلهایی در آن جاری است).
سبز

فرمود: به آخر آن درختها نظر کن و به آن جا برو، مسجد و امامی را می بینی که نماز صبح را
بعد

می آورد. پشت سر او جماعت و صفوفی است که نهایت ندارد. نماز خود را به آن امام اقتداء کن،
بجا

که او از طبقه هفتم اولاد صاحب الزمان (ع) و نامش عبدالرحمان است. بعد از نماز مرا آن جا
می بینی.

حسب الامر براه افتادم و دیدم زمین خود به خود زیر پای من طی می شود تا به آن مسجد و به
همان کیفیتی که گفته بود، رسیدم. آن امام، مثل ماه شب چهارده نورانی و در محراب ایستاده
ایشان مرا دید و من او را زیارت کردم فرمود: مرحبابک (خوش آمدی) به درستی که خدا بر تو
بود.

منت گذارد.

مسائلی که در رابطه با احکام مشکل بود، از ایشان سؤال کردم و جواب گرفتم. بعد هم مرا اکرام و
نمود. آنگاه نماز فجر را بجا آورد. به او اقتداء نمودم و مشغول به تعقیباتی که داشتم شدم تا آن
انعام

که نزدیک طلوع آفتاب شد. این جا از ذهنم گذشت که در چنین وقتی من با مردم نماز
می خوانده ام و آنها لابد به عادت هر روز منتظر می باشند، اما امروز گذشت و به آنها نمی رسم.
در این وقت، شنیدم آن سید و امام که در محراب نشسته بود، می گوید: مترس و محزون مباش
که به زودی تو را به جای خود می رسانیم و با آنها نماز می خوانی.

ناگاه دیدم آن سید اولی نزد من است دست مرا گرفت و گفت: به برکت امام زمان خود برویم.
فورا خود را در مسجد بیدآباد دیدم. با جماعت نماز خواندم و آن سید را هم دیگر ندیدم. (())

منبع:

برکات حضرت ولی عصر (ع)

{خلاصه العبقری الحسان}

تالیف مرحوم حاج شیخ علی اکبر نهاوندی (ره)

ترجمه:

سید جواد معلم